مهندسی سازان

اصول مهندسی تولید قطعات پیش ساخته بتنی

تألیف: دکتر فتاح پیرویان و دکتر محمد مهدی پیرویان

راهنمای جامع برای مهندسان عمران، ناظران و پیمانکاران پروژه‌های

اصول مهندسی تولید قطعات پیش ساخته بتنی
راهنمای جامع برای مهندسان عمران، ناظران و پیمانکاران پروژه‌های صنعتی

اصول مهندسی

تولید قطعات پیش ساخته

بتنی

فصل سوم

نسخه PDF غیر قابل فروش

دکتر فتاح پیرویان

مهندس محمدمهدی پیرویان

عنوان و نام پدیدآور:اصول مهندسی تولید قطعات پیش ساخته بتنی - فتاح پیرویان – مهدی پیرویان
مشخصات نشر: قم: فرهیختگان،۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص.: مصور، جدول.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۹۹-۲۵-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: مهندسی – عمران – قطعات پیش ساخته
شناسه افزوده: پیرویان، فتاح، ۱۳۴۴ -
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۴ آ۸ج/۵/۱۸۲Q

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات فرهیختگان و شرکت مهندسی ساران محفوظ است.

ناشر:	انتشارات فرهیختگان
مدیرمسئول:	سیدحسین رضوی خوسفی
عنوان کتاب:	اصول مهندسی تولید قطعات پیش ساخته بتنی
مولفان:	فتاح پبرویان- محمد مهدی پیرویان
چاپخانه:	زیتون قم
شمارگان:	۳۰۰۰ جلد
نوبت چاپ:	اول
قیمت:	۲۴۵۰۰۰ تومان
دفتر مرکزی:	قم ـ صفاییه ـ مهرآوران ـ بلوار شهیدان انتظاری ـ خیابان ایمان ـ ایمان ۷ کد پستی: ۸۹۱۵۸۹۷۷۵۴
تلفن:	۸۲۸۱۲۷۸ (۰۲۵)
مرکز پخش:	قم ـ کتاب چشمک (۶۲۶۱۷۷۰ - ۰۲۵) بندرعباس: ۰۹۱۷۷۶۸۴۹۶۶
پایگاه اینترنتی:	**WWW.TICKPUB.IR**

هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و ... را ندارد متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانی قرار می‌گیرند.

۳- ۱) مقدمه ای برالزامات کارگاه صنعتی تولید قطعات پیش ساخته

طراحی کارگاههای تولید قطعات و یا کارخانجات بزرگ صنعتی قطعات پیش ساخته یکی از پیچیده ترین و سخت ترین انواع کارگاههای تولیدی می باشد که دارای تفاوتهای اساسی با سایر کارخانجات تولیدی می باشد. به صورت ابتدایی و برای درک بهتر در شکل ۲-۱ کلیات بخشهای یک کارخانه تولید قطعات پیش ساخته بتنی ارائه شده است. این کارخانه یک مرکز تمام‌اتوماتیک تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی است که تمام مراحل از ساخت بتن تا عمل‌آوری و انتقال نهایی را در یک خط پیوسته انجام می‌دهد. فرآیند از ایستگاه بچینگ (Concrete Batching Plant) آغاز می‌شود، جایی که مواد اولیه مانند سیمان، شن و آب به‌صورت دقیق وزن‌کشی و مخلوط می‌شوند. سپس بتن از طریق دستگاه‌های تغذیه و توزیع (Feeder & Distributor) به قالب‌ها منتقل شده و با دستگاه لرزش و تسطیح (Shake Flattening & Vibrating Table) متراکم و هم‌سطح می‌گردد. قالب‌ها قبل از بتن‌ریزی با دستگاه پاشش روغن (Oil Injection) آماده می‌شوند تا بتن به آن‌ها نچسبد. پس از ریختن بتن، ماشین‌های دیجیتال (Digital Control Marker) محل دقیق قطعات مدفون یا خطوط برش را مشخص می‌کنند. بعد از گیرش اولیه، قالب‌ها توسط واگن‌ها و بالابرهای اتومات (Shuttle & Lifting Machines) به محفظه‌های عمل‌آوری (Curing Bin / Kiln) منتقل می‌شوند تا در دمای کنترل‌شده به مقاومت لازم برسند. سپس قطعات از قالب جدا شده، سطحشان پرداخت یا زبر می‌شود و با ماشین‌های دسترسی و انبار (Access Machine) به بخش ذخیره و حمل انتقال می‌یابند. کل این سیستم از ۱۶ واحد مکانیزه تشکیل شده که شامل بچینگ، قالب‌سازی، ویبره، حمل، بخاردهی و بسته‌بندی است.

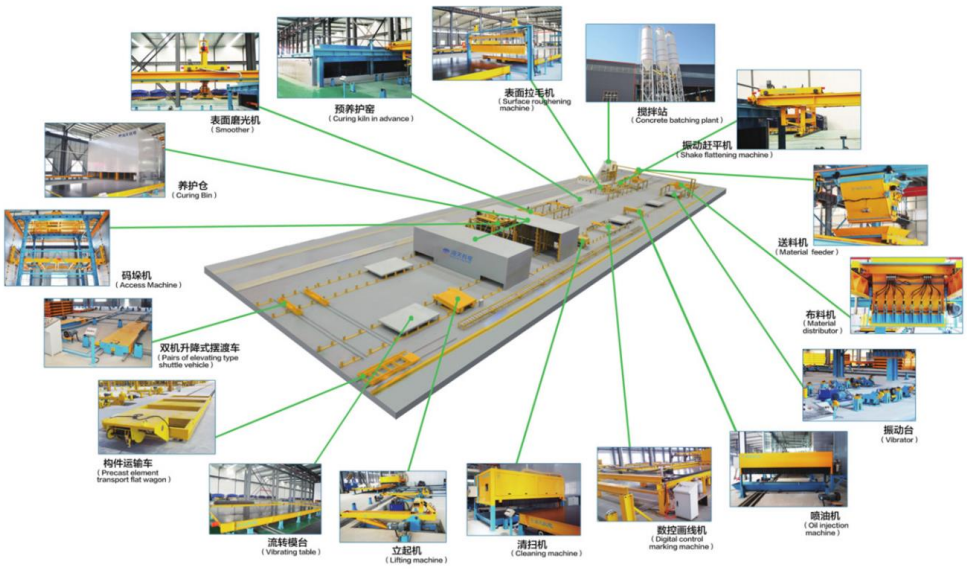

شکل ۳-۱ – شماتیک عمومی بخشهای یک کارخانه تولید قطعات پیش ساخته بتنی

بخشای اساسی این کارخانه به شرح زیر می باشد :

Concrete Batching Plant – ایستگاه بچینگ بتن

محل توزین، اختلاط و تأمین بتن با کنترل اتوماتیک.

Material Feeder – دستگاه تغذیه مواد

انتقال بتن از بچینگ به خط تولید با نوار نقاله یا شاتل.

Material Distributor – توزیع‌کننده بتن

توزیع یکنواخت بتن روی بستر یا قالب.

Shake Flattening Machine – دستگاه لرزش و تسطیح

ویبره و هم‌سطح‌سازی بتن تازه برای تراکم و صافی سطح.

Vibrating Table – میز ویبره

ایجاد ارتعاش یکنواخت زیر قالب برای خروج حباب‌های هوا.

Oil Injection Machine – دستگاه پاشش روغن قالب
پوشاندن قالب با روغن جداکننده برای جلوگیری از چسبندگی بتن.

Digital Control Marking Machine – ماشین ترسیم دیجیتال
نقشه‌کشی اتومات روی قالب‌ها برای تعیین محل بازشوها و قطعات مدفون.

Cleaning Machine – دستگاه تمیزکننده قالب
شست‌وشو و پاک‌سازی سطح قالب از بتن خشک‌شده.

Lifting Machine – دستگاه لیفتینگ (بالابر)
برای جابه‌جایی قطعات پیش‌ساخته بین ایستگاه‌ها.

Vibrating Table (Flat Line)
بستر تولیدی که قالب‌ها روی آن قرار می‌گیرند و بتن‌ریزی انجام می‌شود.

Precast Element Transport Flat Wagon – واگن حمل قطعه پیش‌ساخته
انتقال قطعات بین خطوط تولید، عمل‌آوری و انبار.

Pairs of Elevating Type Shuttle Vehicle – واگن دوگانه بالابرنده
انتقال هم‌زمان قالب‌ها در دو سطح (مثلاً از خط تولید به بخش بخاردهی).

Access Machine – دستگاه دسترسی یا انبارگذاری
چیدمان و بازیابی اتومات قطعات در قفسه‌های انبار یا تونل بخار.
Curing Bin – محفظه عمل‌آوری

نگهداری قطعات برای رسیدن به مقاومت مورد نظر در دمای کنترل‌شده.

Curing Kiln in Advance – پیش‌گرم‌کن یا اتاق پیش‌عمل‌آوری
مرحله‌ی اولیه‌ی عمل‌آوری برای بالا بردن دمای بتن قبل از بخاردهی اصلی.

Surface Roughening / Smoother Machine – دستگاه پرداخت یا زبرکننده سطح
برای صیقل یا زبر کردن سطح قطعات بسته به نوع استفاده (مثلاً دیوار ساندویچی).

در این کارگاههای بسیاری از الزامات و نیازمندیها متناسب با بکارگیری بتن و مواد شیمیایی بوجود می آید که نیازمند توالی زمانی مناسب در فرآیند تولید می باشد . زمان‌بندی تولید بتن در کارخانه‌های قطعات پیش‌ساخته یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در فرآیند صنعتی‌سازی سازه‌های بتنی است زیرا تمامی مراحل از تأمین و دپوی مواد اولیه تا اختلاط، انتقال، قالب‌ریزی، ویبره، پرداخت سطحی، عمل‌آوری و خروج قطعات از قالب باید در چارچوب برنامه زمانی دقیق و منظم انجام گیرد تا کیفیت، دوام و بهره‌وری خطوط حفظ شود، به‌گونه‌ای که حتی چند دقیقه تأخیر در حمل بتن تازه یا افزایش زمان ماند در میکسر می‌تواند موجب افت کارایی، جداشدگی دانه‌ها و کاهش مقاومت فشاری گردد، بنابراین کنترل زمان‌بندی نه‌تنها تضمین‌کننده یکنواختی و زیبایی محصول است بلکه بر کاهش مصرف انرژی، افزایش عمر قالب‌ها، جلوگیری از توقف تولید، بهبود مدیریت نیروی انسانی، استفاده بهینه از تجهیزات، کاهش ضایعات و ارتقای راندمان کلی کارخانه نیز تأثیر مستقیم دارد و باعث می‌شود چرخه تولید در حداقل زمان ممکن و با بالاترین کیفیت انجام شود.

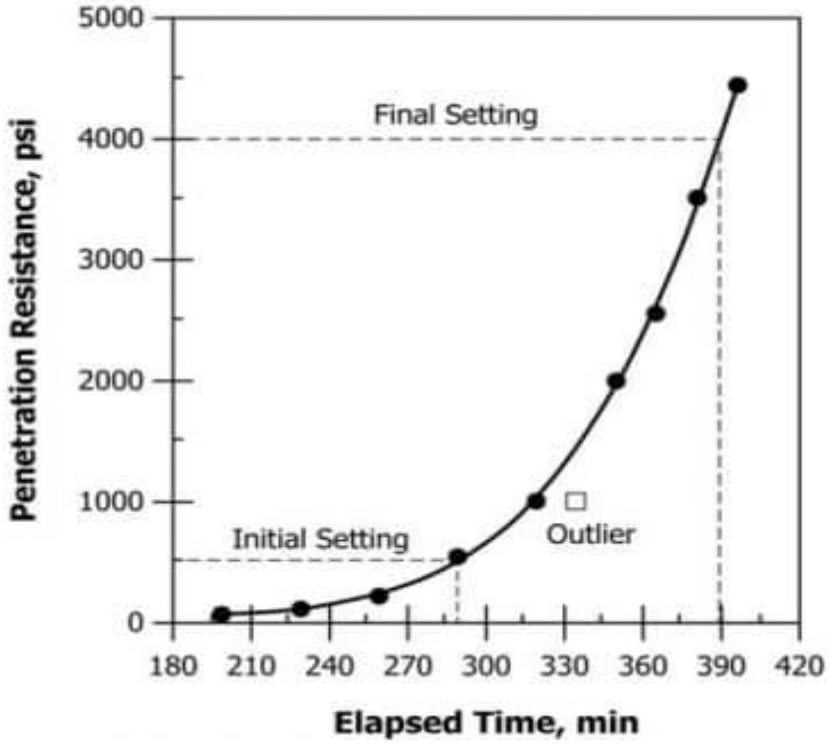

شکل ۳-۲ – مقاومت نفوذ در زمان سپری شده به میزان گیرش بتن در زمان‌های مختلف

در نمودار شکل ۲-۲-مقاومت نفوذ در زمان سپری شده، اطلاعاتی را در مورد میزان گیرش بتن در زمان‌های مختلف ارائه می‌دهد. نمودار مقاومت نفوذ،در محور x مدت زمان بر حسب دقیقه و در محور Y میزان مقاومت بر حسب PSI را نمایش می‌دهد.زمانی که مقاومت نفوذ به ترتیب برابر با ۳.۵ مگاپاسکال و ۲۷.۶ مگاپاسکال باشد، زمان گیرش اولیه و نهایی تلقی می‌شود . همانگونه که ملاحظه میشود بتن از بدو تشکیل له سرعت در حال ایجاد پیوند مولکولی بوده و زمان عاملی مهم در ساختار طراحی کارخانجات تولید قطعات پیس ساخته بتنی می باشد. در مراحل اولیه، بتن پس از اختلاط تا حدود ۲۴۰ تا ۲۷۰ دقیقه در حالت خمیری و قابل پرداخت باقی می‌ماند. در این زمان واکنش هیدراسیون هنوز به اندازه کافی پیشرفت نکرده است و مقاومت بتن تقریباً نزدیک به صفر است. با گذشت زمان، بلورهای هیدراته در ساختار خمیر سیمان تشکیل شده و بتن شروع به از دست دادن روانی می‌کند. نقطه‌ای که بتن از حالت کاملاً خمیری خارج می‌شود و شروع به سفت‌شدن می‌کند، به‌عنوان زمان گیرش اولیه

(Initial Setting Time) شناخته می‌شود. در نمودار این نقطه معمولاً در حدود مقاومت نفوذ ۵۰۰ psi قرار دارد.پس از این مرحله، واکنش هیدراسیون شدت می‌گیرد و شبکه بلوری C-S-H (کلسیم سیلیکات هیدرات) شکل می‌گیرد. با افزایش زمان، مقاومت بتن به‌صورت نمایی بالا می‌رود، به‌طوری که از حدود ۱۰۰۰ psi در ۳۲۰ دقیقه به بیش از ۴۰۰۰ psi در حدود ۴۰۰ دقیقه می‌رسد. در این نقطه بتن دیگر قابل پرداخت یا تغییر شکل نیست و به حالت سخت و صلب درآمده است. این لحظه را زمان گیرش نهایی (Final Setting Time) می‌نامند که نشان‌دهنده اتمام مرحله پلاستیک و آغاز مرحله سخت‌شدن بتن است.در نمودار، وجود یک نقطه خارج از روند (Outlier) نیز نشان داده شده است که ممکن است به دلیل خطای آزمایش، تفاوت در نمونه‌گیری یا تغییر دمای محیط باشد. در عمل، عوامل مختلفی مانند نوع سیمان، نسبت آب به سیمان، دمای محیط، رطوبت نسبی، و استفاده از افزودنی‌ها (مثل شتاب‌دهنده‌ها یا کندگیرکننده‌ها) بر زمان گیرش تأثیر مستقیم دارند.به‌صورت کلی، کنترل زمان گیرش اهمیت زیادی دارد، زیرا اگر گیرش بسیار سریع باشد، بتن‌ریزی و پرداخت سطح دشوار می‌شود، و اگر بیش‌ازحد کند باشد، زمان قالب‌برداری و پیشرفت تولید به‌تعویق می‌افتد. در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته، معمولاً از سیستم‌های گرمایش بخار یا افزودنی‌های شیمیایی برای تنظیم دقیق زمان گیرش استفاده می‌شود تا چرخه تولید و مقاومت نهایی بتن بهینه گردد و این یک مسئله بسیار مهم در زمینه طراحی وحلدهای تولیدی کارگاههای ساخت قطعات پیش ساخته بتنی می باشد .

هدف اصلی طراحی این واحدهای صنعتی ، طرح‌ریزی ترتیب قرار گرفتن تجهیزات و نیروی انسانی به نحوی است که حداکثر راندمان در خصوص تولید محصولات پیش ساخته بدست آید. لازمهٔ برآوردن این هدف آنست که در این طرح چه در مورد مواد و چه در مورد نیروی انسانی میزان حمل و نقل های مواد به حداقل برسد و نحوه استقرار ادوات در بهترین حالت ممکن باشد . در طراحی این واحدهای تولیدی باید کلیه مراحل از مرحله تحویل نقشه های ساخت به دفتر فنی و ارسال نقشه ها به کارگاه و در نهایت تولید قالب و تولید قطعات و مونتاژ نهایی در نظر گرفته میشود.طراحی این کارخانجات نیز همانند طراحی سایر کارخانجات تولیدی می باشد اما به لحاظ اجرایی دارای تفاوتهای اساسی در ساختار مهندسی می باشد و در آن ملاحضات خاصی میبایست رعایت شود.

مهمترین قسمت چیدمان کارگاه های ساخت قطعات پیش ساخته در بخش استقرار وسایل، تجهیزات، نیروی انسانی و غیره در بخش فرآیند انجام کار می باشد که بر موارد زیر متمرکز است :

-حمل و نقل مواد و جریان مواد اولیه در سطح کارخانه

-تحویل (محموله های تولیدی و بازرسی و انبارش)

-استقرار و چیدمان کارگاههای تخصصی

-سرویس‌ها و فعالیتهای فرعی کارگاهی

-کنترل کیفیت و بازرسی‌های حین تولید

-آماده سازی نهایی و مونتاژ نهایی

-تست و بازرسی های کارخانه ای

-فضای اختصاصی تعمیر و ترمیم قطعات

-فضای مخصوص دپوی محصولات

اهمیت طراحی کارگاه ساخت قطعات پیش ساخته بتنی را در شش مرحله می توان خلاصه نمود:

۱- اول شرط لازم برای داشتن یک فرایند مشخص و مدون در زمینه تولید

۲- شرط لازم برای داشتن یک جریان مناسب از همه تجهیزات، مواد و غیره

۳- شیوه های مناسب حمل و نقل در زمینه انتقال قطعات

۴- در نظر گرفتن مسائل حمل و نقل ادوات ، وسایل مختلف باید به نحو مناسبی در اطراف مسیر فرایند کارگاهی قرار داده شوند.

۵- در نظر گرفتن شرایط مناسب و بهینه برای کاهش هزینه ها

۶- ایجاد فرایند پایش همه جانبه و کنترل کیفیت

بنابراین طرح جریان مواد برای طراحی کلی کارگاه ساخت قطعات پیش ساخته یک پایه اساسی به حساب می‌آید که می‌تواند موفقیت یا عدم موفقیت سرمایه گذاری را بدنبال داشته باشد.

البته مهندسین طراح در مراحل اولیه در مورد فرم و چیدمان ساختمان و ابنیه با در نظر گرفتن تمامی پارامترهای تولیدی اقدام خواهند کرد ولی در طرح نهائی بخشهای اصلی و

سوله های تولید باید به صورت کامل طراحی شوند تا معایب اصلی و خصوصا تداخل ها مشخص شوند و در نهایت طرح اصلاح شده اجرا شود. معمولا هنگامی که از طراحی کارگاه ساخت صحبت میشود مسئله طرحریزی و ترتیب استقرار برای احداث یک سوله و یا یک محوطه باز بنظر می‌آید، در صورتیکه اکثر اوقات مسئله تجدید نظر در طرح یک سیستم موجود مطرح است که بزرگتر و جامعتر از یک محوطه تولیدی می باشد .معمولا موارد زیر منجر به تغییرات مجدد در انجام اصولی کارگاه ساخت می‌شوند:

۱- تغییر طرح: گاهی اوقات تغییر طرح یک محصول یا یک زیر سیستم منجر به تغییر شیوه تولید می‌شود که این ممکن است تغییرات جزئی یا طراحی مجدد کارگاه ساخت را ایجاب کند.به طور مثال تغییر فناوری تولید تایل های GFRC می تواند در این زمینه به عنوان یک عامل مهم به شمار آید.

۲- توسعه ساختاری یک بخش: اگر به دلیلی مجبور شدیم که روش تولید و ابعاد یک محصول را زیاد کنیم، این افزایش ممکن است به تغییرات کوچکی مثلاً احداث اتاق جدیدی در کنار سالن اصلی تولید منجر شود و یا اینکه نیاز به طراحی مجدد کارگاه ساخت داشته باشد، زیرا گاهی تغییر در فرایند تولید منجر به تغییر روش های اجرایی کلی نیز میگردد و مثلا" با ماشین آلات فعلی نمی‌توان به میزان مورد نیاز در خصوص ادامه تولید برخی محصولات خاص اقدامات اجرایی جدیدی را انجام داد. (به طور مثال افزایش ظرفیت قالبهای باتری مولد)

۳- کوچک سازی و تغیرات در یک بخش: امکان دارد لزوم کاهش فرآیند تولید یک محصول منجر به تغییر و کوچک شدن برخی از کارگاهها شود .مثلا در خصوص ساخت قالب های فلزی و در صورت استفاده از ظرفیت برون سازمانی نیازی به توسعه کارگاه فلزی در داخل کارحانه نمی باشد .

۴- فرآیند ساخت یک طرح جدید علاوه بر محصولات قبلی تولیدی: این مسئله مانند اضافه کردن چند قالب جدید، و گاهی مستلزم اضافه کردن یک فرآیند جدید تولید است.

۵- تغییر مکان یک بخش: در صورتیکه طرح استقرار داخلی تجهیزات ساخت تغییر کند.این مسئله در ساختار داخلی یک کارگاه به اجبار و تنها در صورت پیش بینی نشدن ساختار و کمبود فضای یک بخش صورت میپذیرد.

۶- افزودن یک بخش جدید در سایت ساخت : بنا به نیاز و توسعه تولید محصـولات جدیـد ممکن است بخشی از تجهیزات مورد نیاز در کارگاه ساخته شود و یـا عملیـات جدیـدی را کـه پیش از این در محل دیگری انجام می‌شده در کارگاه ساخت انجام دهیم . به طور مثـال اگـر در کارگاهی تصمیم بر آن گرفته شود که تولید قالبهای پیش ساخته نیز انجام شود و این به منزله توسعه شاپ فلزی می باشد .

شکل ۳-۳- توسعه کارگاههای ساخت فلزی قالبهای تولید قطعات همواره یکی از مهمتریـت بخشهای توسعه ای کارخانجات تولید قطعات پیش ساخته بتنی می باشد .

۷- تعویض تجهیزات قدیمی ساخت و تعمیرات که گاهی منجر به جابجـائی وسـائل مسـتقر در سایت می گردد.به طور مثال در برخی موارد لازم است تا ادوات اصلی قالبهای تولیدی بعـد

از مدتی و به دلیل استهلاک تعویض شوند . این مسئله در تولید قالب قطعات پیش ساخته امـری رایج است .

۸- تغییر در روش ساخت: هر تغییر کوچکی در محیط کارگـاهی و سـاخت تـاثیری جـدی بر سایر محیط های کار دیگر موجود در کارگاه خواهد داشت و این مسئله یک امـری طبیعـی و ناشی از برآیند تعامل و تقابل کارهاست .

۹- تقلیل هزینه هـای سـاخت و تولیـد : ایـن می‌توانـد علـت یکـی از مهمتـرین تغییـرات در روشهای اجرایی موجود باشد و معمولا در فرایندهای تولید این مسئله امری طبیعـی و اجتنـاب ناپذیر میباشد.

۱۰- احداث یک سایت جدید جوار صنعت در راستای توسعه : این بزرگترین مسـئله طراحـی یک سایت جدید و ارتباط آن با سایر بخشهای موجود می باشد. باید توجه داشـت کـه معمـولا این مسئله در راستای اجرای طرحهای بزرگ و جدید صورت می پذیرد.

۱۱- علاوه بر موارد فوق جهت انجام طراحی کارگاه ساخت قطعات پیش سـاخته لازم اسـت تا در مورد طراحی سایت جدید اقدامات جداگانه ای صورت پذیرد . از جمله این موارد عبارتنـد از:

- ابنیه موجود منطبق بر نیازهای ساخت و تولید نباشد.
- فقدان یک روش تولید مشخص در صورتیکه این کار بـا تغییـرات موجـود امکان‌پـذیر نباشد
- وسایل اضافی بدون در نظر گرفتن ارتباط آنها به شکل و مسیر جریان تولید
- وجود بیکاری و زمانهای تلف شده توجیه ناپذیر در تولید
- وجود مشکلات روشهای اجرایی تولید
- پائین بودن راندمان تولیدی
- وجود انبارهای غیرضروری کالا در کنار مجموعه تولید
- شلوغی زیاد محیط کار و تداخل در محل تولید
- وجود پارامترهای برگشت به عقب در مراحل مختلف تولید
- وجود گلوگاههائی که منجر به پائین آمدن کیفیت تولید می‌شود.

- وجود مشکلات برنامه‌ریزی تولید
- ضایعات زیاد متریال های تولید در تولید
- کارگر، کارمند یا وسایل اضافی بدون بهره وری
- بی نظمی و شلوغی و عدم بهداشت در محیط کار
- شرایط نا مطلوب محیطی در ساختار تولید

۳-۲- نیازمندیهای طراحی کارخانه ساخت قطعات پیش ساخته بتنی

طراحی کارگاه باید بتواند مفیدترین ترتیب قرار گرفتن المانهای اصلی را در فرایند تولید ارائه دهد، بنحوی که بتوان محصول مهندسی آماده را به اقتصادی‌ترین و در بهترین وضعیت به تولید رساند باید . در واقع کارگاه تولید قطعات پیش ساخته دارای شرایط خاص خود می باشند و هر کارگاه باید بر اساس اهداف طراحی و نیازهای مرتبط با ساخت قطعات توسعه پیدا نماید. به صورت کلی مهمترین اهداف طراحی کارخانه قطعات پیش ساخته بتنی عبارتند از :

۱- آسان‌سازی فرآیند ساخت و تولید قطعات پیش ساخته بتنی وبه حداقل رساندن جابجائی‌ها
۲- تحلیل جامع از سرمایه گذاری و بررسی جریان هزینه ها
۳- حفظ انعطاف‌پذیری ترتیب قرار گرفتن وسایل و تجهیزات.
۴- کوتاه کردن زمان کل تولید
۵- به حداقل رساندن میزان سرمایه‌گذاری بر روی ادوات و تجهیزات.
۶- حداکثر استفاده از زمین موجود(در دسترس)
۷- استفاده حداکثری از نیروی انسانی
۸- فراهم کردن حداکثر شرایط ایمنی برای کارکنان در کارگاه تولیدی
۹- در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی منطقه تولید
۱۰- تحلیل پارامترهای بهره وری کارخانه

در این خصوص توضیحات اجمالی در زمینه هر یک از عوامل ذکر شده ارائه میگردد .

۱- آسان‌سازی فرآیند تولید .

طراحی کارگاه تولیدی باید بنحوی باشد که فرآیند قطعات پیش ساخته بتنی را در ساده ترین روشهای اجرایی ممکن به اتمام برساند:

الف ـ ماشین آلات، وسایل و محیطکار به نحوی ترتیب‌دار در امتداد یک خط حرکت کنند. البته این به معنی خط راست نیست که بازگشت به عقب‌ها به حداقل برسند. در صورتی که شکل و مسیر تولید میتواند حتی به شکل U یا S باشد اما در فرآیند خروجی تولیدی کارخانه ای حرکت محصول به سمت انبار محصول و خروج از کارخانه باشد.

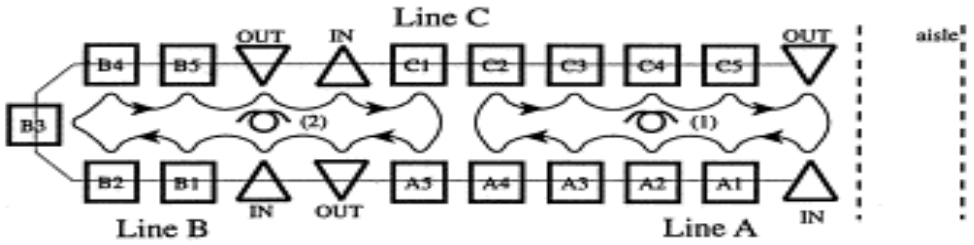

A. Three lines in a single U

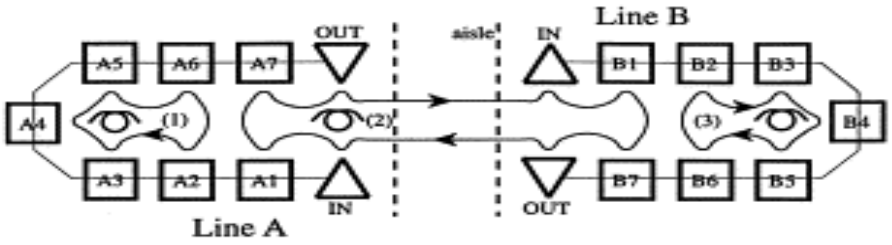

B. Double-dependent U-lines

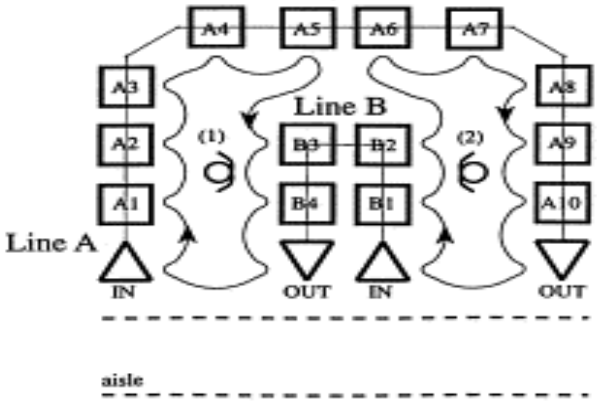

C. Embedded U-lines

شکل ۳-۴- نمونه هایی از خطوط تولید با فرم S- U , C

شکل ۳-۴ سه نوع چیدمان پیشرفته برای خطوط تولید کارخانه‌ای را نشان می‌دهد که هرکدام بسته به نوع محصول، حجم تولید و میزان وابستگی بین ایستگاه‌ها کاربرد متفاوتی دارند. در شکل اول با عنوان Three lines in a single U سه خط تولید A، B و C در قالب یک U

واحد سازمان‌دهی شده‌اند. در این ساختار، خطوط تولید به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ورودی و خروجی‌ها در نواحی مشترک قرار دارند تا اپراتورها بتوانند هم‌زمان چند ایستگاه را کنترل کنند. این چیدمان باعث کاهش زمان جابجایی مواد، بهبود جریان تولید، کاهش تعداد نیروی انسانی و استفاده بهینه از فضا می‌شود. در این سیستم، خط A مواد خام را دریافت کرده و پس از انجام چند مرحله، خروجی خود را در نزدیکی نقطه شروع خط بعدی (B) تحویل می‌دهد. خط B و سپس C ادامه‌دهنده همان مسیر تولید هستند، به‌گونه‌ای که خروجی هر خط می‌تواند ورودی خط بعدی باشد. این ساختار برای تولیدات پیوسته، نیمه‌اتوماتیک و مبتنی بر قطعات مشابه بسیار کارآمد است، زیرا ارتباط بین خطوط به‌صورت طبیعی برقرار می‌شود و امکان کنترل کیفیت هم‌زمان افزایش می‌یابد.در نمودار دوم با عنوان Double-dependent U-lines، دو خط U شکل به‌صورت موازی و وابسته به یکدیگر قرار گرفته‌اند. خط A و خط B در کنار هم قرار دارند و مواد اولیه از ابتدای خط A وارد شده و پس از عبور از ایستگاه‌های A1 تا A7 به خروجی می‌رسند. سپس مواد یا نیمه‌محصول‌ها مستقیماً به خط B منتقل می‌شوند تا فرآیند تکمیلی توسط ایستگاه‌های B1 تا B7 انجام شود. این ساختار معمولاً در کارخانه‌هایی استفاده می‌شود که دو بخش از تولید نیاز به هم‌پوشانی دارند، مثلاً خط اول وظیفه قالب‌گیری یا مونتاژ اولیه را دارد و خط دوم مسئولیت پرداخت نهایی، بسته‌بندی یا کنترل کیفی را برعهده می‌گیرد. در این مدل، هر دو خط از مسیرهای رفت و برگشتی مشترک استفاده می‌کنند و اپراتورها می‌توانند بین خطوط جابجا شوند. به همین دلیل این مدل «وابسته دوگانه» نام گرفته است، زیرا هر خط بدون دیگری کامل نیست. نتیجه این چیدمان، افزایش بهره‌وری، کاهش فضای اشغال‌شده و انعطاف‌پذیری بیشتر در تخصیص نیروی کار است. از نظر مدیریت تولید، چنین آرایشی به مدیران اجازه می‌دهد تا در زمان افت تقاضا یا بروز خرابی در بخشی از سیستم، یک خط را به‌طور مستقل متوقف کنند بدون اینکه کل فرآیند مختل شود.در نمودار سوم که Embedded U-lines نام دارد، خطوط U به‌صورت درهم‌تنیده یا تو در تو طراحی شده‌اند. در این ساختار، خط B درون خط A قرار دارد، به‌گونه‌ای که دو مسیر U به‌طور هم‌مرکز عمل می‌کنند. مواد اولیه از ورودی خط A وارد می‌شوند، در ایستگاه‌های A1 تا A7 مراحل اولیه تولید را طی می‌کنند و سپس بخشی از محصول به خط داخلی (B) منتقل می‌شود که شامل ایستگاه‌های B1 تا B4 است. هم‌زمان، بخش دیگر مسیر خط A ادامه یافته و در ایستگاه‌های A8 تا A10 تکمیل می‌شود. این نوع طراحی مخصوص کارخانه‌هایی است که فرآیندهای مکمل یا موازی دارند، مثلاً زمانی که بخشی از محصول باید تحت عملیات خاصی مانند کنترل کیفیت دقیق‌تر، رنگ‌آمیزی، تست یا بسته‌بندی ویژه قرار گیرد. مزیت اصلی

این چیدمان در حداقل‌سازی مسیر حرکت مواد و اپراتورهاست، زیرا تمام ایستگاه‌ها در فاصله فیزیکی کوتاه و در دید مستقیم از یکدیگر قرار دارند. در نتیجه، هماهنگی بین بخش‌ها، ارتباطات سریع و زمان واکنش کوتاه‌تر می‌شود. همچنین این ساختار برای تولید سلولی (Cellular Manufacturing) بسیار مناسب است، جایی که گروه‌های کوچک کارگران مسئول مجموعه‌ای از محصولات مشابه هستند.به‌صورت کلی، هر سه ساختار نشان داده‌شده در این نمودارها فلسفه تولید ناب (Lean Manufacturing) را دنبال می‌کنند. در تولید ناب، هدف حذف اتلاف‌ها، کاهش زمان انتظار، بهبود جریان مواد، و افزایش انعطاف‌پذیری خطوط است. خطوط U شکل برخلاف خطوط مستقیم، به اپراتورها اجازه می‌دهند چند ایستگاه را هم‌زمان کنترل کنند، ضمن آنکه فضا برای نظارت و بازگشت مواد به حداقل می‌رسد. چیدمان چند خط U در کنار یا درون یکدیگر امکان مقیاس‌پذیری سیستم تولید را فراهم می‌کند و باعث می‌شود کارخانه بتواند به تغییرات در حجم سفارش یا نوع محصول سریع‌تر واکنش نشان دهد.در سطح مدیریتی، چنین طراحی‌هایی به بهینه‌سازی تخصیص نیروی انسانی کمک می‌کنند، زیرا اپراتورهای چندمهارته (multi-skilled operators) می‌توانند به‌صورت انعطاف‌پذیر بین خطوط جابجا شوند. از نظر لجستیکی نیز مزیت بزرگی دارد، زیرا مسیر حمل مواد، محل ذخیره موقت، ایستگاه‌های بازرسی و خطوط خروجی نزدیک به هم قرار دارند. این نزدیکی باعث صرفه‌جویی در انرژی، کاهش ترافیک داخل کارخانه و افزایش ایمنی می‌شود. در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی، چنین آرایش‌هایی برای هم‌زمان‌سازی مراحل قالب‌گذاری، بتن‌ریزی، عمل‌آوری بخار، بازکردن قالب و انبارش استفاده می‌شود تا زمان چرخه تولید (Cycle Time) کاهش یافته و بهره‌وری قالب‌ها به حداکثر برسد.

ب ـ حتی‌الامکان تمام فعالیتهای اضافی حذف شوند. مشاهده شده یک محصول در حین تولید فقط در حمل و نقل و جابجایی و بارگیری مجدد بارها صدمه دیده است.

ج ـ جریان ساخت و تولید به صورتی باشد که میزان کاری که از هر مرحله مورد انتظار است بدون اینکه با بخشهای دیگر مخلوط شود به آسانی قابل شناسائی و انجام باشد.

د ـ طرح تولیدی بنحوی باشد که کیفیت کار پائین نیاید یعنی شرایط تولید در هر مرحله قابل کنترل و بهبود باشد.به طور مثال وجود بخشهای کنترل کیفیت ایستگاهی در محیط کارگاه و در ایستگاههای مختلف امری ضروری است .

باید سعی شود که کلیه حمل و نقل‌ها در سایت ساخت ، از تحویل تا بارگیری مجدد، بصورت مکانیزه و تعریف شده انجام گیرد . در این زمینه لازم است تا کلیه اقدامات حمل و نقل به عنوان بخشی از پروسه مورد ارزیابی قرار گرفته باشد.نکته حائز اهمیت آن است که در این

خصوص استفاده از ریل های مستقر شده در کف سالن های تولید و جر ثقیل های سقفی دارای اهمیت خاصی می باشد و در نظر گرفتن فواصل قطعات و قالبهای تولیدی مسئله مهمی می باشد و لازم است تا در طراحی سایت تولید کلیه تجهیزات مورد نظر در خصوص حمل ونقل به صورت کامل در نظر گرفته شده باشد. جابجایی مواد و قطعات در کارگاه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی یکی از بخش‌های کلیدی و پرهزینه در فرآیند تولید است و نقش بسیار مهمی در بهره‌وری، ایمنی و کیفیت نهایی محصول دارد. این جابجایی‌ها به‌طور کلی در سه دسته اصلی مواد اولیه، بتن تازه و قطعات سخت‌شده تقسیم می‌شوند که هرکدام روش‌ها و تجهیزات خاص خود را دارند:

جابجایی مواد اولیه (مواد خام)

در این مرحله شامل سیمان، شن، ماسه، آب و افزودنی‌هاست. انتقال معمولاً از طریق نوار نقاله (Conveyor Belt)، اسکیپ لیفت (Skip Hoist) یا سیلو و سیستم پنوماتیک انجام می‌شود. هدف از این جابجایی رساندن مصالح به میکسر با حداقل اتلاف انرژی و جلوگیری از آلودگی محیط است. برای دپوی مصالح نیز از لودرها یا سیستم‌های اتوماتیک تغذیه بچینگ پلنت استفاده می‌شود.

شکل ۳-۵- بچینگ فیدر (Aggregate Batching Machine) یا دستگاه توزین مصالح دانه‌ای که معمولاً در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی انتقال مواد خام به بچینگ را انجام میدهد.

جابجایی بتن تازه

پس از تولید بتن در بچینگ پلنت، باید در مدت زمان کوتاهی به محل قالب‌ریزی منتقل شود. برای این منظور از تاور کرین (Tower Crane)، باکت (Bucket)، تریلی‌های حمل بتن (Transit Mixer)، پمپ بتن (Concrete Pump) یا واگن ریلی (Shuttle Car) استفاده می‌شود. در خطوط تولید پیوسته یا اتوماسیون بالا، گاهی بتن توسط سیستم‌های ریلی هوایی (Overhead Crane Track) به صورت دقیق در قالب‌ها تخلیه می‌شود. زمان جابجایی در این بخش بسیار حیاتی است، زیرا تأخیر باعث افت اسلامپ و کاهش کارایی بتن می‌شود.

جابجایی قالب‌ها و قطعات نیمه‌سخت (در حال گیرش)

در کارخانه‌های پیش‌ساخته، پس از بتن‌ریزی، قطعات باید به محل عمل‌آوری منتقل شوند. این کار معمولاً با لیفتراک (Forklift)، جرثقیل سقفی (Overhead Crane)، یا سیستم‌های چرخ‌دار (Transfer Trolley) انجام می‌شود. در خطوط مدرن، قالب‌ها روی ریل‌های حرکتی یا واگن‌های موتوردار جابه‌جا می‌شوند تا وارد تونل بخار شوند و پس از رسیدن به مقاومت لازم، به خط جداسازی برگردند.

جابجایی قطعات نهایی

پس از باز کردن قالب و اطمینان از مقاومت کافی، قطعات به بخش انبار و سپس به محل بارگیری منتقل می‌شوند. این مرحله شامل جابجایی قطعات سنگین مانند دیوارهای پیش‌ساخته، تیرها، دال‌ها و ستون‌ها است که نیازمند جرثقیل‌های دروازه‌ای (Gantry Crane)، لیفتراک‌های سنگین، یا جرثقیل‌های موبایل (Mobile Crane) است. برای انبارش منظم از سیستم پالت‌بندی یا رک‌های فلزی چندطبقه استفاده می‌شود تا فضا بهینه گردد.

جابجایی افقی و داخلی خطوط تولید

در بسیاری از کارخانه‌های مدرن، جابجایی بین ایستگاه‌های تولید با استفاده از سیستم‌های نقاله زنجیری، واگن‌های خودران (AGV) یا ریل‌های کنترلی با حسگرهای RFID انجام می‌شود تا جریان مواد و قطعات بدون نیاز به نیروی انسانی مدیریت شود.

جابجایی خارجی (حمل و نقل به محل پروژه)

قطعات پس از بارگیری در تریلرهای مخصوص پیش‌ساخته (Low-Bed, Flat Trailer) با رعایت محدودیت‌های ابعادی و وزنی حمل می‌شوند. در این مرحله استفاده از تسمه‌های ایمنی، پدهای لاستیکی و محافظ‌های گوشه‌ای برای جلوگیری از آسیب سطحی ضروری است.

به‌طور کلی، سیستم جابجایی در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته باید طوری طراحی شود که جریان مواد از ورودی تا خروجی به صورت پیوسته، ایمن، سریع و بدون تداخل باشد. انتخاب روش مناسب بستگی به نوع قطعات (سبک یا سنگین)، میزان اتوماسیون، فضای کارگاه و میزان تولید روزانه دارد.

در کارخانه‌های پیشرفته، ترکیب هوشمندانه‌ای از کرین‌های سقفی، خطوط ریلی، لیفتراک‌ها، و نقاله‌های خودکار به کار می‌رود تا از بروز تأخیر، آسیب مکانیکی و خطاهای انسانی جلوگیری شود. چنین سیستمی علاوه بر کاهش هزینه‌های لجستیکی، منجر به افزایش راندمان تولید، کاهش زمان سیکل، و ارتقای ایمنی کاری در محیط‌های صنعتی می‌گردد.

۲- تحلیل جامع از سرمایه گذاری و بررسی جریان هزینه ها

تحلیل جامع از سرمایه گذاری و بررسی جریان هزینه ها مهم است چون به مدیران کارخانه کمک می‌کند بفهمند کدام بخش بیشترین سهم از هزینه و اتلاف را دارد و در نتیجه تصمیم‌های هدفمند برای کاهش آن بگیرند. همچنین با شفاف شدن ارتباط میان نیروی کار، مواد، لجستیک و سربار، می‌توان بهره‌وری واقعی و سودآوری هر قطعه را دقیق محاسبه کرد. این مدل مانع از تصمیم‌های احساسی یا تخمینی شده و پایه‌ی مدیریت علمی هزینه و قیمت‌گذاری دقیق محصولات پیش‌ساخته است. در نهایت، چنین تحلیلی تضمین می‌کند که کارخانه با حفظ کیفیت، رقابت‌پذیری و پایداری مالی بلندمدت خود را حفظ کند.

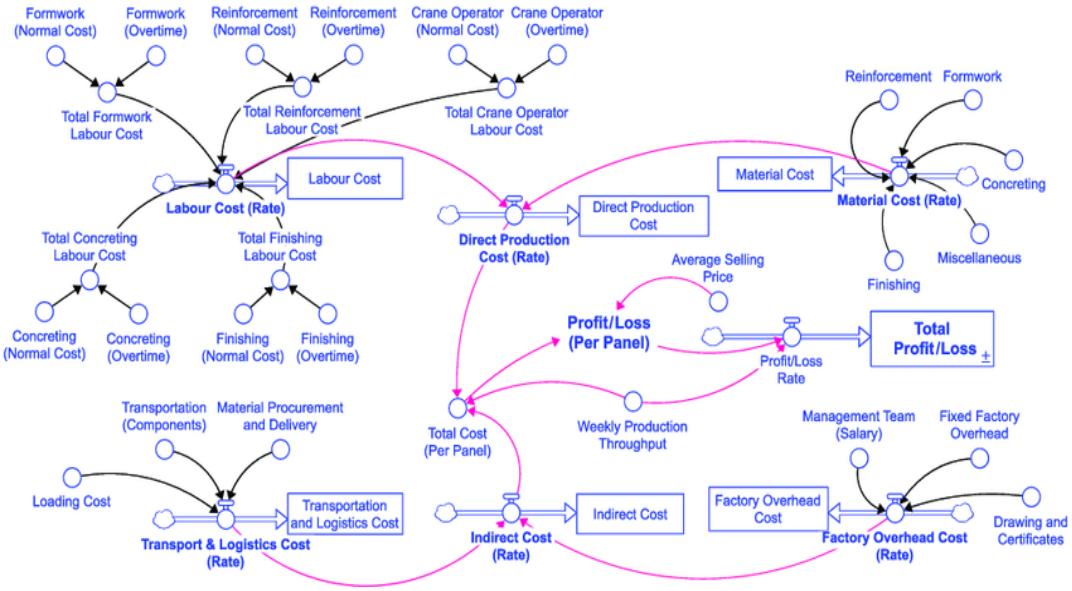

شکل ۳-۶- دیاگرام، تحلیل ساختار هزینه‌ها در تولید قطعات پیش‌ساخته

این تصویر یک مدل جریان هزینه و سود در کارخانه قطعات پیش‌ساخته بتنی است که نشان می‌دهد چگونه همه‌ی هزینه‌ها از مرحله تولید تا حمل و فروش، بر سود نهایی تأثیر می‌گذارند.در این مدل، هزینه‌ها به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

هزینه نیروی انسانی (Labour Cost) – شامل دستمزد کارگران قالب‌بندی، آرماتوربند، بتن‌ریز، پرداخت‌کار و اپراتور جرثقیل در حالت عادی و اضافه‌کاری.

هزینه مواد (Material Cost) – شامل سیمان، شن، ماسه، میلگرد، قالب، افزودنی‌ها و سایر اقلام مصرفی تولید.

هزینه سربار کارخانه (Factory Overhead) – مانند حقوق مدیران، برق، آب، نگهداری، تعمیرات و هزینه مدارک فنی.

هزینه حمل‌ونقل و لجستیک (Transport & Logistics) – شامل خرید و حمل مصالح، بارگیری و انتقال پانل‌های آماده.
جمع این هزینه‌ها برابر است با هزینه کل تولید هر پانل (Total Cost per Panel).
با مقایسه این عدد با قیمت فروش میانگین (Average Selling Price) می‌توان سود یا زیان واقعی هر قطعه را مشخص کرد.
اگر هزینه‌ها از کنترل خارج شوند یا بهره‌وری پایین بیاید، سود کاهش می‌یابد؛ اما اگر با مدیریت درست، آموزش نیروها، کاهش اتلاف مواد و بهبود لجستیک، هزینه‌ها کاهش یابد، سود افزایش پیدا می‌کند.
این مدل در واقع ابزار اصلی مدیریت مالی کارخانه‌های پیش‌ساخته است تا بتوانند بفهمند بیشترین سهم هزینه مربوط به کجاست، چطور می‌توان آن را کاهش داد و در نهایت چگونه بین کیفیت، زمان و سود تعادل برقرار کرد.

۱.هدف این دیاگرام،
تحلیل ساختار هزینه‌ها در تولید قطعات پیش‌ساخته است تا در کارخانه بتوان به این نکات پی برد که چه عواملی بیشترین تأثیر را در قیمت تمام‌شده و در نتیجه سود یا زیان دارند.
در مرکز مدل، سه نوع هزینه اصلی وجود دارد:
Labour Cost (هزینه نیروی انسانی)
Material Cost (هزینه مواد اولیه)
Factory Overhead (هزینه‌های غیرمستقیم کارخانه)
و همه این‌ها در نهایت در قالب شاخصی به نام Total Cost (Per Panel) جمع می‌شوند.
۲. Labour Cost (هزینه نیروی انسانی)
این بخش مربوط به دستمزد و زمان کاری همه نیروهایی است که در تولید پانل دخالت دارند:
Formwork Labour Cost: هزینه نیروی قالب‌بندی (عادی و اضافه‌کاری)
Reinforcement Labour Cost: هزینه نیروی آرماتوربند
Concreting Labour Cost: هزینه نیروهای بتن‌ریز
Finishing Labour Cost: هزینه پرداخت نهایی سطح
Crane Operator Labour Cost: هزینه اپراتور جرثقیل برای جابه‌جایی پانل‌ها
مجموع همه این موارد می‌شود Labour Cost (Rate) یعنی هزینه انسانی برای تولید هر قطعه.

۳. Material Cost (هزینه مواد)
این بخش شامل تمام مصالح و ملزوماتی است که به‌طور مستقیم در ساخت پانل مصرف می‌شوند:
Reinforcement (میلگرد)
Formwork (قالب‌ها و مواد رهاساز)
Concreting (سیمان، شن، ماسه، آب، افزودنی‌ها)
Finishing (رنگ، ملات ترمیم، پوشش سطح)
Miscellaneous (سایر اقلام مصرفی مانند بولت، پلاستیک، فوم و...)
مجموع این مقادیر = Material Cost Rate یا هزینه مواد برای هر قطعه.

۴. Factory Overhead Cost (هزینه‌های سربار کارخانه)
این بخش مربوط به هزینه‌هایی است که به طور غیرمستقیم در تولید دخالت دارند ولی باید بین کل قطعات تقسیم شوند:
Management Team Salary (حقوق مدیران و اداری)
Fixed Factory Overhead (برق، آب، نگهداری ماشین‌آلات، تعمیرات، بیمه)
Drawing & Certificates (نقشه‌ها، آزمایشگاه، مدارک فنی)
این موارد در مجموع تشکیل‌دهنده Factory Overhead Cost Rate هستند.

۵. Transport & Logistics Cost (هزینه حمل و لجستیک)
این دسته هزینه‌ها مربوط به انتقال مواد اولیه و همچنین حمل محصول نهایی است:
Transportation of Components (حمل بتن، میلگرد و قطعات)
Material Procurement & Delivery (خرید و تحویل مصالح)
Loading & Unloading Cost (بارگیری و تخلیه پانل‌ها)
جمع این هزینه‌ها تشکیل می‌دهد Transportation and Logistics Cost Rate.

۶. Direct Production Cost (هزینه مستقیم تولید)
هزینه‌های مستقیم شامل دو بخش اصلی هستند:
Labour Cost (هزینه کارگری)
Material Cost (هزینه مصالح)

وقتی این دو را جمع کنیم، می‌شود Direct Production Cost (Per Panel) — یعنی هزینه واقعی ساخت هر پانل در خط تولید، بدون در نظر گرفتن هزینه‌های جانبی کارخانه.

۷. Indirect Cost (هزینه‌های غیرمستقیم)
هزینه های فیر مستقیم به هزینه‌هایی گفته می‌شود که در سطح پروژه وجود دارند اما مستقیماً در ساخت یک قطعه مصرف نمی‌شوند، مثل:
کنترل کیفیت، ایمنی، مدیریت پروژه، نظارت و اداری
جمع آن‌ها با هزینه لجستیکی و سربار می‌شود Indirect Cost Rate.

۸. Total Cost (Per Panel)
با جمع کردن همه هزینه‌ها (مستقیم و غیرمستقیم) برای هر قطعه، هزینه کل تولید یک پانل بتنی (Total Cost Per Panel) به‌دست می‌آید.
این مقدار پایه‌ای است برای محاسبه‌ی قیمت فروش و سود.

۹. Profit/Loss (سود یا زیان)
در سمت راست نمودار، Average Selling Price (میانگین قیمت فروش) با Total Cost (هزینه کل) مقایسه می‌شود.
اگر قیمت فروش بیشتر از هزینه کل باشد → Profit (سود)
اگر کمتر باشد → Loss (زیان)
سود خالص برای هر قطعه یا Profit/Loss Per Panel سپس با میزان تولید هفتگی (Weekly Throughput) ضرب می‌شود تا سود کل کارخانه محاسبه شود.

۱۰. ارتباط حلقه‌ای (Causal Loop)
این مدل دارای بازخورد است:
وقتی هزینه‌ها افزایش پیدا کنند، نرخ سود کاهش می‌یابد.
کاهش سود باعث کاهش بودجه برای آموزش یا نگهداری می‌شود که خود در آینده دوباره بهره‌وری را پایین می‌آورد.افزایش بهره‌وری یا کاهش اتلاف، مستقیماً Labour Cost و Material Cost را پایین آورده و سود را بالا می‌برد.بنابراین، کارخانه باید بین کیفیت، هزینه و سرعت تولید تعادل برقرار کند تا سود پایدار داشته باشد.

۳- حفظ انعطاف‌پذیری ترتیب قرار گرفتن وسایل و تجهیزات تولید

گرچه یک سایت تولید یا بخش جهت انجام معینی از تولید و ساخت یک محصول مشخص طراحی می‌شود، اما حالات بسیاری پیش می‌آیند که لازم است کل پروسه تولید تولید عوض شود. خیلی از تغییرات در صورتیکه در طرح اولیه پیش‌بینی شده باشند به آسانی قابل پیاده کردن هستند. روش معمول آنست که در وقت احداث ساختمان، واحدهای نیرو رسانی به نحوی طرح شوند که به آسانی بتوان به قسمتهای مختلف سایت طراحی و تولید امکانات لازم از قبیل آب، برق و غیره را منتقل نمود. مثلا کابلهای الکتریکی می‌توانند از بالای ماشین‌ها و زیر سقف کارگاه عبور کنند تا در وقت لزوم بتوان تغییرات لازم را اعمال کرد.

۴-کوتاه کردن زمان تولید

بالاترین بازده تولید وقتی بدست می‌آید که فرآیند تولید در حداقل زمان صورت پذیرد صرف هر لحظه اضافی در تولید به هزینه می‌افزاید و حالت ایده‌آل هنگامی است که از زمان شروع تا انتهای تولید بدون توقف های ناخواسته بوده و عملیات مطابق زمانبندی جلو برود. اصولا" فرایند تولید فرآیندی هزینه بر است و درک شرایط مکانی و جغرافیایی وکاهش پارامترهای موثر در هزینه های اجرایی کمک موثری به کوتاه تر نمودن پروسه تولید خواهد نمود.

۵- به حداقل رساندن ادوات و تجهیزات تولید

وجود ترتیب صحیح قرار گرفتن ماشین آلات کمک زیادی در کمتر کردن تعداد وسایل و تجهیزات مورد نیاز تولید می‌کند. برای مثال دو خط تولید مختلف که هر کدام احتیاج به استفاده یک دستگاه کلد فورم بصورت نیمه وقت دارند، می‌توانند از یک دستگاه استفاده کنند و در نتیجه از خرید دستگاه دوم جلوگیری میشود. همچنین با دقت در خرید دستگاه مناسب، گاهی از خرید دستگاه‌های اضافی جلوگیری میشود.

۶- حداکثر استفاده از زمین قابل دسترس

شرایط حاکم در مناطق صنعتی دارای مشکلات زیادی است و در برخی موارد می بایست با ایجاد شرایط مطلوب زمین های قابل بهره برداری را ایجاد نمود. . طراحی هرمتر مربع از زمین سایت تولید هزینه براست و به طور مثال یک سایت ساده در ماه دارای هزینه های سربار زیادی می باشد . اگر از هر زمین موجود بالاترین بهره‌برداری بشود هزینه اضافی هر واحد تولیدی نیز تقلیل خواهد یافت. مقدار زمینی که توسط ماشین‌آلات اشغال نشده (زمین تلف شده یا بیکار)، باری است بر پیکره سایت تولید . پس یک طرح مناسب وجود حداقل فضای بین سوله ها را ایجاب می‌کند و در نتیجه مقداری زمین صرفه‌جوئی خواهد شد.تامین شرایط

امنیتی برای زمینهای بزرگتر نیز مشکل ساز بوده و همین مسئله بر هزینه هـای جـاری خواهـد افزود.همچنین پیشنهاد میشود زمین شرکت های تولیـدی در محـدوده ای از نیازمنـدی فعلـی و طرحهای توسعه آتی فنی در نظر گرفته شود.

۷- استفاده حداکثر از نیروی انسانی موجود

در صورت نبودن یک طرح مفید، نیروی انسانی در جریان تولی دچـار سـردرگمی می‌شـود. در صورتی که طراحی مناسب سایت تولید راندمان افراد را بالا می‌برد. باید سعی شـود تـا نکـات زیر در طراحی کارگاه ساخت لحاظ شوند:

ـ رساندن حمل و نقل به حداقل ممکن: بخصوص اینکه حمل و نقل‌های اجتناب ناپذیر را می‌توان به حداقل رساند و حمل و نقل‌های زائد را میتوان حذف کرد.

ـ به حداقل رساندن راه رفتن های غیر ضروری نفـرات : متخصصـین دریافتـه انـد کـه ۲۰٪ از زمان صرف شده در واحد های صنعتی صرف راه رفتن کارگران و کارشناسان جهـت انجـام کارهای مختلف میگردد. این زمان تلف شده را می‌توان توسط نزدیکتر کردن سوله ها و واحـد های تولید به حداقل رساند .

ـ متعادل کردن سیکل کاری دستگاهها به نحوی که وقت بیکـاری کارشناسـان و دسـتگاهها بـه حداقل برسد. یک تعادل خوب به حمل و نقل خوب، زمان‌سـنجی خـوب، کنتـرل فرآینـد خـوب و نظارت خوب نیازمنداست.

ـ ایجاد شرایط نظارت و سرپرستی مناسب: در حالت تئوری یک سرکارگر می بایست بـا همـه کارگران بصورت یکسان سریعترین تماس را داشته باشد. انجام چنین برنامـه‌ای مشـکل بنظـر میرسد. لازم است تاکید شود که مدیریت و نظارت بر یک بخشی که به نحو مطلوب طرحریـزی شده آسانتر از سرپرستی همـان بخـش در یـک محوطـه بزرگتـر و بـدون طرح‌ریـزی صـحیح می‌باشد.یک بخش طرح‌ریزی شده به نحو مهندسی، به سرپرسـت امکـان بکـارگیری کارمنـدان بیشتر و ایجاد تحرک بیشتر و صرفه‌جوئی در وقت خودش را می‌دهد.

۸- فراهم کردن حداکثر شرایط ایمنی برای کارکنان در کارگاه تولید قطعات پیش ساخته بتنی

کارگاه تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی محیطی صنعتی با خطرات بالا اسـت کـه بایـد بـا رعایـت دقیق استانداردهای ایمنی مدیریت شود. نخستین گام، استقرار نظـام HSE (Health, Safety, and Environment) و آموزش کلیه کارکنان در زمینه اصول ایمنـی فـردی و گروهـی اسـت. تمامی کارکنان باید در بدو ورود، آموزش استفاده از تجهیزات حفاظت فردی شامل کلاه ایمنی، کفش ایمنی، عینـک، گوشـی صـداگیر، ماسـک گردوغبـار و دسـتکش مخصـوص را ببیننـد. بـه صورت کلی دسته‌بندی جامع عوامل خطر در صنعت پرکاست شامل موارد زیر میشود :

-خطرات فیزیکی (Physical Hazards)

این دسته شایع‌ترین نوع خطر در کارگاه‌های پرکاست است و عمدتاً ناشی از شرایط محیطی، ابزار و ماشین‌آلات می‌باشد.

مهم‌ترین موارد:

سقوط اجسام سنگین: هنگام بلند کردن یا جابجایی قطعات توسط جرثقیل یا لیفتراک، در صورت ضعف اتصال یا خطای اپراتور.

سقوط افراد از ارتفاع: هنگام قالب‌بندی یا بتن‌ریزی قطعات دیواری یا سقفی.

لغزش و سرخوردن: در سطوح مرطوب ناشی از دوغاب، روغن قالب یا آب شست‌وشو.

صدا و ارتعاش زیاد: به‌ویژه در ایستگاه‌های برش، ویبره و بتن‌سازی.

گرما و بخار زیاد: در ناحیه بخاردهی یا مجاورت بویلرها و خطوط بخار آب داغ.

اشعه خورشید یا گرمای شدید محیط: در کارگاه‌های روباز در مناطق گرم و خشک.

اشیای تیز یا برنده: هنگام کار با میلگرد، اره، برش و سنگ‌ساب.

-خطرات شیمیایی (Chemical Hazards)

به‌ویژه مربوط به مواد افزودنی بتن، روغن‌های قالب و سیمان است.

مهم‌ترین موارد:

تماس پوستی با سیمان: ایجاد درماتیت قلیایی و سوختگی شیمیایی.

استنشاق گرد سیمان یا میکروسیلیس: سبب تحریک مجاری تنفسی و بیماری‌های ریوی.

تماس با مواد افزودنی شیمیایی (Plasticizer، Retarder و ضدیخ): احتمال حساسیت و مسمومیت پوستی یا تنفسی.

نشت روغن قالب یا روغن‌های صنعتی: آلودگی محیط و خطر لغزش.

ذخیره نامناسب مواد خطرناک: واکنش متقابل یا نشت از ظروف پلاستیکی ضعیف.

بتن و سیمان هر دو دارای ترکیبات شیمیایی قلیایی و خورنده هستند که در تماس مستقیم با پوست انسان می‌توانند خطرات جدی و گاه دائمی ایجاد کنند. سیمان پرتلند که ماده اصلی در بتن است، هنگام تماس با آب واکنش شیمیایی ایجاد می‌کند و محلولی بسیار قلیایی با pH حدود ۱۲ تا ۱۳ تولید می‌شود. این خاصیت قلیایی، همراه با وجود ترکیباتی مانند آهک زنده (CaO) و سیلیکات‌های کلسیم، می‌تواند به پوست آسیب بزند. در ادامه، خطرات اصلی تماس بتن و سیمان با پوست توضیح داده می‌شود:

تحریک و سوزش اولیه (Irritation):

تماس کوتاه‌مدت سیمان خشک یا دوغاب بتن مرطوب با پوست باعث احساس خشکی، خارش، قرمزی و سوزش می‌شود. این حالت به‌علت جذب رطوبت از پوست و ایجاد قلیاییت بالا است.

درماتیت تماسی (Contact Dermatitis):
تماس مکرر یا طولانی‌مدت باعث التهاب پوستی مزمن می‌شود که به آن درماتیت سیمانی می‌گویند. پوست در این حالت پوسته‌پوسته، ترک‌خورده و دردناک می‌شود. این مشکل در کارگران بتن‌ریز یا افراد بدون دستکش مناسب بسیار رایج است.
سوختگی قلیایی (Alkali Burn):
بتن تازه به دلیل pH بسیار بالا می‌تواند سوختگی شیمیایی عمیق ایجاد کند. این نوع سوختگی ابتدا بدون درد است ولی پس از چند ساعت موجب تخریب بافت‌های زیرپوستی، تاول، و نکروز می‌شود. سوختگی سیمان معمولاً به‌آرامی پیشرفت می‌کند و ممکن است فرد متوجه آسیب نشود تا زمانی که آسیب شدید شده باشد.
حساسیت به کروم شش‌ظرفیتی (Cr^{6+} Sensitivity):
در ترکیب سیمان مقدار کمی کروم شش‌ظرفیتی وجود دارد که ماده‌ای بسیار آلرژی‌زا است. تماس مکرر با سیمان حاوی این ترکیب می‌تواند باعث آلرژی پوستی دائمی شود که حتی تماس بسیار کم در آینده نیز واکنش شدید ایجاد می‌کند.

خشکی و ترک پوست:
ترکیبات قلیایی سیمان چربی طبیعی پوست را از بین می‌برند. در نتیجه پوست خشک، ترک‌خورده و مستعد عفونت‌های باکتریایی می‌شود.(شکل ۳-۵)
آسیب به ناخن‌ها و بافت بین انگشتان:
رطوبت بتن در تماس مکرر می‌تواند باعث نرمی و تخریب کوتیکول ناخن شود و محیطی مناسب برای قارچ‌ها و باکتری‌ها ایجاد کند.
خطرات الکتریکی (Electrical Hazards)
در خطوط تولید پرکاست، تجهیزات سنگین و سیستم‌های بخار، برق نقش حیاتی دارد.
مهم‌ترین موارد:
اتصال بدنه دستگاه‌ها: به علت ضعف ارتینگ یا سیم‌کشی فرسوده.
کابل‌های معیوب یا باز: عبور از مسیر تردد و تماس با آب.
عدم قطع برق هنگام تعمیر (عدم اجرای Lock-Out/Tag-Out).
کار در محیط مرطوب با تجهیزات برقی.
- خطرات مکانیکی (Mechanical Hazards)
ناشی از دستگاه‌های متحرک، پرس‌ها، قالب‌ها و تجهیزات سنگین است.

مهم‌ترین موارد:
گیر کردن اندام در دستگاه‌ها (Crushing / Pinching).
شکستن یا سقوط قالب‌ها در هنگام باز و بسته کردن.
خرابی جک‌ها، وینچ‌ها یا سیستم‌های قفل مکانیکی.
حرکت ناگهانی لیفتراک یا جرثقیل.
- خطرات حرارتی و بخار (Thermal & Steam Hazards)
در فرآیند عمل‌آوری بخار (Steam Curing) بسیار رایج است.
مهم‌ترین موارد:
سوختگی ناشی از بخار یا آب داغ در خطوط بخار.
نشتی در شیرآلات و لوله‌ها.
افزایش دمای بیش از حد در اتاق‌های عمل‌آوری

- خطرات انسانی و رفتاری (Human & Behavioral Hazards)
بیش از ۸۰٪ حوادث ناشی از رفتار انسانی و بی‌احتیاطی است.
مهم‌ترین موارد:
عدم رعایت دستورالعمل‌های ایمنی.
خستگی، خواب‌آلودگی یا استرس کاری.
استفاده نکردن از PPE.
گفت‌وگو یا تلفن در حین کار با ماشین‌آلات
- خطرات زیست‌محیطی و اقلیمی (Environmental Hazards)
محیط اطراف کارخانه نیز می‌تواند بر سلامت و ایمنی تأثیر بگذارد.
مهم‌ترین موارد:
گردوغبار معلق در محیط.
باد شدید یا طوفان که موجب سقوط قطعات یا تجهیزات می‌شود.
رطوبت یا دمای غیرمجاز در خطوط بخاردهی.
- خطرات ارگونومیک (Ergonomic Hazards)
ناشی از وضعیت نامناسب بدن هنگام کار، حمل دستی مصالح و ایستادن طولانی.
مهم‌ترین موارد:
دردهای اسکلتی عضلانی، کمردرد و آسیب زانو.
جابجایی دستی قالب‌های سنگین.

-خطرات آتش‌سوزی و انفجار (Fire & Explosion Hazards)
نشت گاز در خطوط بخار یا بویلر.
وجود مواد اشتعال‌پذیر مانند روغن قالب یا تینر رنگ.
اتصال کوتاه الکتریکی.

۹- تحلیل شرایط آب و هوایی منطقه تولید

شرایط آب‌وهوایی منطقه تأثیر بسیار عمیقی بر روند تولید، کیفیت، دوام و برنامه‌ریزی زمانی قطعات پیش‌ساخته بتنی دارد. در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته (Precast Concrete Factories) کنترل شرایط محیطی یکی از عوامل کلیدی برای دستیابی به بتن با مقاومت، دوام و سطح تمام‌شدگی مطلوب است. تغییرات دما، رطوبت، باد، تابش خورشید و حتی فشار هوا می‌توانند بر واکنش‌های شیمیایی هیدراسیون سیمان، جمع‌شدگی بتن، تبخیر آب اختلاط و در نهایت بر خواص مکانیکی قطعه تأثیرگذار باشند. در مناطق گرم و خشک، دمای بالا موجب افزایش سرعت تبخیر آب از سطح بتن تازه و در نتیجه افزایش خطر ترک‌های حرارتی و پلاستیکی می‌شود. در چنین شرایطی باید از روش‌هایی مانند سایه‌اندازی، استفاده از افزودنی‌های کندگیرکننده (Retarder Admixtures) و مرطوب نگه‌داشتن سطح بتن با اسپری یا گونی خیس استفاده شود. همچنین باید دمای مصالح قبل از اختلاط کنترل شود تا دمای بتن در هنگام ریختن از حد مجاز فراتر نرود. در مناطق سردسیر، دمای پایین سبب کاهش سرعت واکنش هیدراسیون و در نتیجه کندی گیرش و مقاومت نهایی بتن می‌گردد. اگر دمای بتن یا محیط به کمتر از ۵ درجه سانتی‌گراد برسد، لازم است از سیستم بخاردهی یا گرم‌کن‌های قالب استفاده شود تا فرآیند گیرش کامل انجام گیرد. در شرایط یخبندان، آب موجود در بتن منجمد شده و باعث گسترش حجم و تخریب ساختار داخلی بتن می‌شود؛ لذا استفاده از افزودنی‌های ضدیخ بتن و کنترل دقیق دمای قالب و مصالح الزامی است. در نواحی با رطوبت بسیار بالا، خطر تراکم بخار و کندی خشک شدن سطح وجود دارد که می‌تواند سبب ایجاد لکه، رنگ‌پریدگی یا پوسته شدن سطح قطعه گردد.

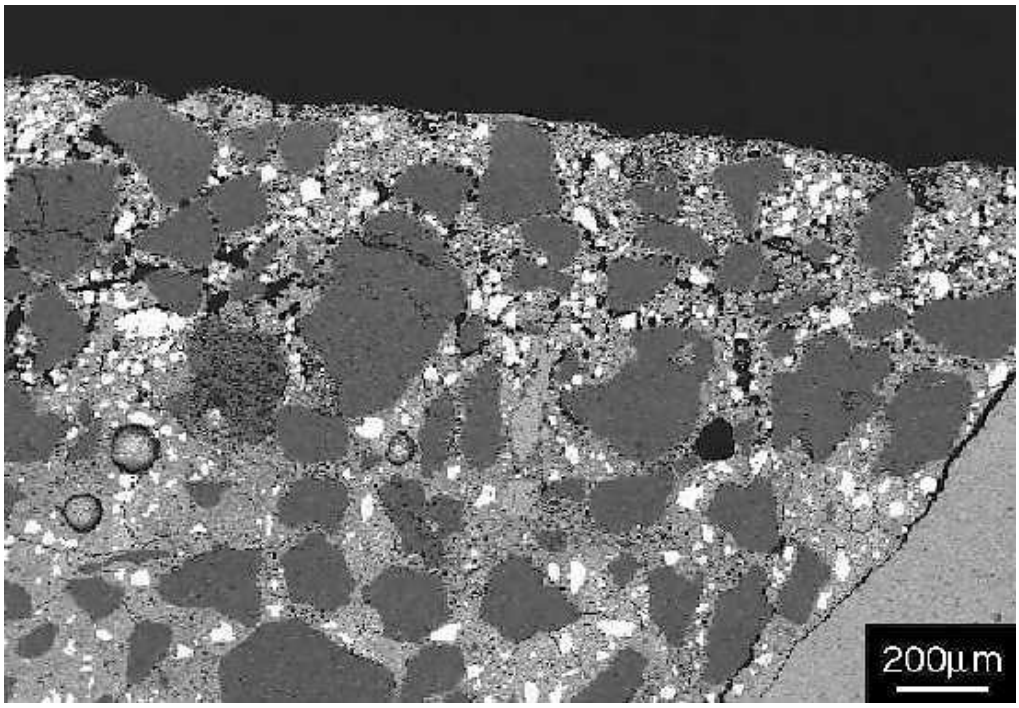

شکل ۳-۷- تصویر میکروسکوپی الکترونی (SEM) مقطع صیقل‌خورده‌ای از یک بتن

در مقابل، در نواحی خشک باید برنامه عمل‌آوری (Curing) به صورت مرطوب یا با استفاده از غشاهای نگهدارنده رطوبت تنظیم شود. باد شدید نیز از عوامل منفی مؤثر بر تولید قطعات است، زیرا علاوه بر ایجاد تبخیر سریع و ترک‌های سطحی، می‌تواند موجب انتقال گردوغبار به سطح قالب‌ها و کاهش کیفیت سطح بتن شود.شکل ۳-۷ تصویر میکروسکوپی الکترونی (SEM) مقطع صیقل‌خورده‌ای از یک بتن است که به‌درستی عمل‌آوری (کیورینگ) نشده است و به همین دلیل ناحیه سطحی آن دارای تخلخل زیاد و مقدار زیادی سیمان هیدراته‌نشده است. در واقع این تصویر یکی از نمونه‌های بارز از خرابی میکروسکوپی بتن در اثر خشک شدن زودهنگام سطح را نشان می‌دهد. اگر به دلایل محیطی سطح بتن پیش از تکمیل هیدراسیون خشک شود، آب لازم برای ادامه واکنش از بین می‌رود و فرایند سخت شدن متوقف می‌شود. در تصویر، ناحیه فوقانی بتن که در تماس با هوا بوده به‌صورت روشن‌تر و متخلخل دیده می‌شود، زیرا فضای خالی ناشی از تبخیر آب باقی مانده است. در عمق بیش از حدود ۱ میلی‌متر، رنگ تیره‌تر و ساختار متراکم‌تری مشاهده می‌شود که نشانگر هیدراسیون کامل‌تر سیمان و تشکیل خمیر چسبنده و مقاوم‌تر است. بنابراین در این نمونه، تنها لایه سطحی به‌دلیل خشک شدن زودهنگام آب خود را از دست داده و دچار توقف واکنش شیمیایی شده است. این ناحیه ضعیف سطحی در آینده محل نفوذ یون‌های کلر، سولفات‌ها و سایر مواد مهاجم خواهد

بود و باعث پوسته شدن یا جداشدگی پوشش سطحی می‌شود. وجود ذرات روشن در تصویر نشان‌دهنده دانه‌های سیمان هیدراته‌نشده است که به دلیل کمبود رطوبت واکنش نداده‌اند، در حالی که نواحی خاکستری تیره‌تر نشانگر خمیر سیمانی کاملاً هیدراته هستند. همچنین خلل و فرج‌های بزرگ در نزدیکی سطح، فضاهای خالی ناشی از بخار شدن آب را تشکیل می‌دهند. این پدیده در کارگاه‌ها زمانی رخ می‌دهد که پس از بتن‌ریزی، عمل‌آوری مناسب مثل پوشش مرطوب، استفاده از گونی خیس، نایلون یا مواد عمل‌آورنده غشایی انجام نشود. در نتیجه، دمای سطح بالا می‌رود، رطوبت به سرعت تبخیر می‌شود و سطح بتن پیش از گیرش کامل خشک می‌شود. این مشکل نه‌تنها بر مقاومت فشاری تأثیر منفی دارد بلکه چسبندگی سطحی را نیز کاهش می‌دهد و باعث ضعف در چسبیدن لایه‌های بعدی یا پوشش‌ها می‌شود. از دید مهندسی مواد، لایه سطحی ضعیف به‌صورت یک زون متخلخل با نفوذپذیری بالا عمل می‌کند و زمینه‌ساز نفوذ آب، یخ‌زدگی، خوردگی آرماتور و تخریب زودهنگام سازه می‌گردد. بنابراین، تحلیل چنین تصاویری در آزمایشگاه بتن به مهندسان کمک می‌کند تا بفهمند که کنترل رطوبت و دما در مراحل اولیه عمل‌آوری تا چه حد در کیفیت نهایی بتن تأثیرگذار است. در نتیجه، تصویر فوق به‌روشنی ثابت می‌کند که خشک شدن زودهنگام حتی چند ساعت پس از بتن‌ریزی می‌تواند منجر به ایجاد ناحیه‌ای ضعیف در سطح بتن شود که در برابر سایش و نفوذ مواد مخرب مقاومت بسیار پایینی دارد و این مسئله از مهم‌ترین عوامل خرابی زودرس در قطعات پیش‌ساخته و بتن‌های سازه‌ای محسوب می‌شود.

از این رو طراحی سوله‌های بسته و کنترل‌شده با تهویه مناسب و فیلترهای هوا اهمیت دارد. تابش مستقیم خورشید نیز دمای سطح قالب و بتن را افزایش می‌دهد و ممکن است منجر به اختلاف دمایی بین سطح و عمق بتن گردد که موجب تنش‌های حرارتی و ترک‌های موضعی می‌شود. استفاده از پوشش‌های بازتابنده و سایه‌بان‌های متحرک در چنین شرایطی مؤثر است. در مناطق با تغییرات شدید روز و شب، انبساط و انقباض مکرر بتن ممکن است منجر به ترک‌های مویی یا جداشدگی سطحی شود؛ بنابراین باید از سیمان‌های با حرارت هیدراسیون پایین و افزودنی‌های کنترل‌کننده حرارت استفاده کرد. فشار هوا و ارتفاع از سطح دریا نیز در میزان حباب‌زایی و تراکم بتن تأثیر دارند؛ در ارتفاعات بالا باید با تغییر طرح اختلاط و استفاده از روان‌کننده‌های مناسب، تراکم بتن را تضمین نمود. در مناطق ساحلی، وجود کلرید در هوا و آب تأثیر مستقیمی بر خوردگی آرماتورهای فولادی دارد، بنابراین استفاده از میلگرد با پوشش اپوکسی یا بتن با نسبت آب به سیمان پایین و افزودنی‌های ضد کلر الزامی است. همچنین رطوبت شور می‌تواند موجب تبلور نمک در سطح قالب و قطعه شود که باید با شست‌وشوی دوره‌ای و استفاده از مواد ضدسولفات کنترل گردد. در مناطق کویری، گرد و غبار زیاد

می‌تواند موجب آلودگی سطح قالب‌ها و ناهماهنگی در رنگ قطعات شود؛ لذا برنامه نظافت روزانه و کنترل فیلترهای هوای خط تولید باید اجرا گردد. در نواحی بارانی یا مرطوب، انتقال و انبارش قطعات باید در محل‌های پوشیده و با تهویه کافی انجام شود تا از جذب رطوبت اضافی و رشد قارچ و جلبک بر سطح قطعه جلوگیری شود. همچنین برای قالب‌های فولادی باید پس از هر بار استفاده، روغن‌کاری و خشک‌سازی کامل انجام شود تا زنگ‌زدگی رخ ندهد. در زمستان، گرم‌کردن مصالح در سیلوها و لوله‌های انتقال بخار ضروری است تا آب و دوغاب سیمان یخ نزند. در تابستان، استفاده از سیستم خنک‌سازی آب مخلوط و کنترل دمای سنگدانه‌ها اهمیت دارد. در هر شرایط اقلیمی، باید سیستم پایش دما و رطوبت محیطی و ثبت داده‌ها فعال باشد تا تنظیمات عمل‌آوری به‌صورت خودکار انجام گیرد. به‌طورکلی، کنترل آب‌وهوا در کارگاه پیش‌ساخته به معنای مدیریت کیفیت است؛ زیرا بتن در شرایط محیطی کنترل‌شده در کارخانه تولید می‌شود و هرگونه غفلت از کنترل دما یا رطوبت می‌تواند کل دسته تولیدی را از استاندارد خارج کند. در نتیجه، طراحی سوله‌ها، انتخاب مصالح، برنامه زمان‌بندی تولید، نحوه عمل‌آوری، و حتی نحوه انتقال قطعات باید متناسب با اقلیم منطقه تعیین شود. در مناطق گرم جنوب ایران، معمولاً از بخاردهی شبانه و تولید در ساعات خنک استفاده می‌شود، در حالی که در مناطق سرد شمالی از سوله‌های گرم و قالب‌های مجهز به سیستم گرمایش استفاده می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که آب‌وهوا نه‌تنها عامل طبیعی بلکه یک پارامتر فنی کلیدی در چرخه تولید پیش‌ساخته است که تأثیر مستقیم بر دوام، رنگ، مقاومت فشاری، و هزینه نهایی هر قطعه دارد.

۱۰- تحلیل پارامترهای بهره وری کارخانه

بهره‌وری در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته یکی از مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت است که به عوامل زیادی وابسته می باشد (شکل ۳-۸) ، زیرا مستقیماً بر هزینه، زمان و کیفیت تأثیر می‌گذارد. این نمودار نشان می‌دهد که کاهش بهره‌وری فقط به یک عامل مربوط نیست، بلکه حاصل زنجیره‌ای از مشکلات فنی، مدیریتی، انسانی و لجستیکی است. در بخش فنی، عواملی مانند پیچیدگی طراحی، اشتباهات نقشه‌کشی، تغییرات مکرر در طراحی و نبود هماهنگی بین طراح و تولیدکننده باعث تأخیر، دوباره‌کاری و اتلاف منابع می‌شوند. هر بار که طراحی اصلاح می‌شود، خط تولید باید متوقف شود و این توقف‌ها بهره‌وری را کاهش می‌دهد. در بخش تأمین و لجستیک، کمبود مصالح، تأخیر در خرید یا ارسال مواد، و ضعف در برنامه‌ریزی حمل داخلی، موجب بیکاری ماشین‌آلات و کارگران می‌شود. وقتی مواد دیر برسند، کارگران منتظر می‌مانند و این زمان‌های بیکار، بزرگ‌ترین دشمن بهره‌وری هستند.در بُعد نیروی انسانی،

عواملی مانند تجربه پایین، آموزش ناکافی، حقوق نامناسب و تأخیر در پرداخت‌ها باعث افت انگیزه و خستگی می‌شوند. کارگران خسته یا بی‌انگیزه، دقت و سرعت پایین‌تری دارند و احتمال خطا و دوباره‌کاری در تولید بالا می‌رود. از سوی دیگر، نبود امنیت شغلی و کمبود مهارت نیز باعث می‌شود نیروها دائماً جابه‌جا شوند و کارخانه هر بار باید نیروی جدید آموزش دهد. در نتیجه، نیروی کار ناپایدار و آموزش‌ندیده بهره‌وری را به شدت پایین می‌آورد.در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی نیز، زمان‌بندی ضعیف، نظارت ناکافی و فشار بیش از حد برای تحویل سریع پروژه‌ها از دلایل اصلی افت بهره‌وری است. وقتی برنامه‌ریزی واقع‌بینانه نباشد، مدیران مجبور می‌شوند برای جبران تأخیر، شیفت‌های اضافه‌کاری و کار سریع‌تر را اعمال کنند. اما این کارگر محصولی کم‌بازده‌تر تولید می‌کند. به این ترتیب، اضافه‌کاری که قرار است بهره‌وری را جبران کند، خود به عاملی برای افت کیفیت و افزایش هزینه تبدیل می‌شود.عوامل محیطی هم در کاهش بهره‌وری نقش دارند؛ دمای زیاد یا سرمای شدید، ایمنی پایین محیط کار، ازدحام محل تولید و مصدومیت نیروها همگی سبب توقف یا کندی تولید می‌شوند. هر حادثه یا آسیب باعث از دست رفتن نیروی کاری و زمان ارزشمند می‌شود. این عوامل خارجی معمولاً خارج از کنترل مدیران هستند اما با برنامه‌ریزی ایمنی و شرایط کاری مناسب می‌توان اثرشان را کم کرد.کاهش بهره‌وری به معنای آن است که برای تولید یک حجم مشخص از کار، زمان و هزینه بیشتری مصرف می‌شود. وقتی بهره‌وری پایین بیاید، هزینه تولید بالا می‌رود چون نیروی انسانی بیشتری نیاز است، ساعات اضافه‌کاری افزایش می‌یابد و در نتیجه نرخ دستمزد کل افزایش پیدا می‌کند. این مسئله هم بر سودآوری کارخانه و هم بر قیمت نهایی محصول اثر منفی می‌گذارد. در مقابل، افزایش بهره‌وری باعث می‌شود کارخانه با نیروی کمتر و زمان کوتاه‌تر، تولید بیشتری انجام دهد و هزینه هر واحد محصول کاهش یابد.برای بالا بردن بهره‌وری باید به همه بخش‌ها توجه کرد: طراحی دقیق و بدون تغییر، تأمین به‌موقع مواد، آموزش و انگیزه کارکنان، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و نظارت مستمر بر کیفیت. بهره‌وری فقط به سرعت تولید مربوط نیست بلکه به کیفیت و ثبات عملکرد نیز وابسته است. کارخانه‌ای که بتواند جریان کار را بدون توقف، با کمترین دوباره‌کاری و بیشترین استفاده از زمان و منابع پیش ببرد، بهره‌ورترین است.در واقع، بهره‌وری همان ستون اصلی رقابت در صنعت پیش‌ساخته است؛ هرچه خطا، انتظار، اتلاف انرژی و نیروی انسانی کمتر شود، کارایی بیشتر خواهد شد. بنابراین مدیران باید به جای واکنش به مشکلات، با دید سیستمی علت‌های اصلی کاهش بهره‌وری را شناسایی کنند و آنها را در طراحی، آموزش و کنترل فرایندها برطرف سازند. افزایش بهره‌وری نه‌تنها سود کارخانه را بالا می‌برد، بلکه باعث

ایمنی بیشتر، رضایت کارکنان، و تحویل سریع‌تر پروژه‌ها می‌شود — یعنی همان تعادل واقعی میان کیفیت، زمان و هزینه.

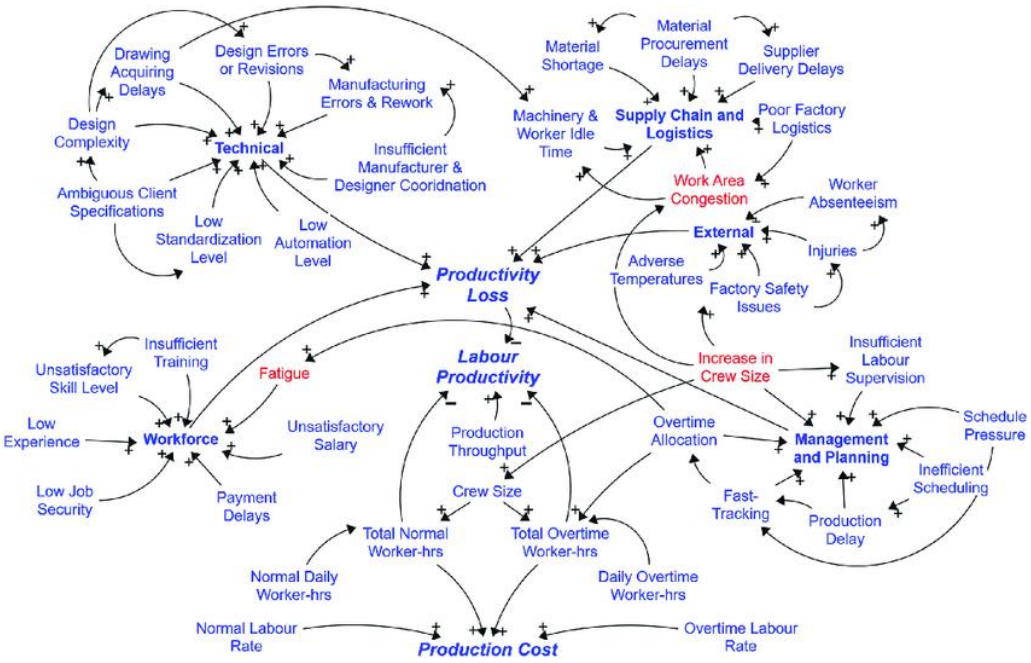

شکل ۳-۸- این تصویر نشان‌دهنده‌ی مدل دینامیکی عوامل بهره‌وری در صنعت پیش‌ساخته است و بیان می‌کند که بهره‌وری نتیجه‌ی مستقیم تعامل بین پنج سیستم اصلی است

۳-۳- مبانی فنی طراحی کارخانه های تولید قطعات پیش ساخته

طراحی یک کارخانه تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی (Precast Concrete Factory) فرآیندی چندبعدی است که باید هم‌زمان الزامات مهندسی سازه، بهینه‌سازی فرآیند تولید، جریان مواد، ایمنی، پایداری انرژی و اقتصاد پروژه را پوشش دهد. این نوع کارخانه‌ها برخلاف کارگاه‌های بتن درجا، دارای زنجیره تولید منظم و خطی هستند که از ورود مواد اولیه تا خروج محصول نهایی تحت کنترل دقیق و پیوسته انجام می‌شود.اصول طراحی چنین کارخانه‌ای در مرحله نخست با مطالعه ظرفیت تولید سالانه، نوع قطعات مورد تولید) نظیرWall Panels ، Hollow-core Slabs، Beams، Columns، Stairs، Utility Boxes)و سطح اتوماسیون مورد نظر

آغاز می‌شود. تعیین ظرفیت نامی برای قطعات حجیم مبنای اصلی برای طراحی فضاها، مسیرها و انتخاب تجهیزات است. هرچه تنوع قطعات بیشتر باشد، نیاز به انعطاف‌پذیری در خطوط و طراحی ماژولار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.در گام بعد، طراحی چیدمان کارخانه (Plant Layout Design) بر اساس اصول Lean Manufacturing و جریان پیوسته انجام می‌شود. هدف، کوتاه‌ترین مسیر ممکن از ورود مواد خام تا انبار محصول است تا ضمن صرفه‌جویی در انرژی و زمان، از برخورد مسیرها و تداخل عملیات جلوگیری شود. در این چیدمان، محل استقرار Batching Plant، Aggregate Storage، Cement Silo، Mixing Unit، Steel Bending & Cutting Area، Rebar Mesh Assembly، Mould Preparation، Casting Bay، Curing Chamber، Demoulding Area، Finishing Bay، Storage Yard و Loading Zone باید به‌گونه‌ای طراحی گردد که انتقال بین مراحل بدون توقف یا برگشت انجام شود.زمانی که در مورد فرآیندهای تولید صحبت میشود، یکی از مفاهیم بنیادی که باید به آن توجه داشته باشیم، مفهوم عملیات پایه یا Basic Operation است. عملیات پایه، کوچک‌ترین جزء یک فرآیند تولیدی است که دیگر قابل تجزیه به مراحل ساده‌تر نیست و تغییر مهمی را در وضعیت یک متریال یا هدف ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، هر عملیاتی که در کارخانه رخ می‌دهد، در نهایت به مجموعه‌ای از عملیات پایه تقسیم می‌شود که همین‌ها هستند که خروجی نهایی را شکل می‌دهند.شیء هدف یا همان «Object of Change» در هر فرآیند تولیدی چیزی است که قرار است تغییر کند. این شیء می‌تواند ماده (Material) و یا انرژی (Energy) باشد، و یا حتی می‌تواند اطلاعات (Information) را در برگیرد. این سه عامل مهم ، یعنی ماده، انرژی و اطلاعات، سه بُعد اصلی ساختار تولید هستند که همه چیز در صنعت و کارخانه به نوعی به آنها مرتبط است .

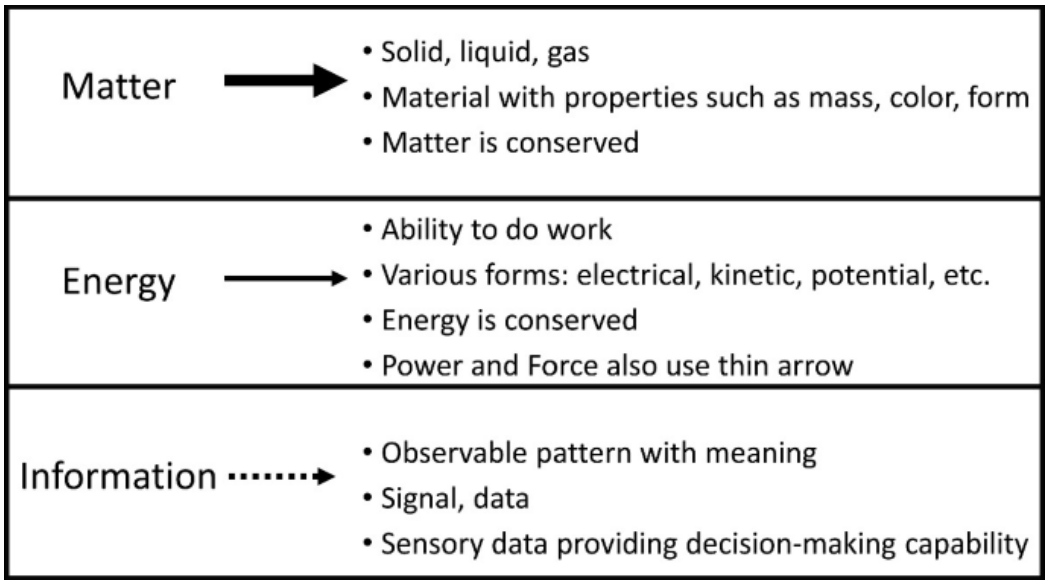

شکل ۳-۹- سه عامل مهم ، یعنی ماده، انرژی و اطلاعات، سه بُعد اصلی ساختار تولید هستند

تصویر ۳-۹- نمودار مقایسه‌ای بین سه مفهوم بنیادی در جهان فیزیکی و شناختی — ماده (Matter)، انرژی (Energy) و اطلاعات (Information) را نشان می‌دهد و تفاوت و نقش هر کدام را در ساختار اولید تشریح میکند .

۱. Matter (ماده)

ماده هر چیزی است که جرم، حجم و ویژگی‌های فیزیکی مانند رنگ، شکل و حالت (جامد، مایع، گاز) دارد.

ماده پایه و اساس دنیای فیزیکی است و هر شیء محسوس از آن تشکیل شده است.

طبق قانون پایستگی ماده، ماده از بین نمی‌رود و فقط از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کند.

ماده برای ساختن اجسام و ساختارهای فیزیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال‌ها: فلزات، آب، سنگ، هوا، بتن، گیاهان و بدن انسان.

۲. Energy (انرژی)

انرژی توانایی انجام کار است. بدون انرژی، ماده نمی‌تواند تغییر کند یا حرکتی انجام دهد.

انرژی می‌تواند در شکل‌های مختلف وجود داشته باشد: الکتریکی، حرارتی، جنبشی، پتانسیل، شیمیایی و هسته‌ای.
مانند ماده، انرژی نیز پایستار است؛ یعنی از بین نمی‌رود بلکه از نوعی به نوع دیگر تبدیل می‌شود.
نیرو (Force) و توان (Power) مفاهیمی مرتبط با انرژی هستند که برای انتقال یا تبدیل آن به کار می‌روند.
مثال‌ها: انرژی برق، نور خورشید، حرکت ماشین، گرمای آتش یا نیروی باد.

۳. Information (اطلاعات)
اطلاعات سطحی فراتر از ماده و انرژی دارد و به الگوها و داده‌هایی که معنا و مفهوم دارند اشاره می‌کند.
اطلاعات می‌تواند از طریق سیگنال‌ها، داده‌ها یا الگوهای قابل درک منتقل شود.
برخلاف ماده و انرژی، اطلاعات خود جرم یا انرژی ندارد، اما می‌تواند رفتار سیستم‌های مادی و انرژی را هدایت کند.
اطلاعات همان چیزی است که قابلیت تصمیم‌گیری، یادگیری و کنترل هوشمند را در موجودات و ماشین‌ها ممکن می‌سازد.
مثال‌ها: داده‌های حسگرها، زبان گفتاری و نوشتاری، کدهای کامپیوتری، نقشه‌های طراحی، ژن‌های DNA یا الگوریتم‌های هوش مصنوعی.

یک رویکرد جامع و منسجم به تمامی این جنبه‌ها و درک صحیح مسیر حرکت انرژی و مواد و اطلاعات ، موفقیت کارخانه را تضمین خواهد کرد. کارخانه‌ای که بر پایه طراحی اصولی، تجهیزات مناسب، نیروی انسانی ماهر و پایبندی به استانداردها بنا شود، می‌تواند قطعات بتنی پیش‌ساخته با کیفیت بالا و سرعت تولید مطلوب عرضه کند. چنین واحد تولیدی به علت کنترل بهتر کیفیت محصول و صرفه‌جویی در زمان ساخت‌وساز، نقش مهمی در صنعت ساختمان ایفا می‌کند. تولید قطعات بتنی پیش‌ساخته شامل یک سری عملیات پایه است که به‌ترتیب اجرا می‌شوند تا محصول نهایی با کیفیت مطلوب حاصل گردد. این عملیات پایه عبارت‌اند از:

- تهیه و آماده‌سازی مواد اولیه (شامل سیمان، سنگدانه‌ها، آب و میلگرد)، آماده‌سازی قالب و آرماتور (ساخت یا مونتاژ قالب‌ها و چیدن میلگردهای تسلیح درون آنها)،
- اختلاط و بتن‌ریزی (تولید بتن در بچینگ و ریختن آن در قالب‌ها همراه با تراکم)،
- عمل‌آوری یا کیورینگ بتن (نگهداری بتن ریخته‌شده در شرایط مناسب حرارت و رطوبت برای دستیابی به مقاومت موردنظر)، - - قالب‌برداری و جداسازی قطعه (خارج کردن قطعه بتنی از قالب پس از گیرش کافی)،
- لیبل گذاری و انبارش و حمل قطعات (ذخیره‌سازی موقت قطعات در محوطه کارخانه و سپس حمل آنها به محل پروژه)

هر یک از این مراحل نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، تجهیزات مخصوص به خود و رعایت استانداردهای مربوطه است تا محصول نهایی از نظر ابعادی و مقاومت، مطابق الزامات طراحی باشد. زمانی که در مورد فرآیندهای تولید صحبت میشود، یکی از مفاهیم بنیادی که باید به آن توجه داشته باشیم، مفهوم عملیات پایه یا Basic Operation است. عملیات پایه، کوچک‌ترین جزء یک فرآیند تولیدی است که دیگر قابل تجزیه به مراحل ساده‌تر نیست و تغییر مهمی را در وضعیت یک متریال یا هدف ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، هر عملیاتی که در کارخانه رخ می‌دهد، در نهایت به مجموعه‌ای از عملیات پایه تقسیم می‌شود که همین‌ها هستند که خروجی نهایی را شکل می‌دهند.شیء هدف یا همان «Object of Change» در هر فرآیند تولیدی چیزی است که قرار است تغییر کند. این شیء می‌تواند ماده (Material) باشد، می‌تواند انرژی (Energy) باشد، و یا حتی می‌تواند اطلاعات (Information) باشد. این سه دسته، یعنی ماده، انرژی و اطلاعات، سه بُعد اصلی ساختار تولید هستند که همه چیز در صنعت و کارهانه به نوعی پیرامون آنها می‌چرخد.

حال وقتی قرار است تغییراتی روی این اشیاء انجام شود، بسته به ماهیت تغییر، عملیات پایه به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود:

عملیات تولید (Production Operations) :جایی که تغییر واقعی در ماده یا انرژی یا اطلاعات رخ می‌دهد. برای مثال، وقتی سیمان، شن و ماسه و آب را با هم مخلوط می‌کنیم و یک دوغاب بتنی می‌سازیم، این یک عملیات تولید است.

عملیات حمل‌ونقل: (Transport Operations) شامل حرکت دادن مواد، انرژی یا اطلاعات از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر است. مثلا وقتی بتن تازه ساخته‌شده با نوار نقاله یا با تراک میکسر جابه‌جا می‌شود، یا حتی وقتی یک دستور تولید از دفتر مهندسی به بخش کنترل کیفی ارسال می‌گردد، این عملیات حمل‌ونقل محسوب می‌شود.

عملیات انبارش: (Storage Operations) :یعنی نگهداری موقت ماده، انرژی یا اطلاعات تا زمان استفاده. مثلا انبار کردن پالت‌های بلوک بتنی آماده برای ارسال، یا ذخیره داده‌های تولید در یک سیستم نرم‌افزاری، یا حتی نگهداری برق در باتری‌های پشتیبان.

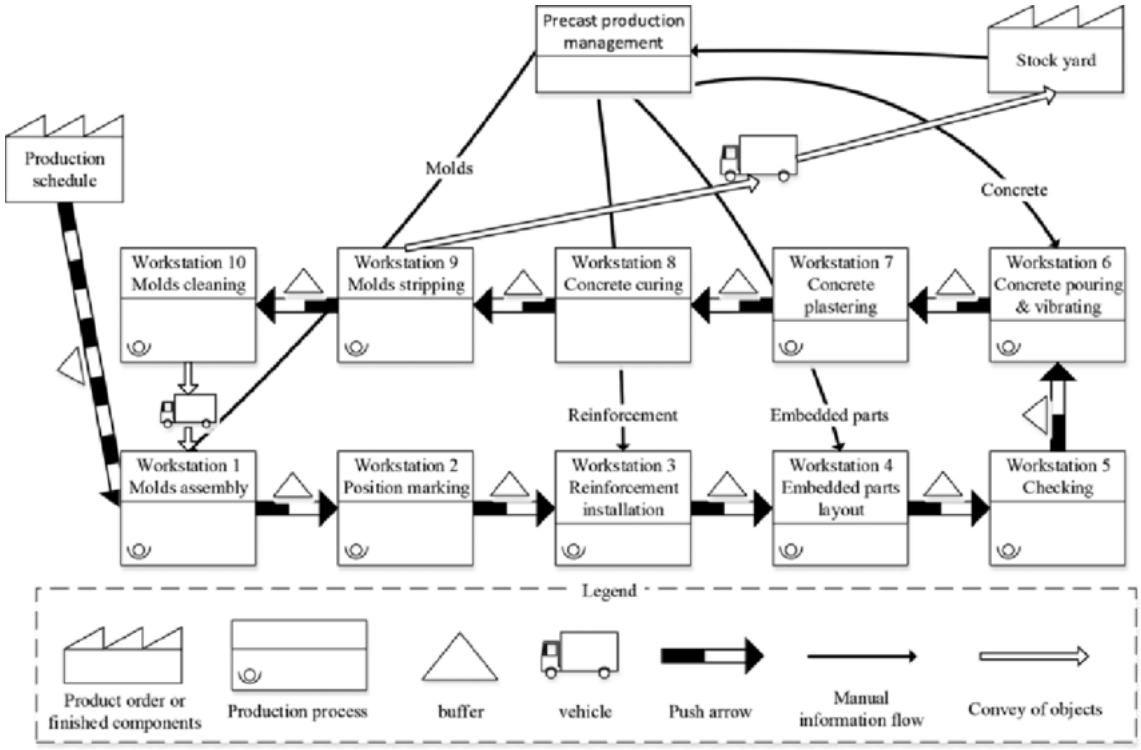

شکل ۳-۱۰ – نمودار جریان فرآیند تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی (Precast Concrete Production Process Flowchart)

شکل ۳-۱۰ ، یک نمودار جریان فرآیند تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی (Precast Concrete Production Process Flowchart) را به صورت ساده نشان می‌دهد که به‌صورت گام‌به‌گام، ترتیب ایستگاه‌های کاری (Workstations) از مرحله آماده‌سازی قالب تا انتقال قطعه نهایی به انبار را توضیح می‌دهد. این مدل در کارخانه‌های پیش‌ساخته برای مدیریت زمان، بهینه‌سازی منابع، و کاهش اتلاف‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و با اصول تولید ناب (Lean Production) طراحی شده است. در ادامه توضیح هر بخش آورده شده است:

بخش بالایی نمودار: سیستم مدیریت و مواد ورودی

در بالای نمودار، سه مؤلفه اصلی دیده می‌شود:

Production Schedule (برنامه تولید):

مبدا کل فرآیند است. بر اساس سفارش‌ها یا برنامه تولید، قالب‌ها و مواد مورد نیاز تعیین می‌شوند.

Precast Production Management (مدیریت تولید پیش‌ساخته):

مرکز کنترل کل فرآیند که ارتباط بین تولید، تامین مواد، برنامه‌ریزی و کنترل کیفیت را برقرار می‌کند.

Stock Yard (انبار نهایی):

محل ذخیره قطعات آماده که پس از تایید کیفیت، به پروژه‌های ساختمانی ارسال می‌شوند.

بخش میانی: توالی ایستگاه‌های کاری تولید

فرآیند تولید به ۱۰ ایستگاه کاری تقسیم شده است:

۱. Workstation 1 – Molds Assembly (مونتاژ قالب‌ها):

در این ایستگاه قالب‌ها از اجزای مختلف مانند دیواره‌ها، کف و اتصالات جمع‌آوری و مونتاژ می‌شوند تا آماده بتن‌ریزی باشند. دقت در تراز و اتصال بسیار مهم است.

۲. Workstation 2 – Position Marking (علامت‌گذاری موقعیت):

محل دقیق قرارگیری میلگردها، قطعات مدفون (Embedded Parts) و سوراخ‌ها روی قالب مشخص می‌شود. این مرحله با نقشه‌های اجرایی یا نقشه شاپ کنترل می‌گردد.

۳. Workstation 3 – Reinforcement Installation (نصب آرماتور):

در این ایستگاه میلگردها یا مش‌ها طبق نقشه آرماتورگذاری در قالب نصب می‌شوند و توسط فاصله‌نگهدار (Spacer) از بدنه قالب جدا نگه داشته می‌شوند.

۴. Workstation 4 – Embedded Parts Layout (جانمایی قطعات مدفون):

قطعات فلزی مانند صفحات اتصال، انکربولت‌ها، جعبه‌های برق یا قطعات نصب‌پذیر در بتن در این مرحله نصب می‌شوند.

۵. Workstation 5 – Checking (بازرسی و کنترل):

قبل از بتن‌ریزی، تمامی موارد شامل موقعیت آرماتورها، تمیزی قالب، تراز بودن و استحکام اتصالات توسط واحد کنترل کیفیت بررسی و تایید می‌شود.

۶. Workstation 6 – Concrete Pouring & Vibrating (بتن‌ریزی و ویبره):

در این ایستگاه بتن آماده از بچینگ به قالب منتقل می‌شود و با استفاده از ویبراتور داخلی یا خارجی هوای محبوس خارج و بتن متراکم می‌شود.

۷. Workstation 7 – Concrete Plastering (پرداخت سطحی بتن):

سطح قطعه پس از بتن‌ریزی صاف و پرداخت می‌شود تا کیفیت ظاهری و تلرانس ابعادی حفظ شود. در قطعات نما یا پانل‌های بیرونی این مرحله بسیار حساس است.

۸. Workstation 8 – Concrete Curing (عمل‌آوری بتن):

در این مرحله قطعات در شرایط کنترل‌شده رطوبت و دما نگهداری می‌شوند (مانند تونل بخار یا پوشش مرطوب) تا مقاومت مورد نیاز حاصل شود.

۹. Workstation 9 – Molds Stripping (باز کردن قالب):

پس از رسیدن بتن به مقاومت لازم، قالب باز می‌شود و قطعه جدا می‌گردد. در این مرحله باید از ابزار مناسب استفاده شود تا لبه‌ها و گوشه‌های قطعه آسیب نبیند.

۱۰. Workstation 10 – Molds Cleaning (تمیزکاری قالب‌ها):

قالب‌ها پس از تخلیه قطعه تمیز و روغن‌کاری می‌شوند تا برای چرخه بعدی آماده گردند. این مرحله باعث افزایش عمر قالب و کیفیت سطح بتن می‌شود.

باید پذیرفت که سه فرایند اصلی انبارش مواد ، تولید و حمل‌ونقل سه بخش اصلی هر سامانه تولیدی هستند . در یک کارخانه تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی، سه بخش کلیدی یعنی تولید، انبارش و حمل‌ونقل، شاهرگ‌های اصلی عملکرد مؤثر و اقتصادی مجموعه محسوب می‌شوند.

در مرحله تولید، هدف اصلی دستیابی به قطعات باکیفیت و دقیق در کمترین زمان ممکن است. این مرحله شامل آماده‌سازی قالب‌ها، آرماتوربندی، بتن‌ریزی، ویبراسیون، عمل‌آوری و خروج قطعه از قالب است. هر یک از این گام‌ها باید تحت کنترل دقیق کیفیت، دما، رطوبت و زمان قرار گیرد تا دوام و مقاومت قطعات مطابق با استانداردهای فنی تضمین شود. استفاده از قالب‌های صنعتی با دقت بالا، تجهیزات اتوماسیون بتن‌ریزی و سیستم‌های کنترل کیفی آنلاین می‌تواند بازدهی تولید را به شکل قابل‌توجهی افزایش دهد.

پس از تولید، مرحله انبارش به‌عنوان یک حلقه حساس زنجیره ارزش مطرح می‌شود. قطعات تولیدی باید با توجه به نوع، ابعاد، وزن، و ترتیب نصب در پروژه، به‌صورت اصولی و کدگذاری‌شده انبار شوند. انبار باید دارای سطح صاف، زهکشی مناسب و مسیرهای دسترسی ایمن برای لیفتراک و جرثقیل باشد. استفاده از سیستم‌های شناسایی پرینت لیبل یا بارکد برای مدیریت قطعات در انبار کمک می‌کند تا هر قطعه به‌سرعت قابل‌ردیابی باشد. فاصله‌گذاری مناسب بین قطعات برای تهویه و جلوگیری از آسیب سطحی ضروری است و همچنین باید تدابیر ایمنی در برابر باران، تابش مستقیم آفتاب و یخ‌زدگی در فصول مختلف لحاظ شود.

در بخش حمل‌ونقل، مسئله ترتیب بارگیری و ایمنی قطعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طراحی مسیرهای داخلی کارخانه باید به نحوی باشد که کمترین زمان جابجایی بین خط تولید، انبار و خروجی بارگیری صرف شود. برای قطعات سنگین، استفاده از جرثقیل‌های دروازه‌ای یا سیستم‌های ریلی متحرک موجب افزایش سرعت و ایمنی عملیات می‌گردد. همچنین در هنگام حمل به محل پروژه، نحوه قرارگیری قطعات در تریلی باید مطابق نقشه نصب و توالی اجرایی تنظیم شود تا در محل پروژه نیاز به جابجایی اضافی نباشد. استفاده از پدهای لاستیکی، زنجیرهای مهار، و فاصله‌گذارهای فلزی از آسیب‌دیدگی گوشه‌ها و لبه‌ها جلوگیری می‌کند.

از منظر مدیریتی، ارتباط بین این سه بخش باید با نرم‌افزارهای یکپارچه مانند BIM، ERP یا سیستم‌های مدیریت تولید (MES) برقرار شود تا اطلاعات هر قطعه از مرحله طراحی تا تحویل در سایت قابل ردیابی باشد. شاخص‌هایی نظیر OEE (بهره‌وری کلی تجهیزات)، MTTR (میانگین زمان تعمیر) و نرخ برگشتی قطعات معیوب باید به‌صورت مستمر پایش شوند تا تصمیم‌گیری‌های به‌موقع و دقیق انجام گیرد. در نهایت، رعایت اصول ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست (HSE) در تمامی مراحل از ضروریات حیاتی است؛ زیرا کوچک‌ترین خطا در حمل

یا انبارش می‌تواند منجر به آسیب‌های انسانی یا خسارات سنگین مالی گردد. در صنعت بتن و پیش‌ساخته، این سه بخش به هم وابسته و هم‌زمان تعیین‌کننده کیفیت نهایی‌اند . عملیات تولید یعنی جایی که ماده یا انرژی یا اطلاعات دگرگون می‌شود و ارزش افزوده خلق می‌گردد . عملیات حمل‌ونقل یعنی حرکت کنترل‌شده آنچه تولید شده یا برای تولید لازم است بین ایستگاه‌ها . عملیات انبارش یعنی نگهداری موقت برای هم‌زمان‌سازی، محافظت و آماده‌سازی جریان‌ها . اگر یکی از این سه عنصر دچار اختلال شود کل سیستم ناپایدار خواهد شد . مهندس تولید باید آن‌ها را یکپارچه و نه جداگانه طراحی کند . طراحی یکپارچه از شناخت ویژگی‌های بتن تازه و محصول سخت‌شده آغاز می‌شود (شکل ۳-۱۱). هر تصمیم گیری و یا تغییر در یکی از این عملیات‌ها روی دو عملیات دیگر اثر مستقیم می‌گذارد .

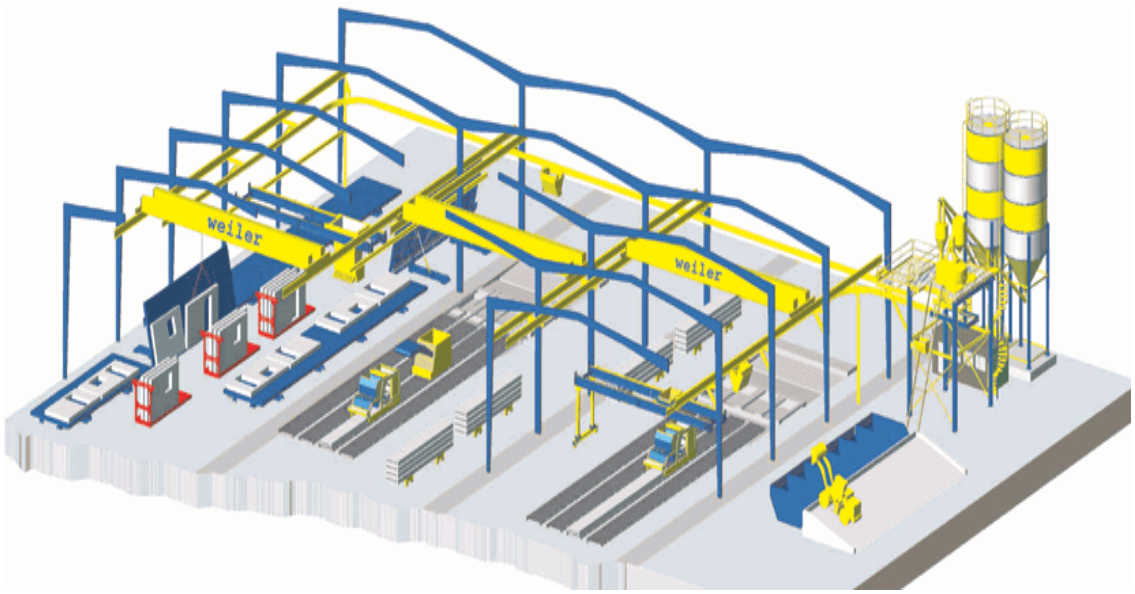

شکل ۳-۱۱- طراحی یک پارچه کارخانه های ساخت قطعات پیش ساخته امری مهم و الزامی است (طرح کلی کارخانه Weiler)

در تصویر۳-۱۲، کارخانه‌ای نشان داده شده که قطعات مختلف پیش‌ساخته مانند دیوار، دال، تیر، ستون، پل و فونداسیون را در یک مجموعه یکپارچه تولید می‌کند.سیستم‌ها شامل قالب‌های ایستا (Stationary Formwork)، خطهای طولی (Long-line)، سیستم‌های مغناطیسی

قالب‌بندی سریع، جرثقیل‌های سقفی، و ماشین‌آلات کمکی هستند.این کارخانه چندمنظوره است؛ یعنی همزمان می‌تواند دیوار بتنی، دال پیش‌تنیده، ستون، تیر و قطعات ویژه پل تولید کند. کارخانه‌ای که در تصویر دیده می‌شود، نمونه‌ای از یک مرکز تولید همگرا (Integrated Precast Concrete Factory) است؛ یعنی مجموعه‌ای که تمام فرآیندهای تولید اجزای بتنی را از طراحی تا تحویل در یک چرخه‌ی هوشمند و یکپارچه انجام می‌دهد. در این کارخانه، فناوری‌های مختلف مانند قالب‌های باتری عمودی، میزهای واژگون‌شونده، خطوط طولی تولید دال، قالب‌های تیر و ستون، و تجهیزات کمکی مکانیزه در کنار هم کار می‌کنند تا تنوع بالایی از قطعات بتنی مانند دیوار، دال، ستون، تیر و شمع را در یک محل تولید کنند. همگرایی این کارخانه به معنای ادغام سه محور اصلی است: فناوری تولید، جریان مواد، و مدیریت داده. در محور تولید، خطوط مختلف با سیستم‌های کنترل مشترک (PLC و نرم‌افزارهای Plant Control) به هم متصل‌اند؛ بتن از یک بچینگ مرکزی تأمین می‌شود و با شاتل یا نوار نقاله به هر ایستگاه ارسال می‌گردد. در محور جریان مواد، قالب‌ها، میلگردها و قطعات بتنی با جرثقیل‌های سقفی، ریل‌ها و واگن‌های داخلی بین بخش‌ها جابه‌جا می‌شوند؛ هیچ نقطه‌ای از کارخانه جدا از دیگر بخش‌ها نیست. در محور مدیریت داده، هر بخش با سیستم دیجیتال کارخانه هماهنگ است؛ اطلاعات طراحی از مدل BIM به بخش قالب‌سازی و تولید منتقل می‌شود و سپس داده‌های QC، دما، مقاومت و زمان عمل‌آوری به‌صورت بلادرنگ در سرور ثبت می‌گردد. نتیجه‌ی این همگرایی، حذف دوباره‌کاری، کاهش زمان آماده‌سازی، و افزایش بهره‌وری انرژی و فضا است. مثلاً قالب‌های باتری و میزهای تیلتینگ به طور هم‌زمان تولید دیوارهای دوطرفه و یک‌طرفه را ممکن می‌سازند، در حالی که خطوط طولی دال و تیر بدون وقفه کار می‌کنند. بخش تجهیزات کمکی (Auxiliary Machines) نیز با پشتیبانی تعمیر، روغن‌کاری، ویبره و بخاردهی باعث می‌شود همه‌ی خطوط پیوسته فعال بمانند. از دید مدیریتی، کارخانه به گونه‌ای طراحی شده که بین بخش‌های مختلف اشتراک قالب، نیروی انسانی، و سیستم کنترل برقرار است؛ یعنی همان مفهوم Integrated Flow. چنین ترکیب هم‌زمانی از فناوری، مواد و اطلاعات، کارخانه را قادر می‌سازد با حداقل نیروی انسانی، بیشترین تنوع محصول و بالاترین کیفیت را تولید کند. همگرایی در این مدل نه‌تنها به معنی فیزیکی بلکه به‌معنای دیجیتالی نیز هست — هر دستگاه، از بچینگ تا QC، به شبکه‌ی کارخانه متصل است و داده‌ها در لحظه تجزیه‌وتحلیل می‌شوند.

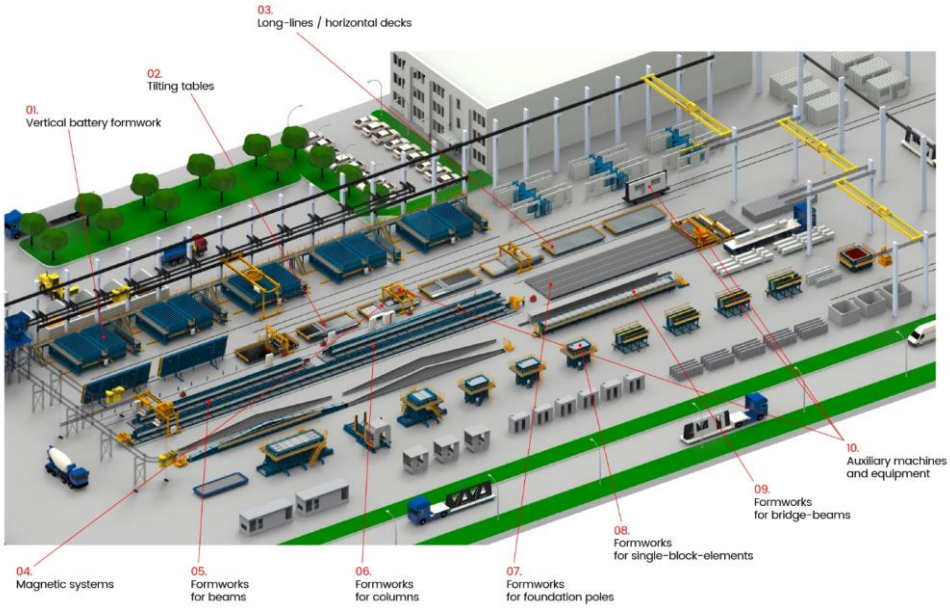

شکل ۳-۱۲-چیدمان ساختاری کارخانه OLMET ITALY

شماره‌گذاری اجزاء این کارخانه به شرح زیر است :

۰۱. Vertical Battery Formwork – قالب‌های عمودی باتری‌ای (Vertical Wall Battery)

این دستگاه برای تولید دیوارهای تخت دو رو صاف استفاده می‌شود.

صفحات فلزی در کنار هم چیده می‌شوند و بین آن‌ها بتن ریخته می‌شود.

مزیت این سیستم، صرفه‌جویی در فضا و امکان تولید همزمان چند دیوار است (مثلاً ۱۰ عدد در هر سیکل).

مخصوص دیوارهای ساختمانی و پانل‌های معماری.

۰۲. Tilting Tables – میزهای چرخان یا واژگون‌شونده

این میزها برای تولید دیوارهای تخت یا پانل‌های بزرگ به‌صورت افقی به‌کار می‌روند.

پس از بتن‌ریزی و گیرش، میز با زاویه ۶۰–۸۰ درجه می‌چرخد تا دیوار بدون آسیب از قالب جدا شود.

مخصوص پانل‌های بزرگ با سطح صاف یک‌طرفه.

۰۳. Long-Lines / Horizontal Decks – خطوط طولی تولید (برای دال‌ها یا تیرهای پیش‌تنیده)

در این بخش، قطعات کشیده و باربر مثل Hollow Core Slab یا Prestressed Beams ساخته می‌شوند.

تعداد زیادی بستر فولادی در طول ۱۰۰–۱۵۰ متر قرار دارد که کابل‌های فولادی در آنها کشیده می‌شوند و بتن‌ریزی روی آن‌ها انجام می‌شود.

پس از عمل‌آوری، دال‌ها با اره مخصوص برش می‌خورند.

مخصوص تولید انبوه دال‌های پیش‌تنیده یا تیرهای طویل.

۰۴. Magnetic Systems – سیستم‌های مغناطیسی قالب‌بندی

برای ثابت نگه داشتن کناره‌های قالب روی میزهای فولادی از سیستم مغناطیسی سریع (Magnetic Shuttering) استفاده می‌شود.

این سیستم زمان آماده‌سازی قالب را از چند ساعت به چند دقیقه کاهش می‌دهد.

به‌کاررفته در تمام خطوط افقی و Tilting Table.

۰۵. Formworks for Beams – قالب‌های تیر بتنی

در این قسمت تیرهای ساده یا پیش‌تنیده تولید می‌شوند.

قالب‌ها معمولاً فولادی و دارای سامانه ویبره داخلی هستند تا تراکم بتن بالا برود.

برخی مدل‌ها با قابلیت تغییر مقطع (Adjustable Cross-section) طراحی شده‌اند.

مخصوص تیرهای سقف، تیر پل، یا تیرهای تکی پیش‌تنیده.

۰۶. Formworks for Columns – قالب ستون

در این قسمت قالب‌های مخصوص ستون‌های بتنی مربعی یا دایره‌ای قرار دارد.

در این قالب‌ها معمولاً سیستم ویبره جانبی و بازشونده سریع تعبیه شده است.

برخی خطوط از جک هیدرولیکی برای بازکردن قالب استفاده می‌کنند.

مخصوص ستون‌های سازه‌ای در پروژه‌های صنعتی و مسکونی.

۰۷. Formworks for Foundation Poles – قالب پایه‌ها و شمع‌های بتنی
در این ناحیه قطعات عمودی باربر مثل پایه فونداسیون، شمع یا ستون پایه پل ساخته می‌شود.
قالب‌ها معمولاً لوله‌ای و فولادی‌اند و می‌توانند با ویبره یا چرخش گریز از مرکز کار کنند.
برای شمع‌های پیش‌تنیده (PHC piles) یا ستون‌های پایه.

۰۸. Formworks for Single-Block Elements – قالب قطعات خاص یا تک‌بلوک
اینجا قطعات خاص مانند بلوک اتصال، قطعه تکی سازه‌ای، پدستال یا المان پله تولید می‌شود.
قالب‌ها قابل تنظیم‌اند و برای تولید قطعات متنوع به‌کار می‌روند.
بخش چندمنظوره کارخانه.

۰۹. Formworks for Bridge Beams – قالب تیر پل
در این ایستگاه تیرهای بلند و سنگین مخصوص پل‌ها تولید می‌شوند.
طول هر قالب ممکن است تا ۴۰ متر باشد.
سیستم بخاردهی در محل قالب تعبیه می‌شود تا گیرش سریع انجام گیرد.
برای پروژه‌های زیرساختی بزرگ (پل، آزادراه).

۱۰. Auxiliary Machines and Equipment – ماشین‌آلات و تجهیزات کمکی
شامل جرثقیل‌های سقفی، لیفتراک‌ها، دستگاه شست‌وشوی قالب، واحد بخاردهی، سیستم روغن‌پاشی، واحد تعمیرات و کارگاه فلزکاری است.
این بخش پشتیبان همه خطوط تولید است و باعث گردش سریع‌تر قالب‌ها می‌شود.
به عنوان پشتیبان فنی کل کارخانه.

همگرایی این سه عملیات مهم نیازمند چیدمان دقیق کارخانه است . چیدمان محصول‌محور مسیرهای کوتاه و پیش‌بینی‌پذیر ایجاد می‌کند . چیدمان فرآیندمحور انعطاف بالاتری برای تنوع محصول فراهم می‌کند . خطوط کاروسلی نمونه‌ای از چیدمان محصول‌محور هستند . تولید ایستگاهی برای قطعات حجیم و متنوع مناسب‌تر است . تصمیم چیدمان باید با سبد محصول و حجم تولید همسو باشد . مسیرهای انسان و ماشین باید ایمن و تفکیک‌شده طراحی شود . اما برای اینکه یک عملیات پایه به‌درستی تعریف شود، باید عناصر ساختاری آن را بشناسیم. این عناصر عبارت‌اند از:

شیء تغییر :(Object of Change - Xe, Xa) همان چیزی که می‌خواهیم تغییر دهیم. مثلا بتن تازه یا یک داده دیجیتال یا انرژی گرمایی.

روش فناورانه :(Technological Method - Vt) روش علمی و مهندسی که برای تغییر استفاده می‌شود. مثلا استفاده از روش ارتعاش (Vibration) برای متراکم کردن بتن یا استفاده از روش محاسباتی برای پردازش داده‌ها.

ابزار فنی :(Technical Means - Mt) ابزار یا ماشین‌آلاتی که تغییر را ممکن می‌سازند. در صنعت بتن این ابزارها شامل میکسرها، دستگاه‌های بلوک‌ساز، سیستم‌های عمل‌آوری بخار و ... هستند.نیروی انسانی :(Human Workforce) فردی که عملیات را هدایت یا کنترل می‌کند. حتی در شرایطی که اتوماسیون کامل وجود دارد، باز هم انسان نقش تصمیم‌گیری، نظارت و اصلاح مسیر را دارد.در یک عملیات پایه، انسان با استفاده از ابزار فنی بر شیء تغییر اثر می‌گذارد و تغییر مورد نظر را اعمال می‌کند. در اینجا روش فناورانه همان مسیری است که این تغییر را هدایت می‌کند. مثلا وقتی اپراتور دستگاه ویبره بلوک، پارامترهای فرکانس و دامنه ارتعاش را تنظیم می‌کند، در واقع او با ابزار فنی بر اساس یک روش فناورانه مشخص (ارتعاش مکانیکی) بر ماده (بتن تازه) اثر می‌گذارد و آن را از حالت مخلوط شُل و پر از حفره، به حالت متراکم، شکل‌گرفته و آماده تبدیل می‌کند.ابزار فنی یا همان Technical Means خودشان به سه گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

ابزار تولید :(Production Means) ماشین‌ها و تجهیزاتی که مستقیماً تغییر در ماده ایجاد می‌کنند. مانند دستگاه بلوک‌ساز، میکسر بتن یا دستگاه برش قطعات پیش‌ساخته.

ابزار حمل‌ونقل :(Transport Means) تجهیزاتی که مسئول جابه‌جایی مواد هستند. مانند نوار نقاله، لیفتراک، جرثقیل یا حتی سیستم‌های پنوماتیک انتقال سیمان.

ابزار انبارش :(Storage Means) تجهیزاتی که امکان ذخیره‌سازی یا نگهداری مواد را فراهم می‌کنند. مثل سیلوی سیمان، محفظه‌های عمل‌آوری بخار برای قطعات، یا انبار قطعات آماده.

این ابزارها بر اساس شیء تغییر نیز طبقه‌بندی می‌شوند:

ابزار مرتبط با مواد :(Material-related) مثل دستگاه‌های اختلاط، قالب‌ها، ماشین‌آلات تراکم.

ابزار مرتبط با انرژی :(Energy-related) مثل موتورهای الکتریکی، بویلرها، یا سیستم‌های انتقال انرژی.

ابزار مرتبط با اطلاعات :(Information-related) شامل سیستم‌هایIT ، حسگرها، تجهیزات اندازه‌گیری و کنترل کیفیت.

وقتی این ابزارها در کنار هم قرار می‌گیرند، یک خط تولید (Production Line) یا همان خط تکنولوژیک (Technological Line) را تشکیل می‌دهند. خط تولید یک سیستم کامل است که امکان انجام پیوسته عملیات تولید را فراهم می‌کند. برای مثال، در یک کارخانه تولید بلوک بتنی، خط تولید می‌تواند شامل این اجزا باشد:

سیلوی ذخیره مصالح

سیستم توزین

میکسر

دستگاه تولید

بخش کنترل کیفیت

انبار محصول

در اینجا ایم مسئله اهمیت دارد که بدانیم چرا این تقسیم‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌ها انجام می‌شوند. دلیل آن است که مهندسان طراح بتوانند هم عملیات پایه را تحلیل کنند، روابط بین اجزا را بشناسند و در نهایت فرآیند تولید را بهینه‌سازی کنند. وقتی بدانیم که هر عملیات پایه شامل چه عناصری است و چه ابزارهایی دارد، می‌توانیم تصمیم بگیریم که کدام بخش نیاز به بهبود دارد.

۳-۴-ضرورت پیاده سازی ساختار ارتباطی 4M در کارخانه

در ساختار مهندسی تولید بتن و قطعات پیش‌ساخته بتنی ، درک درست از این مفاهیم باعث می‌شود که بتوانیم ارتباط بین مواد(Concrete Mix) ، روشها و فرآیندها (Compaction, Curing)،ماشین الات (Mixers, Vibrators, Moulds) و نیروی انسانی (Operators) را بهتر بفهمیم. در واقع، اگر این چهار عنصر به‌صورت هماهنگ کار نکنند، نتیجه‌ی نهایی یعنی کیفیت محصول دچار مشکل خواهد شد.به همین دلیل است که طراحان کارخانه‌های پیش‌ساخته، قبل از هر چیز فرآیند را به عملیات پایه تجزیه می‌کنند و سپس برای هر عملیات پایه، ابزار، روش و سازمان‌دهی مناسب را تعریف می‌نمایند.

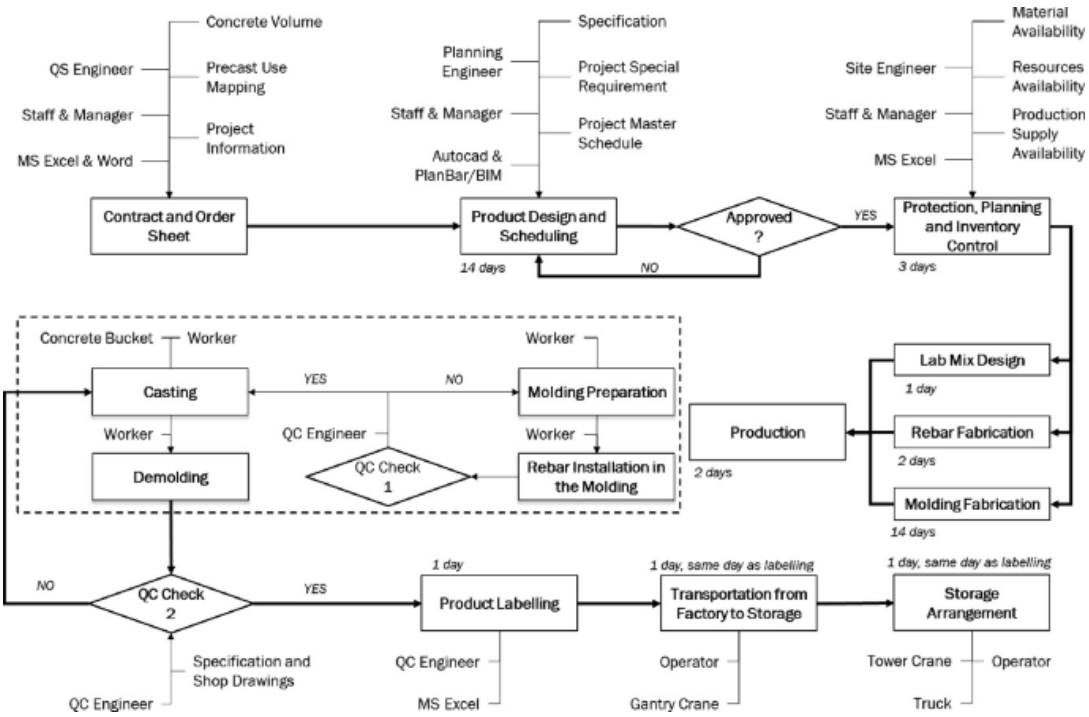

شکل ۳-۱۳- نمودار فرآیند کامل تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی (Precast Concrete Production Process Flowchart)

در مدیریت تولید و به‌ویژه در صنایع پیش‌ساخته بتنی، مفهوم 4Mیکی از اصول بنیادی مهندسی تولید و بهبود فرآیندها به شمار می‌رود. این چهار مؤلفه شامل Man نیروی انسانی(، Machine (ماشین‌آلات(، Material(مواد اولیه) و Method (روش‌ها و فرآیندها) هستند که هرکدام نقش حیاتی در تضمین کیفیت، بهره‌وری و پایداری عملکرد یک کارخانه دارند. در واقع، هر اختلال یا ناهماهنگی در یکی از این چهار عنصر، می‌تواند بر کل زنجیره تولید تأثیر منفی بگذارد.چارت شکل ۳-۱۳- یک نمودار فرآیند کامل تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی (Precast Concrete Production Process Flowchart) است که از مرحله قرارداد و طراحی تا تولید، کنترل کیفیت، برچسب‌گذاری، حمل و انبارش را به‌صورت گام‌به‌گام نمایش می‌دهد. هدف اصلی این نمودار، نشان دادن توالی دقیق وظایف، ارتباط بین واحدها و کنترل زمانی در چرخه تولید صنعتی قطعات بتنی است و به خوبی در هر مرحله نقش چهار عامل اصلی در ساختار تولید را نشان میدهد . به‌عبارتی، این فلوچارت مسیر حرکت اطلاعات، مواد و فعالیت‌های انسانی را از آغاز پروژه تا تحویل نهایی مشخص می‌کند و ابزاری حیاتی برای مدیریت زمان، کیفیت و منابع کارخانه‌های پیش‌ساخته به شمار می‌رود.

در ابتدای مسیر، مرحله Contract and Order Sheet (قرارداد و برگه سفارش) قرار دارد. در این بخش، تیم مهندسی شامل مهندسان QS (تخمین‌زن)، مدیران پروژه، کارکنان برنامه‌ریزی و مدیران تولید اطلاعات اولیه پروژه را گردآوری می‌کنند. داده‌هایی مانند حجم بتن مورد نیاز، نقشه استفاده از قطعات پیش‌ساخته، نیازهای خاص پروژه و برنامه اصلی زمان‌بندی (Master Schedule) از طریق نرم‌افزارهایی مثل MS Excel، Word و BIM/AutoCAD تهیه می‌شود. این مرحله مبنای طراحی و برنامه‌ریزی کل فرآیند تولید است.در گام بعدی، فرآیند وارد مرحله Product Design and Scheduling (طراحی و زمان‌بندی محصول) می‌شود. در این مرحله، مهندسان طراح، نقشه‌های شاپ و مدل‌های سه‌بعدی قطعات را بر اساس مشخصات فنی و ظرفیت تولید کارخانه آماده می‌کنند. این مرحله معمولاً ۱۴ روز زمان می‌برد و نتیجه آن، برنامه ساخت دقیق هر قطعه است.سپس طرح برای تأیید به مدیریت ارسال می‌شود. در گره تصمیم‌گیری اگر طرح مورد تأیید قرار گیرد، وارد مرحله بعد یعنی Protection, Planning, and Inventory Control (برنامه‌ریزی، حفاظت و کنترل موجودی) می‌شود. در این بخش طی

۳ روز، مواد اولیه، قالب‌ها، میلگردها و منابع انسانی بر اساس برنامه تولید تأمین و آماده‌سازی می‌شوند. اگر طرح تأیید نشود، باید مجدداً بازطراحی و اصلاح شود تا مطابق الزامات پروژه گردد.

به‌موازات این مراحل، چند فعالیت مقدماتی نیز انجام می‌شود که برای تولید حیاتی هستند:

Lab Mix Design (طراحی طرح اختلاط بتن): که حدود ۱ روز زمان می‌برد و توسط آزمایشگاه کنترل کیفیت برای تعیین نسبت آب به سیمان، سنگدانه و افزودنی‌ها انجام می‌شود.

Rebar Fabrication (ساخت آرماتور): طی ۲ روز در واحد آرماتوربندی انجام می‌شود.

Molding Fabrication (ساخت قالب): که حدود ۱۴ روز به طول می‌انجامد و شامل ساخت قالب‌های فلزی یا فایبرگلاس مخصوص هر نوع قطعه است.

پس از آماده‌سازی مقدمات، فرآیند وارد مرحله Production (تولید) می‌شود که شامل چند فعالیت متوالی در بخش مرکزی نمودار است. در ابتدا Molding Preparation (آماده‌سازی قالب) انجام می‌گیرد؛ در این بخش کارگران سطح قالب را تمیز کرده، روغن قالب می‌زنند و محل دقیق نصب میلگرد و قطعات مدفون را مشخص می‌کنند. سپس در مرحله بعد، Rebar Installation in the Molding (نصب میلگرد در قالب) انجام می‌شود که بر اساس نقشه‌های اجرایی و توسط تیم آرماتوربندی کنترل‌شده صورت می‌گیرد.

در این مرحله، QC Engineer (مهندس کنترل کیفیت) نخستین بازبینی خود را انجام می‌دهد که در نمودار با عنوان QC Check 1 مشخص شده است. اگر تایید شود، قطعه آماده Casting (بتن‌ریزی) است، در غیر این صورت به مرحله اصلاح بازمی‌گردد. بتن تازه با Concrete Bucket یا پمپ بتن به قالب منتقل می‌شود و کارگران عملیات ویبره و متراکم‌سازی را انجام می‌دهند تا حباب هوا از بتن خارج شود.

پس از گیرش اولیه، فرآیند Demolding (قالب‌برداری) انجام می‌شود. در این مرحله قطعه از قالب جدا می‌شود و برای بازرسی نهایی آماده می‌گردد. سپس کنترل کیفیت دوم با عنوان QC Check 2 توسط مهندسان QA/QC صورت می‌گیرد. اگر قطعه از نظر ابعادی، سطحی و

مقاومتی مطابق استاندارد باشد، مجوز صدور Product Labelling (برچسب‌گذاری قطعه) صادر می‌شود. اگر تأیید نشود، قطعه برای اصلاح یا بازیافت مجدد به تولید بازمی‌گردد.
برچسب‌گذاری شامل ثبت اطلاعات فنی مانند شماره قالب، تاریخ تولید، نوع بتن، موقعیت نصب و کد شناسایی پروژه است. در همان روز، قطعات تأیید شده وارد مرحله Transportation from Factory to Storage (حمل از کارخانه به انبار) می‌شوند که معمولاً با جرثقیل سقفی یا گنتری کرین انجام می‌گیرد. سپس مرحله Storage Arrangement (چیدمان در انبار) انجام می‌شود که شامل سازماندهی قطعات در محوطه ذخیره با استفاده از تاور کرین یا کامیون است.

در طول تمام مراحل، زمان‌بندی هر مرحله با دقت ثبت می‌شود تا کل چرخه تولید کنترل گردد.
برای مثال:
طراحی: ۱۴ روز
آماده‌سازی تولید: ۳ روز
ساخت قالب: ۱۴ روز
آرماتوربندی و طرح اختلاط: ۲ تا ۳ روز
تولید، قالب‌برداری، کنترل و برچسب‌گذاری: حدود ۴ روز
بنابراین کل زمان متوسط تولید یک قطعه از آغاز تا آماده‌سازی برای ارسال حدود ۳۰ تا ۳۵ روز کاری طول می‌کشد.
این چارت همچنین نشان می‌دهد که در تمام مراحل، تعامل بین کارکنان، مهندسان کنترل کیفیت، مدیران تولید و پرسنل آزمایشگاه برقرار است و جریان اطلاعات به‌صورت رفت و برگشتی بین طراحی و تولید انجام می‌شود. نقش نرم‌افزارهای BIM، Excel، AutoCAD و PlanBar نیز در مستندسازی داده‌ها و کنترل زمان‌بندی حیاتی است.
در مجموع، این نمودار نمونه‌ای از یک مدل استاندارد مدیریت فرآیند تولید در کارخانه‌های قطعات پیش‌ساخته است که تأکید آن بر نظم، کنترل زمان، تضمین کیفیت و ارتباط مستمر بین طراحی، تولید، کنترل کیفیت و انبارداری است. این سیستم موجب افزایش راندمان، کاهش دوباره‌کاری، جلوگیری از ضایعات و بهبود هماهنگی میان واحدهای مختلف فنی، تولیدی و

لجستیکی می‌شود و الگویی ایده‌آل برای پیاده‌سازی در واحدهای صنعتی پیش‌ساخته در سطح حرفه‌ای به شمار می‌آید.

در حقیقت کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی، عنصر Man (نیروی انسانی) نخستین و حیاتی‌ترین مؤلفه از اصل معروف ۴ M (Man, Machine, Material, Method)است. در چنین سیستم‌هایی، حتی با وجود خطوط خودکار و فناوری‌های پیشرفته، کیفیت نهایی محصول هنوز تا حد زیادی به تخصص، نظم، دقت و نگرش کارکنان وابسته است. نیروی انسانی در این صنایع نه صرفاً مجری، بلکه جزئی از سیستم کیفی و بهره‌وری محسوب می‌شود. بنابراین طراحی و مدیریت ساختار نیروی انسانی باید مانند طراحی ماشین‌آلات یا فرآیند تولید، با دقت مهندسی صورت گیرد.

در یک کارخانه پیش‌ساخته مدرن، ساختار منابع انسانی معمولاً شامل پنج لایه کلیدی است:
مدیران فنی(Plant & Production Managers) ،
مهندسان فرآیند و کنترل کیفیت(Process / QC Engineers) ،
سرپرستان خطوط(Supervisors) ،
اپراتورها و تکنسین‌ها(Operators / Technicians) ، و
پرسنل پشتیبانی .(Maintenance, Logistics, Safety)
هر یک از این سطوح باید دارای شرح وظایف دقیق، نظام آموزشی مستمر و مسیر رشد حرفه‌ای مشخص باشند.در رأس سیستم، مدیر کارخانه (Plant Manager) باید دارای دانش مهندسی عمران یا مکانیک صنعتی، آشنایی کامل با استانداردهایPCI ، EN 13369، ISO 9001و ISO 45001 و مهارت در مدیریت تولید و منابع انسانی باشد. این فرد مسئول هم‌راستا کردن اهداف تولید، کیفیت، نگهداری و ایمنی است. او باید قادر باشد از داده‌های تحلیلی)مثلOEE ، نرخ ضایعات، MTBFماشین‌ها (برای تصمیم‌گیری استفاده کند و فرهنگ بهبود مستمر را در سطح کارخانه گسترش دهد.

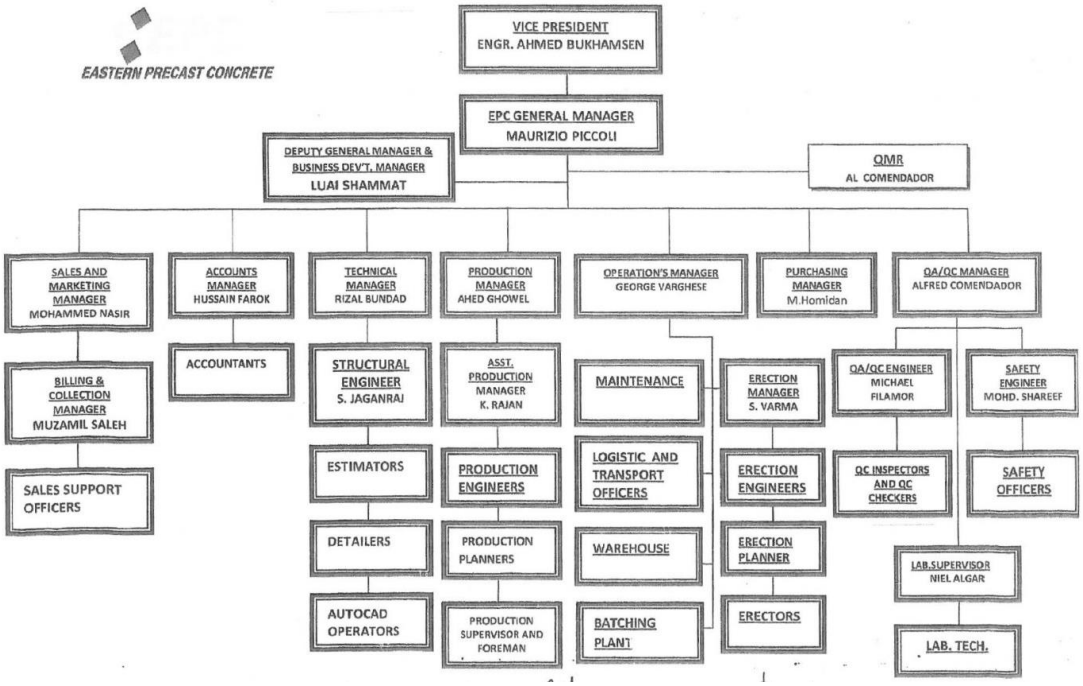

شکل ۳-۱۴ – نمودار چارت سازمانی شرکت Eastern Precast Concrete

چارت سازمانی شرکت Eastern Precast Concrete در شکل ۳-۱۴ نمایش داده شده است و این نمودار یک ساختار مدیریتی و عملیاتی یک کارخانه پیش‌ساخته بتنی صنعتی را نشان می‌دهد. در بالاترین سطح سازمان، Vice President (معاون ارشد) به‌عنوان مقام عالی تصمیم‌گیری حضور دارد که مسئول سیاست‌گذاری کلان و نظارت بر عملکرد کل شرکت است. در زیر او، EPC General Manager (مدیر کل پروژه‌های پیش‌ساخته) قرار دارد که مدیریت اجرایی، هماهنگی بین واحدها و تضمین تحقق اهداف تولید، مالی و کیفی را بر عهده دارد. در کنار او، یک QMR (نماینده مدیریت در امور کیفیت) دیده می‌شود که وظیفه نظارت بر سیستم‌های کیفیت و تطبیق با استانداردهای ISO را دارد.

در رده بعدی، Deputy General Manager & Business Development Manager (معاون مدیر کل و مدیر توسعه کسب‌وکار) نقش پل ارتباطی میان مدیریت عالی و واحدهای

عملیاتی را ایفا می‌کند و تمرکز او بر رشد بازار، برنامه‌ریزی استراتژیک و بهبود فرآیندهای تولید است.

در شاخه‌های افقی زیر این سطح، شش دپارتمان اصلی دیده می‌شود که هر کدام بخشی از زنجیره ارزش تولید قطعات پیش‌ساخته را تشکیل می‌دهند:

۱. Sales and Marketing (فروش و بازاریابی) به مدیریت محمد ناصر، مسئول ارتباط با مشتریان، بررسی نیازهای بازار، تنظیم قراردادها و تبلیغات است. زیرمجموعه این واحد، بخش Billing & Collection (صورتحساب و وصول مطالبات) به سرپرستی مزمل صالح فعالیت می‌کند که وظیفه‌اش مدیریت جریان مالی مشتریان و صدور فاکتورهای فروش است. همچنین Sales Support Officers برای پشتیبانی فنی و اداری از فروش فعال هستند.

۲. Accounts Department (حسابداری) با مدیریت حسین فاروق مسئول ثبت، کنترل و تحلیل داده‌های مالی شرکت است. در این بخش تیمی از Accountants (حسابداران) مستقرند که ترازنامه، حقوق، هزینه‌ها و گزارش‌های مالی را مدیریت می‌کنند.

۳. Technical Department (فنی و مهندسی) تحت نظر ریزال بونداد، شامل بخش‌های Structural Engineering (مهندسی سازه)، Estimators (برآوردکنندگان هزینه)، Detailers (طراحان نقشه‌های اجرایی) و AutoCAD Operators (اپراتورهای اتوکد) است. این تیم وظیفه طراحی فنی، محاسبات سازه‌ای، تهیه نقشه‌های شاپ و برآورد مصالح را بر عهده دارد و نقش محوری در آغاز هر پروژه دارد.

۴. Production Department (تولید) به مدیریت احد غویل، هسته اصلی کارخانه است. در این بخش Assistant Production Manager (معاون تولید)، Production Engineers (مهندسان تولید)، Production Planners (برنامه‌ریزان تولید) و Supervisors and Foremen (سرکارگران و ناظران تولید) حضور دارند. این گروه مسئول اجرای عملیات ساخت، بتن‌ریزی، کنترل کیفیت محصول، و مدیریت تجهیزات تولیدی از جمله قالب‌ها و خط بچینگ پلنت هستند.

۵. Operations Department (عملیات) با مدیریت جورج وارگس مسئول هماهنگی لجستیک، انبار، نگهداری ماشین‌آلات و حمل‌ونقل قطعات است. این واحد شامل Maintenance (تعمیر و نگهداری)، Logistic and Transport Officers (افسران حمل‌ونقل و تدارکات)، Warehouse

(انبار) و Batching Plant (کارخانه بچینگ) می‌باشد. هدف این دپارتمان تضمین جریان پیوسته تولید و جلوگیری از توقف خط در اثر خرابی تجهیزات یا کمبود مصالح است.

۶. Purchasing Department (تدارکات) به سرپرستی M. Homidan وظیفه خرید مواد اولیه، تجهیزات و خدمات فنی را بر اساس نیازهای تولید دارد و ارتباط مستقیمی با تأمین‌کنندگان برقرار می‌کند.

۷. QA/QC Department (کنترل کیفیت و تضمین کیفیت) به مدیریت آلفرد کومنادور از مهم‌ترین بخش‌های کارخانه است. این دپارتمان شامل QA/QC Engineers (مهندسان کنترل کیفیت)، QC Inspectors (بازرسان کنترل کیفیت) و Lab Technicians (تکنسین‌های آزمایشگاه) است. آن‌ها نمونه‌گیری، آزمون مقاومت، کنترل ابعادی و نظارت بر استانداردهای تولید را انجام می‌دهند. Lab Supervisor (سرپرست آزمایشگاه) نِیل الگِر نیز بر انجام آزمایش‌های بتن، مصالح و کیفیت محصول نهایی نظارت دارد.

۸. Safety Department (ایمنی) تحت نظر مهندس محمد شریف فعالیت دارد. در این بخش Safety Officers (افسران ایمنی) وظیفه دارند تا با اجرای برنامه‌های HSE، از حوادث کارگاهی، آسیب‌های فیزیکی و خطرات شیمیایی جلوگیری کنند و ایمنی پرسنل را در همه بخش‌های تولید تضمین نمایند.

۹. Erection Department (نصب و مونتاژ در محل پروژه) نیز زیرمجموعه عملیات قرار دارد و به مدیریت S. Varma اداره می‌شود. این واحد شامل Erection Engineers (مهندسان نصب) و Erection Planners (برنامه‌ریزان نصب) است و وظیفه نصب قطعات پیش‌ساخته در محل پروژه‌ها را بر اساس نقشه‌ها و زمان‌بندی دارد.

این ساختار سازمانی با رویکردی چندسطحی و تخصص‌محور طراحی شده است تا تمام مراحل از طراحی تا تولید و از کنترل کیفیت تا تحویل نهایی به‌صورت هماهنگ و نظام‌مند انجام گیرد. از بالا تا پایین، جریان اطلاعات از مدیریت ارشد به واحدهای فنی و اجرایی و سپس بازخورد از بخش‌های تولید و کنترل کیفیت به مدیریت مرکزی بازمی‌گردد.در مجموع، این چارت نشان‌دهنده یک سازمان صنعتی پیشرفته است که به‌صورت دقیق و تخصصی تقسیم وظایف کرده و با ترکیب دپارتمان‌های فنی، تولیدی، مالی، بازرگانی و ایمنی، کل چرخه تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی را از مرحله سفارش مشتری تا تحویل نهایی پوشش می‌دهد. این ساختار نمونه‌ای از مدل‌های مدیریتی موفق در صنایع پیش‌ساخته است که بین کارایی فنی، کنترل کیفی و سودآوری اقتصادی توازن برقرار کرده است.

در سطح میانی، مهندسان فرآیند (Process Engineers) و مهندسان کنترل کیفیت (QC Engineers)قلب دانش فنی کارخانه‌اند. مهندس فرآیند مسئول طراحی Layout خطوط، بهینه‌سازی سیکل تولید، کنترل زمان Curing و رفع گلوگاه‌های فرآیندی است. او باید با نرم‌افزارهایی مانندAutoCAD Plant ، Tekla، MESو SCADA آشنا باشد تا بتواند جریان مواد و زمان‌بندی تولید را دیجیتالی کند. مهندس کنترل کیفیت نیز باید علاوه بر مهارت در آزمون‌های بتن(Workability, Strength, Permeability) ، قادر به تحلیل داده‌های SPC و اجرای سیستم‌های Quality Assurance باشد.در خط تولید، سرپرستان (Supervisors) نقشی حیاتی دارند؛ آنها حلقه اتصال بین مدیران و اپراتورها هستند. یک سرپرست موفق باید علاوه بر تجربه عملی، توانایی مدیریت تیم، تصمیم‌گیری سریع در شرایط بحرانی و رعایت دقیقSOP ها را داشته باشد. وی باید بتواند رفتار کارکنان را در مواجهه با خطا یا نقص اصلاح کند و با فرهنگ ایمنی و نظم محیطی (Housekeeping / 5S) آشنا باشد.در سطح عملیاتی، اپراتورها و تکنسین‌ها ستون فقرات کارخانه هستند. اپراتورهای ماشین‌آلات ویبره‌پرس، قالب‌گیرها، کارگران Curing و Demoulding باید مهارت‌های فنی دقیق، درک از رفتار بتن در زمان قالب‌ریزی و تجربه کار با تجهیزات را داشته باشند. برای هر ایستگاه کاری باید «Standard Operating Procedure»تدوین گردد که شامل روش گام‌به‌گام انجام کار،

شاخص‌های کنترل کیفیت و چک‌لیست ایمنی است. این SOP ها باید به‌صورت تصویری و ساده در محل هر ایستگاه نصب شوند تا اپراتور بتواند آن را به‌صورت لحظه‌ای مرور کند.

نظام آموزشی در کارخانه باید ترکیبی ازآموزش در حین کار، Technical Certification (گواهی مهارت فنی) و Refresher Courses (دوره‌های بازآموزی سالانه) باشد. آموزش‌ها باید توسط دپارتمان HSE و کنترل کیفیت هماهنگ شود تا هم مهارت فنی و هم فرهنگ ایمنی تقویت گردد.از منظر انگیزش، نظام ارزیابی عملکرد (Performance Appraisal System) باید بر اساس شاخص‌های عینی باشد؛ مانند نرخ ضایعات کمتر از ۱٪، رعایت زمان سیکل تولید، مشارکت در پیشنهادهای بهبود(Kaizen) ، و حضور در برنامه‌های آموزشی. پاداش و ارتقاء شغلی باید بر پایه‌ی ترکیبی از مهارت فنی، انضباط کاری و روحیه تیمی انجام شود. در کارخانه‌های موفق، ارتقاء از کارگر ساده به تکنسین، و سپس به سرپرست از مسیر «Skill Matrix»صورت می‌گیرد؛ یعنی هر فرد پس از کسب صلاحیت در چند مهارت کلیدی (مثلاً کنترل کیفیت سطح، مونتاژ قالب، ایمنی جرثقیل) به سطح بالاتر ارتقاء می‌یابد.در بُعد فرهنگی، پیاده‌سازی نظام Kaizen و ۵S (Sort, Set in order, Shine, Standardize, Sustain) برای افزایش نظم، ایمنی و بهره‌وری ضروری است. باید جلسات کوتاه روزانه (Toolbox Meeting)برگزار شود که در آن سرپرست نکات ایمنی، مشکلات تولید و پیشنهادهای بهبود را با تیم مرور کند. این جلسات ضمن ارتقای آگاهی، موجب حس مشارکت و تعلق در کارکنان می‌شود.در حوزه ایمنی و سلامت شغلی، اجرای Safety Induction Plan برای هر نیروی جدید اجباری است. این برنامه باید شامل آشنایی با خطرات کارخانه(Crane Area) ، Steam Zone، (Electrical Rooms، آموزش استفاده ازPPE ، دستورالعمل‌های اضطراری و گزارش حادثه باشد. در کنار آن، کمیته HSE باید به‌صورت ماهانه وضعیت انطباق با ISO 45001 را پایش کند و نتایج را در بردهای شفاف اطلاع‌رسانی نماید.در نهایت، کارخانه‌های موفق پیش‌ساخته با درک این نکته که فناوری بدون انسان آموزش‌دیده بی‌معناست، سرمایه‌گذاری عمده‌ای بر نیروی انسانی خود انجام می‌دهند. آنها می‌دانند که کیفیت بتن، دقت قالب‌گیری و سلامت قطعه قبل از هر چیز به دستان، ذهن و وجدان کاری اپراتور بستگی دارد. بنابراین، توسعه نیروی انسانی نه‌تنها یک وظیفه منابع انسانی بلکه یک ضرورت مهندسی است — زیرا

در صنعتی که هر میلی‌متر خطا می‌تواند یک شکست سازه‌ای باشد، تنها نیروی انسانی آموزش‌دیده، متعهد و با انگیزه است که می‌تواند پایداری واقعی سیستم تولید را تضمین کند.

دومین مؤلفه از این بخش به ماشین (Machine).و تجهیزات اشاره میکند در تولید صنعتی قطعات بتنی، تجهیزات و ماشین‌آلات شاملBatching Plant ، Concrete Distributor، Mould Systems، Steam Curing Chambers، و Lifting Devices هستند. نگهداری و تعمیرات به‌موقع (Maintenance & Reliability) برای حفظ عملکرد پایدار این تجهیزات ضروری است. شاخص‌هایی نظیر(OEE (Overall Equipment Effectiveness ، MTBF (Mean Time Between Failures)و MTTR (Mean Time To Repair) برای تحلیل کارایی ماشین‌ها به کار می‌روند. طراحی و اجرای یک Preventive Maintenance Plan (PM)یا حتی Predictive Maintenance (PdM) مبتنی بر داده‌های IoT می‌تواند از توقف‌های ناگهانی و اتلاف تولید جلوگیری کند. ماشین‌آلات و تجهیزات در فرآیند تولید صنعتی قطعات پیش‌ساخته بتنی نقشی اساسی و حیاتی ایفا می‌کنند، زیرا کل چرخه تولید از مرحله آماده‌سازی مواد تا خروج قطعه نهایی به عملکرد صحیح و هماهنگ این تجهیزات وابسته است. دومین مؤلفه از نظام تولید صنعتی، به‌طور ویژه بر ماشین (Machine) و تجهیزات (Equipment) تمرکز دارد و هدف آن تضمین تداوم، کارایی، و قابلیت اطمینان عملکردی این دارایی‌هاست. در چنین کارخانه‌هایی مجموعه‌ای از تجهیزات مکانیکی، برقی و هیدرولیکی به‌صورت پیوسته با هم کار می‌کنند تا تولید دقیق، سریع و با کیفیت بالا انجام شود. مهم‌ترین این تجهیزات عبارت‌اند از: Batching Plant، Concrete Distributor، Mould Systems، Steam Curing Chambers و Lifting Devices که هر یک نقشی منحصربه‌فرد در فرایند دارند.

سومینM ، یعنیMaterial ، به کیفیت و مدیریت مواد اولیه اشاره دارد. در کارخانه‌های پیش‌ساخته، انتخاب سیمان، سنگدانه، افزودنی‌ها و فولاد آرماتور با استانداردهای فنی دقیق، پیش‌شرط اصلی تولید قطعات با دوام بالا است. ایجاد Material Traceability System و Batch Record Controlموجب می‌شود هر قطعه به‌طور دقیق به ترکیب و تاریخ تولید خاصی مرتبط باشد. همچنین، به‌کارگیری Inventory Management Systems (ERP/MRP) برای کنترل موجودی، زمان سفارش مجدد و جلوگیری از Stockout یا Overstock ضروری است. رعایت اصول FIFO (First In, First Out) در انبار مصالح و کنترل رطوبت و دما از دیگر الزامات بخش Material محسوب می‌شود.

چهارمین عنصر، Method، شامل کلیه فرآیندها، دستورالعمل‌ها و استانداردهای کاری است که چارچوب اجرای عملیات را مشخص می‌کنند. در تولید قطعات پیش‌ساخته، روش‌های طراحی قالب، ترتیب بتن‌ریزی، ویبراسیون، عمل‌آوری، جداسازی و حمل باید بر اساس Work Instructions (WIs)و Process Flow Diagrams (PFDs) استانداردسازی شوند. استفاده از ابزارهای Lean Manufacturing Value Stream Mapping (VSM)و Standard Workمی‌تواند موجب کاهش اتلاف، افزایش سرعت و بهبود کیفیت فرآیندها گردد. همچنین، در کنار آن باید سیستم Quality Management System (QMS) مطابق با ISO 9001 برای پایش و بهبود مستمر فرآیندها پیاده‌سازی شود.

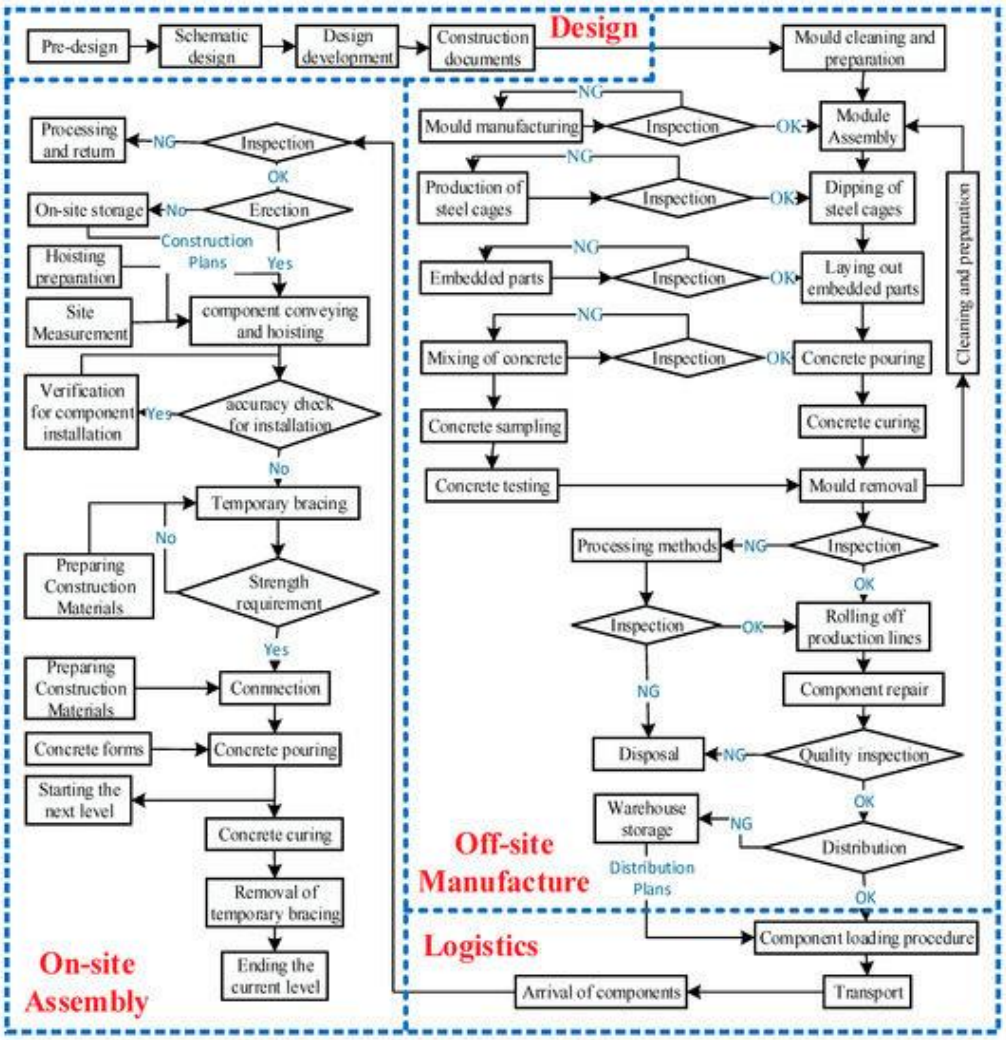

شکل ۳-۱۵ – نموداری جامع از فرآیند تولید، حمل‌ونقل و نصب قطعات پیش‌ساخته بتنی

شکل ۳-۱۵ یک نمودار جامع فرآیندی تولید، حمل‌ونقل و نصب قطعات پیش‌ساخته بتنی را نشان می‌دهد که تمام مراحل از طراحی اولیه تا اجرا در محل پروژه را در قالب سه بخش اصلی معرفی می‌کند: طراحی (Design)، تولید خارج از سایت (Off-site Manufacture) و مونتاژ در محل (On-site Assembly)، به همراه بخش پایانی لجستیک (Logistics). این نمودار ساختاری دقیق و نظام‌مند از چرخه کامل تولید صنعتی ساختمان‌های پیش‌ساخته را ارائه می‌دهد و روابط میان طراحی، کنترل کیفیت، تولید، حمل و نصب را مرحله‌به‌مرحله نشان

می‌دهد.در بخش نخست با عنوان Design (طراحی)، فرآیند از مرحله پیش‌طراحی (Pre-design) آغاز می‌شود که در آن نیازهای پروژه، کاربری سازه، الزامات فنی و محدودیت‌های معماری بررسی می‌گردد. سپس به مرحله Schematic Design (طراحی مفهومی) می‌رسد که در آن طرح کلی، ابعاد قطعات و نحوه مونتاژ مشخص می‌شود. در مرحله بعد یعنی Design Development (توسعه طراحی)، جزئیات سازه‌ای و اتصالات تکمیل می‌شود و در نهایت مرحله Construction Documents (مدارک اجرایی) شامل نقشه‌های دقیق، جزئیات قالب‌ها، آرماتوربندی و روش ساخت تهیه می‌گردد. این اسناد پایه‌ای برای تولید و نصب قطعات در مراحل بعدی هستند.بخش دوم، یعنی Off-site Manufacture (تولید خارج از سایت)، هسته اصلی فرآیند صنعتی است. این قسمت با Mould Cleaning and Preparation (تمیزکاری و آماده‌سازی قالب‌ها) آغاز می‌شود که هدف آن اطمینان از سلامت قالب‌ها، روغن‌کاری مناسب و آماده‌سازی برای تولید است. سپس Mould Manufacturing (ساخت قالب) انجام می‌شود و پس از آن Inspection (بازرسی) توسط واحد کنترل کیفیت صورت می‌گیرد تا از دقت ابعاد و استحکام اطمینان حاصل شود. در صورت تأیید، قالب‌ها وارد مرحله Module Assembly (مونتاژ قالب‌ها) می‌شوند و سپس مرحله Dipping of Steel Cages (آماده‌سازی و فروبردن قفسه‌های فولادی) برای جلوگیری از زنگ‌زدگی و بهبود چسبندگی انجام می‌شود.

در ادامه، Laying Out Embedded Parts (نصب قطعات مدفون) صورت می‌گیرد که شامل صفحات فلزی، بولت‌ها و جعبه‌های اتصال است. سپس بتن بر اساس طرح اختلاط مشخص آماده و Concrete Pouring (بتن‌ریزی) در قالب انجام می‌شود. بعد از آن مرحله Concrete Curing (عمل‌آوری بتن) برای دستیابی به مقاومت مورد نیاز صورت می‌گیرد. پس از رسیدن به مقاومت لازم، قالب‌ها باز شده و قطعه از قالب جدا می‌شود که این بخش با عنوان Mould Removal (خارج کردن قالب) مشخص شده است.

در این مرحله، قطعات تولیدی تحت یک سری از Inspection (بازرسی‌ها) قرار می‌گیرند تا کیفیت سطحی، ابعاد و استحکام آن‌ها بررسی شود. در صورت وجود نقص، قطعه به بخش Component Repair (تعمیر قطعه) یا در صورت غیرقابل استفاده بودن به Disposal (دفع) هدایت می‌شود. اگر قطعه تأیید شود، وارد مرحله Rolling Off Production Lines (خروج از

خط تولید) می‌شود. سپس وارد مرحله Quality Inspection (بازرسی نهایی کیفیت) شده و در صورت تأیید نهایی، برای Warehouse Storage (انبارش) آماده می‌شود.
پس از انبارش، بخش Distribution (توزیع) آغاز می‌شود که بر اساس Distribution Plans (برنامه‌های توزیع) تعیین می‌کند کدام قطعه به کدام پروژه ارسال شود. در این بخش کنترل لجستیکی دقیق انجام می‌شود تا از آسیب در هنگام بارگیری و حمل جلوگیری شود.

بخش سوم، Logistics (لجستیک)، پل ارتباطی میان کارخانه و محل نصب است. این مرحله شامل Component Loading Procedure (رویه بارگیری قطعات) است که در آن از جرثقیل‌های سقفی، تاورکرین و تجهیزات حمل سنگین استفاده می‌شود تا قطعات به‌صورت ایمن بارگیری شوند. سپس مرحله Transport (حمل‌ونقل) انجام می‌گیرد که از طریق کامیون‌های مخصوص و همراه با سیستم مهارکننده انجام می‌شود تا از آسیب فیزیکی و تغییر شکل در مسیر جلوگیری گردد. پس از رسیدن قطعات به محل پروژه، مرحله Arrival of Components (ورود قطعات) انجام می‌شود و فرآیند نصب آغاز می‌گردد.

در بخش آخر با عنوان On-site Assembly (مونتاژ در محل)، عملیات نصب قطعات در پروژه انجام می‌شود. در ابتدا Site Measurement (اندازه‌گیری و کنترل محل نصب) برای اطمینان از دقت محل استقرار انجام می‌شود. سپس Hoisting Preparation (آماده‌سازی جرثقیل و تجهیزات بالابر) صورت می‌گیرد. قطعات با دقت توسط اپراتور جرثقیل جابجا شده و به‌صورت موقت در محل قرار می‌گیرند. در این مرحله Verification for Component Installation (تأیید صحت نصب قطعه) انجام می‌شود و اگر موقعیت نصب دقیق باشد، وارد مرحله بعد می‌شود، در غیر این صورت، عملیات Temporary Bracing (مهاربندی موقت) انجام می‌گیرد تا تاخیر یا جابجایی اصلاح شود.سپس کنترل مقاومت سازه‌ای و Strength Requirement Check (بررسی الزامات مقاومت) انجام می‌شود تا از پایداری سازه اطمینان حاصل گردد. اگر مقاومت کافی تأیید شود، عملیات Connection (اتصال قطعات) آغاز می‌شود که شامل جوشکاری، تزریق دوغاب، یا پیچ و مهره است. پس از اتصال، مرحله Concrete Pouring (بتن‌ریزی در درزهای اتصال) انجام می‌شود تا قطعات به‌صورت یکپارچه به هم متصل شوند.

سپس بتن عمل‌آوری شده و پس از دستیابی به مقاومت لازم، Removal of Temporary Bracing (برداشتن مهاربندی موقت) انجام می‌شود و پروژه به سطح بعدی ساخت منتقل می‌گردد.

در نهایت، فرآیند Starting the Next Level (آغاز طبقه بعدی) یا پایان مرحله فعلی بسته به نوع پروژه اجرا می‌شود. این چرخه تا کامل شدن کل سازه ادامه می‌یابد.در مجموع، این نمودار با جزئیات فراوان تمام مراحل از طراحی تا نصب نهایی قطعات پیش‌ساخته بتنی را نشان می‌دهد. ارتباط بین فرآیندهای طراحی، تولید صنعتی، کنترل کیفیت، حمل‌ونقل و نصب به‌صورت زنجیره‌ای و کنترل‌شده برقرار است. این مدل تضمین می‌کند که هر مرحله فقط در صورت تأیید فنی مرحله قبلی آغاز شود و در نتیجه خطاها و دوباره‌کاری‌ها به حداقل برسند.از منظر مدیریتی، این سیستم جریان کاری موجب افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه، حفظ کیفیت، بهبود ایمنی و تسریع پروژه‌های ساختمانی صنعتی می‌شود. درواقع این نمودار تصویری دقیق از چرخه حیات یک قطعه پیش‌ساخته بتنی از لحظه تولد در کارخانه تا استقرار در ساختمان نهایی است و نقش آن در تحقق ساخت‌وساز صنعتی و پایدار بسیار حیاتی است.

ارتباط میان این چهار مؤلفه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. برای مثال، عملکرد مناسب ماشین بدون آموزش کافی نیروی انسانی یا مواد باکیفیت امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، اگر روش‌های اجرایی (Method) مستند و استاندارد نباشند، حتی بهترین ماشین‌آلات نیز نمی‌توانند محصولی قابل‌اعتماد تولید کنند. به همین دلیل، در سیستم‌های مدرن تولید، از ابزارهایی مانند Fishbone Diagram (Ishikawa) و ۴M-Analysis in Root Cause Investigation برای شناسایی منبع واقعی مشکلات استفاده می‌شود. پیاده‌سازی اصول ۴ M (Man, Machine, Material, Method)در کارخانه تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی نه تنها یک رویکرد مدیریتی نظری نیست، بلکه ابزاری عملی و کلیدی برای دستیابی به بهره‌وری بالا، کیفیت پایدار و کاهش هزینه‌های تولید محسوب می‌شود. وقتی این سیستم به‌درستی اجرا شود، تمام بخش‌های کارخانه از مرحله طراحی و تولید تا انبارش و حمل‌ونقل، در یک چارچوب منظم، قابل‌کنترل و قابل‌پایش عمل می‌کنند. در ادامه به تأثیرات و کمک‌های واقعی اجرای این مدل در عملکرد کارخانه اشاره می‌شود.

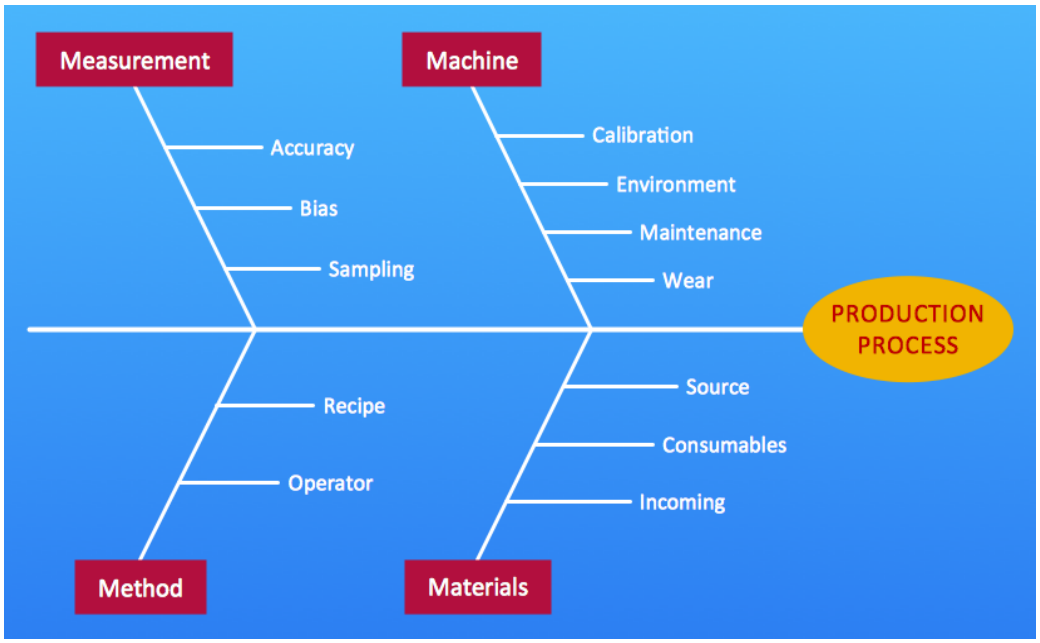

شکل ۳-۱۶- نمودار استخوان ماهی Fishbone Diagram چهار عامل موثر در کارخانه

شکل ۳-۱۶ یک نمودار استخوان ماهی (Fishbone Diagram) یا نمودار علت و معلول (Ishikawa Diagram) را نشان می‌دهد که برای تحلیل علل احتمالی بروز مشکل در یک فرآیند تولید استفاده می‌شود. در اینجا محور اصلی نمودار به Production Process (فرآیند تولید) منتهی می‌شود و شاخه‌های فرعی چهار دسته اصلی از عوامل مؤثر بر کیفیت و عملکرد تولید را نشان می‌دهند: Machine (ماشین)، Method (روش)، Materials (مواد) و Measurement (اندازه‌گیری). این چهار عامل، به‌عنوان M۴ اصلی در مهندسی تولید شناخته می‌شوند. هدف از این نمودار، شناسایی و تحلیل همه‌ی عواملی است که ممکن است موجب خطا، انحراف یا افت کیفیت در فرآیند تولید شوند تا بتوان راهکار اصلاحی مناسب ارائه کرد.

- Machine (ماشین‌آلات و تجهیزات)

ماشین‌ها و تجهیزات نقش حیاتی در پایداری فرآیند تولید دارند و خرابی یا تنظیم نبودن آن‌ها می‌تواند مستقیماً کیفیت محصول را تحت تأثیر قرار دهد. در این شاخه چهار عامل فرعی آمده است:

Calibration (کالیبراسیون): اگر تجهیزات اندازه‌گیری یا ماشین‌ها به‌درستی کالیبره نشده باشند، دقت تولید پایین می‌آید.

Environment (محیط): شرایط دمایی، رطوبت و ارتعاشات محیطی ممکن است بر عملکرد ماشین تأثیر منفی بگذارد.

Maintenance (نگهداری): عدم انجام سرویس‌های منظم باعث خرابی ناگهانی، افت سرعت یا کاهش دقت دستگاه‌ها می‌شود.

Wear (سایش): قطعات مکانیکی به مرور دچار فرسایش می‌شوند و باید طبق برنامه تعویض شوند تا عملکرد صحیح حفظ گردد.

در واقع، مدیریت وضعیت ماشین‌ها (Machine Health Management) و اجرای برنامه نگهداری پیشگیرانه (Preventive Maintenance) در این بخش حیاتی است تا فرآیند تولید بدون توقف و با کیفیت پایدار ادامه یابد.

۲. Method (روش تولید و اجرای فرآیند)

روش‌های کاری و نحوه اجرای فرآیند از دیگر عوامل کلیدی در کنترل کیفیت هستند. در این شاخه دو مؤلفه آمده است:

Recipe (دستورالعمل یا فرآیند تولید): شامل ترتیب مراحل، زمان‌بندی، دمای عملیات، و جزئیات فرآیندی است که باید دقیقاً طبق استاندارد اجرا شود. در صنایع بتنی، مثلاً ترتیب اختلاط یا زمان ویبره باید ثابت بماند.

Operator (اپراتور): مهارت و دقت اپراتور در اجرای روش تولید تأثیر مستقیمی بر کیفیت دارد. خطای انسانی، بی‌دقتی یا ناآشنایی با دستورالعمل‌ها می‌تواند باعث تولید قطعات معیوب شود. در این بخش معمولاً آموزش اپراتور، استانداردسازی روش‌ها (SOPs) و کنترل انحرافات فرآیندی از اهمیت ویژه برخوردار است.

۳. Materials (مواد اولیه)

کیفیت مواد ورودی اساس یک تولید موفق است. اگر مواد اولیه ناسازگار یا خارج از مشخصات باشند، حتی بهترین ماشین‌ها نیز نمی‌توانند محصولی باکیفیت تولید کنند. در این شاخه سه عامل آمده است:

Source (منبع تأمین): انتخاب تأمین‌کننده معتبر و کنترل کیفیت ورودی مواد اهمیت دارد. تغییر منبع تأمین ممکن است منجر به تفاوت در ترکیب مواد شود.

Consumables (مصرفی‌ها): مواد مصرفی مانند روان‌کننده‌ها، روغن قالب، افزودنی‌های بتن یا قطعات یدکی باید با کیفیت و به‌موقع تأمین شوند.

Incoming (ورودی‌ها): فرایند پذیرش و بازرسی مواد هنگام ورود به کارخانه باید استاندارد باشد تا از ورود مواد معیوب جلوگیری شود.

به‌طور خلاصه، مدیریت مواد دربرگیرنده کنترل کیفیت ورودی (Incoming Quality Control - IQC) و ایجاد ارتباط پایدار با تأمین‌کنندگان قابل اعتماد است.

۴. Measurement (اندازه‌گیری و کنترل کیفیت)

اندازه‌گیری‌ها و روش‌های پایش کیفی نقش کلیدی در اطمینان از صحت نتایج و ثبات فرآیند دارند. در این بخش سه زیرعامل دیده می‌شود:

Accuracy (دقت): ابزارهای اندازه‌گیری باید دقت کافی داشته باشند تا نتایج صحیح به دست آید. هرگونه خطا در ابزارها می‌تواند موجب تصمیمات نادرست شود.

Bias (انحراف سیستماتیک): اگر ابزار یا روش اندازه‌گیری دچار خطای ثابت (Bias) باشد، نتایج همه نمونه‌ها به‌صورت غلط تغییر می‌کند.

Sampling (نمونه‌برداری): روش نمونه‌برداری باید علمی و تصادفی باشد تا نتایج نشان‌دهنده کل تولید باشند. نمونه‌گیری ضعیف می‌تواند باعث ارزیابی نادرست کیفیت شود.

به عبارتی، بدون سیستم اندازه‌گیری دقیق و قابل اعتماد، کنترل کیفیت واقعی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، در این بخش استقرار سیستم‌های Calibration Management و ممیزی ابزارهای اندازه‌گیری (Gauge R&R) از اهمیت بالایی برخوردار است.این نمودار به ما نشان می‌دهد که کیفیت نهایی محصول نتیجه تعامل و توازن چهار عامل اصلی است — ماشین، روش، مواد و اندازه‌گیری. هرگونه ضعف در یکی از این عوامل می‌تواند منجر به ناپایداری فرآیند یا کاهش کیفیت شود. به عنوان مثال

اگر ماشین کالیبره نباشد (Machine → Calibration)، بتن با نسبت نادرست اختلاط تولید می‌شود.

اگر دستورالعمل تولید رعایت نشود (Method → Recipe)، تراکم بتن کافی نخواهد بود.
اگر مواد اولیه از منبع غیرقابل اطمینان تهیه شوند (Materials → Source)، مقاومت نهایی کاهش می‌یابد.
و اگر ابزار اندازه‌گیری خطا داشته باشند (Measurement → Accuracy)، کنترل کیفیت واقعی نخواهد بود.
بنابراین، برای بهبود مستمر (Continuous Improvement) در فرآیندهای صنعتی به‌ویژه در صنایع پیش‌ساخته بتنی، لازم است تحلیل علت و معلول از طریق چنین نمودارهایی به‌صورت دوره‌ای انجام شود تا ریشه مشکلات شناسایی و اقدامات اصلاحی (Corrective Actions) به‌موقع اجرا شوند.

در بخش نیروی انسانی، پیاده‌سازی 4M به شرکت کمک می‌کند تا از طریق ارزیابی شایستگی‌ها (Competency Assessment) و برگزاری دوره‌های آموزشی فنی و ایمنی (Technical & Safety Training)، مهارت و آگاهی پرسنل را ارتقا دهد. این امر باعث کاهش خطاهای انسانی، افزایش دقت در مراحل قالب‌بندی، بتن‌ریزی و جابجایی، و بهبود Quality Consistencyمحصولات می‌شود. همچنین، با تعریف دقیق Roles & Responsibilities برای هر بخش، ارتباط میان تیم‌های تولید، کنترل کیفیت و تعمیرات شفاف‌تر شده و از تداخل وظایف جلوگیری می‌شود. فرهنگ) Continuous Improvementبهبود مستمر (و نظام 5Sدر محیط کار نیز به نظم، ایمنی و روحیه کاری بالاتر منجر می‌شود.
در مؤلفه دوم یعنی) Machineماشین‌آلات(، اجرای اصول ۴ Mموجب استقرار سیستم نگهداری هوشمند و پیشگیرانه (Preventive & Predictive Maintenance) می‌گردد. با تحلیل داده‌های عملکردی و شاخص‌هایی نظیر OEE، MTTR، MTBF، مدیریت می‌تواند نقاط ضعف تجهیزات را شناسایی و پیش از بروز خرابی، اقدام اصلاحی انجام دهد. استفاده از IoT Sensorsو Maintenance Management Software (CMMS)، اطلاعات دقیقی از وضعیت واقعی دستگاه‌ها ارائه می‌دهد و باعث کاهش توقف‌های ناگهانی و افزایش عمر مفید تجهیزات

می‌شود. در نتیجه، برنامه تولید بدون وقفه اجرا شده و Downtime Costکارخانه به حداقل می‌رسد.

در بخش) Materialمواد اولیه(، کاربرد ۴ Mباعث ایجاد شفافیت کامل در زنجیره تأمین و مصرف مصالح می‌شود. با پیاده‌سازی ERP-based Material Tracking، هر واحد تولیدی می‌داند که چه نوع سیمان، سنگدانه یا میلگردی در هر بچ استفاده شده است. این قابلیت) Traceabilityقابلیت ردیابی(، کیفیت محصول را تضمین کرده و در صورت بروز مشکل، امکان Root Cause Analysisدقیق فراهم می‌شود. همچنین، استفاده از سیستم‌های هوشمند Inventory Managementو روش FIFOباعث جلوگیری از فساد یا تغییر خواص مصالح در انبار و کاهش Material Wasteمی‌گردد. علاوه بر آن، داده‌های دقیق مصرف مواد، مبنایی برای کنترل هزینه و برنامه‌ریزی خرید هوشمند فراهم می‌آورند.چهارمین M یعنی Method)روش‌ها و فرآیندها (به ایجاد استانداردسازی و نظم در عملیات کارخانه کمک می‌کند. تدوین Standard Operating Procedures (SOPs)و Work Instructions (WIs)برای تمامی مراحل از قالب‌سازی تا حمل قطعه، موجب می‌شود فرآیندها تکرارپذیر و قابل‌کنترل باشند. با استفاده از ابزارهای Lean Manufacturingنظیر Value Stream Mapping (VSM)و Kaizen Events، کارخانه می‌تواند نقاط اتلاف (Waste) در جریان تولید را شناسایی و حذف کند. به‌عنوان مثال، زمان‌های بیکاری قالب‌ها، تداخل در حمل قطعات یا تأخیر در تأمین بتن با تحلیل متدولوژی ۴ Mقابل‌کاهش است.

ادغام چهار عنصر ۴ Mدر قالب یک Integrated Production Systemمنجر به هم‌افزایی و پایداری در عملکرد کل مجموعه می‌شود. برای مثال، وقتی آموزش کارکنان (Man) با داده‌های نگهداری ماشین‌ها (Machine) و کیفیت مواد اولیه (Material) در یک پلتفرم مشترک مثل MES (Manufacturing Execution System)یا BIM-Integrated Factory Dashboard ثبت و تحلیل شود، مدیریت قادر خواهد بود تصمیمات بهینه‌سازی را بر مبنای داده واقعی (Data-Driven Decision Making)اتخاذ کند. این ساختار علاوه بر افزایش بهره‌وری، موجب Real-Time Quality Controlو کاهش ضایعات (Scrap Rate) نیز می‌شود.

در بُعد ایمنی و پایداری، اجرای ۴ Mنقش مستقیم در HSE Performanceدارد. نیروی انسانی آموزش‌دیده، تجهیزات سالم، مواد ایمن و روش‌های استاندارد موجب کاهش حوادث کاری،

جلوگیری از آسیب تجهیزات و رعایت الزامات محیط‌زیستی می‌شود. همچنین، در حوزه مالی و مدیریتی، استقرار این سیستم باعث افزایش Return on Assets (ROA)و کاهش هزینه‌های Cost per Unitخواهد شد.

در مجموع، پیاده‌سازی واقعی ۴ Mدر یک کارخانه تولید قطعات پیش‌ساخته، یک تحول بنیادین در سیستم تولید ایجاد می‌کند. این تحول از حالت سنتی و تجربه‌محور به سمت یک ساختار Systematic, Data-Oriented, and Process-Controlled Manufacturingحرکت می‌کند. نتیجه آن، افزایش راندمان، بهبود کیفیت، کاهش خطا، و ارتقای اعتبار برند کارخانه در بازار رقابتی است. در نهایت، ۴ Mنه تنها ابزاری برای کنترل تولید بلکه یک چارچوب مدیریتی جامع برای Operational Excellenceو Sustainable Growthکارخانه محسوب می‌شود.

Manpower	
He/she is responsible	He/she understands our working procedures
He/she is qualified	His/her work is efficient
He/she is experienced	He/she is fit and healthy
He/she is trained for the job	He/she gets along with coworkers
He/she follows our working procedures	He/she is motivated

Method	
Our standard is adequate	Method is safe
Standard is available in area	Method ensures good product
Sequence of work makes sense	Method is efficient
Work schedule is available	Product meets quality requirements
Parameters setup is adequate	Boundary samples are available

Material	
Material is available on time	Storage conditions are adequate
Material is in the right quantity	Material status is clear
Material is in good quality	Material handling is appropriate
Material is within due date	No issue in material flow or layout
No contamination found	Work in process is not abandoned

Machine	
Machine is capable of handling process	Lubrication is adequate
Machine has enough capacity	Inspection schedule is on time
Machine meets production requirements	No vibration or unusual noise
Machine meets precision requirements	Machine layout is adequate
Machine is in good working order	Preventative maintenance is done

جدول ۳-۱۷ – ضرورتهای الزامی در خصوص چهار عامل اصلی کارخانه

جدول۳-۱۷ ارزیابی و کنترل فرآیند تولید صنعتی را نشان می‌دهد که بر اساس چهار عامل کلیدی تولید یا همان ۴M (Manpower، Method، Material، Machine) تنظیم شده است.

هدف از این جدول، بررسی جامع تمام جنبه‌های مؤثر بر کیفیت، بهره‌وری و پایداری تولید است. این چهار مؤلفه به‌صورت یک سیستم یکپارچه عمل می‌کنند و اگر هرکدام دچار ضعف شوند، کل فرآیند تولید دچار خطا، کاهش راندمان یا افت کیفیت خواهد شد. در ادامه هر بخش به‌طور کامل توضیح داده می‌شود:

الف-الزامات مرتبط با نیروی انسانی Manpower

نیروی انسانی یکی از حیاتی‌ترین عناصر در هر فرآیند تولیدی است. در این جدول معیارهایی برای سنجش عملکرد و کیفیت نیروی کار مشخص شده‌اند.

کارگر یا اپراتور باید احساس مسئولیت داشته باشد و وظایف خود را با دقت انجام دهد.

باید مهارت و صلاحیت فنی لازم برای انجام کار را داشته باشد.

تجربه عملی در محیط تولید باعث کاهش خطا و افزایش سرعت کار می‌شود.

آموزش مناسب پیش از شروع کار، خطر اشتباهات را به حداقل می‌رساند.

رعایت دقیق دستورالعمل‌های کاری و ایمنی ضروری است.

آشنایی کامل با روش‌های کاری شرکت کیفیت کار را بالا می‌برد.

عملکرد فرد باید بهره‌ور و بدون اتلاف زمان باشد.

سلامت جسمی و روانی کارکنان برای حفظ ایمنی و کیفیت ضروری است.

همکاری و تعامل مناسب با همکاران به روانی جریان کار کمک می‌کند.

انگیزه بالا باعث تعهد کاری و افزایش بهره‌وری می‌شود.

بنابراین، مدیریت منابع انسانی باید بر آموزش، ارزیابی مستمر عملکرد، سلامت و انگیزش کارکنان تمرکز کند.

ب- الزامات مرتبط با Method (روش‌ها و فرآیندهای تولید)

روش تولید، استانداردهای کاری و دستورالعمل‌های اجرایی اساس کنترل کیفیت هستند. در این ستون، شاخص‌های بررسی کارایی و ایمنی روش‌ها آمده‌اند.

-استانداردهای فنی باید به‌روز و متناسب با نیاز تولید باشند.

-دستورالعمل‌ها باید در دسترس اپراتورها قرار گیرند.

- ترتیب مراحل کاری باید منطقی و بهینه باشد.

-زمان‌بندی تولید باید واضح و از پیش تعیین شده باشد.

- تنظیم پارامترهای تولید (مانند دما، سرعت، فشار) باید دقیق انجام شود.
- روش کاری باید از نظر ایمنی، خطرات را به حداقل برساند.
- فرآیند باید به تولید محصول باکیفیت منجر شود.
- روش‌ها باید زمان و هزینه تولید را کاهش دهند.
- نتیجه فرآیند باید با استانداردهای کیفی تطابق داشته باشد.
- نمونه‌های مرجع برای مقایسه و کنترل کیفیت باید موجود باشند.

در واقع این بخش بر استانداردسازی فرآیند (Standardization) و بهبود مستمر روش‌های تولید (Process Improvement) تأکید دارد.

ج- الزامات مرتبط با Material (مواد اولیه و مصرفی)

کیفیت مواد اولیه اساس تولید محصول خوب است. کنترل ورودی مواد (IQC) و مدیریت انبار در این بخش اهمیت دارد.

-مواد باید در زمان مورد نیاز در دسترس باشند تا خط تولید متوقف نشود.
- میزان مواد باید مطابق برنامه تولید باشد.
- مواد ورودی باید مطابق مشخصات فنی و بدون نقص باشند.
- تاریخ انقضا یا دوام مواد باید رعایت شود.
- مواد نباید آلوده یا مخلوط با ناخالصی باشند.
- شرایط نگهداری مواد (رطوبت، دما، تهویه) باید کنترل شود.
- وضعیت مواد (نو، استفاده‌شده، معیوب) باید مشخص باشد.
- جابجایی مواد باید به روش ایمن و استاندارد انجام شود.
- مسیر جریان مواد از انبار تا خط تولید باید روان باشد.
-مواد نیمه‌ساخته نباید رها یا فاسد شوند.

این بخش به مدیریت زنجیره تأمین (Supply Chain Management) و کنترل کیفیت مواد اولیه (Material Quality Control) مرتبط است.

د- الزامات مرتبط با Machine (ماشین‌آلات و تجهیزات تولید)

تجهیزات قلب فرآیند تولید هستند و عملکرد پایدار آن‌ها کیفیت و بهره‌وری را تعیین می‌کند.

- ماشین باید توان انجام وظایف مورد نیاز تولید را داشته باشد.
- ظرفیت ماشین باید با حجم تولید هماهنگ باشد.
- دقت، سرعت و توان ماشین باید استاندارد باشد.
- تلرانس‌ها و دقت ابعادی باید حفظ شود.
- ماشین باید سالم و آماده کار باشد.
- سیستم روغن‌کاری باید درست و به‌موقع انجام شود.
- زمان‌بندی بازبینی و سرویس باید طبق برنامه انجام شود.
- لرزش یا صدای غیرعادی نشانه نقص فنی است و باید بررسی شود.
- چیدمان ماشین‌ها باید منطقی، ایمن و بهره‌ور باشد.
- نگهداری پیشگیرانه باید به‌صورت منظم انجام گیرد تا از خرابی ناگهانی جلوگیری شود.

این بخش به مدیریت دارایی‌های فیزیکی (Asset Management) و نگهداری و تعمیرات صنعتی (Maintenance & Reliability) مربوط می‌شود.

۳-۵- پیوستگی تولید و اهمیت آن در طرح ریزی کارخانه

در سیستم‌های تولیدی و فرآیندهای صنعتی، مفهوم Coupling (کوپلینگ یا پیوستگی) به ارتباط و پیوند میان اجزای مختلف فرآیند اشاره دارد که امکان انتقال ماده، انرژی یا اطلاعات را از یک مرحله به مرحله بعد فراهم می‌کند. به بیان ساده‌تر، کوپلینگ همان چیزی است که باعث می‌شود عملیات مختلف در خط تولید یا یک سیستم صنعتی به‌صورت هماهنگ و یکپارچه کار کنند. بدون وجود کوپلینگ مؤثر، جریان تولید قطع می‌شود، هماهنگی بین واحدها از بین می‌رود و کیفیت و بهره‌وری سیستم به‌شدت افت می‌کند.در این مدل، سه نوع کوپلینگ اصلی وجود دارد: کوپلینگ فضایی-هندسی (Spatial-Geometric Coupling)، کوپلینگ زمانی (Temporal Coupling) و کوپلینگ کمی (Quantitative Coupling). هرکدام از این سه نوع، برای هماهنگی میان عملیات و تضمین انتقال درست ماده، انرژی و داده‌ها در فرآیند، نقشی کلیدی دارند. برای اینکه یک کوپلینگ به‌درستی عمل کند، شرط سازگاری (Compatibility

Condition) باید برقرار باشد. به این معنی که خروجی هر مرحله از نظر مکان (Space)، زمان (Time) و مقدار (Quantity) باید دقیقاً با ورودی مرحله بعدی تطابق داشته باشد. اگر این سازگاری برقرار نباشد، عملیات بعدی قادر به دریافت داده یا ماده نخواهد بود و زنجیره فرآیند قطع می‌شود. در چنین حالتی، یا باید طراحی اجزا اصلاح شود، یا تجهیزات جدیدی به سیستم اضافه گردد تا پیوند بین مراحل برقرار شود.

برای مثال در یک کارخانه پیش‌ساخته بتنی، فرض کنید مرحله قالب‌گیری در محل مشخصی انجام می‌شود و پس از آن قطعات باید به خط بخاردهی (Curing) منتقل شوند. اگر موقعیت هندسی (ریل یا مسیر جرثقیل)، زمان انتقال (تا قبل از گیرش اولیه بتن) و مقدار قطعات (تناسب ظرفیت اتاق بخار) هماهنگ نباشند، انتقال به‌درستی انجام نمی‌شود. در نتیجه بخشی از قطعات ممکن است خشک شوند، کیفیت بتن پایین آید و تولید با تأخیر روبه‌رو شود.اهمیت این سه عامل در مهندسی تولید بسیار زیاد است زیرا هرکدام نقش حیاتی در پایداری جریان تولید و یکپارچگی سیستم دارند.در صنایع پیشرفته، طراحی صحیح کوپلینگ‌ها یکی از معیارهای کلیدی در طراحی خطوط تولید خودکار (Automated Production Lines) است. مهندسان با استفاده از مدل‌سازی سه‌بعدی، شبیه‌سازی زمان‌بندی (Scheduling Simulation) و کنترل کمی دقیق، سازگاری بین تمام اجزا را تضمین می‌کنند. در ادامه هر سه مفهوم پیوستکی به صورت خلاصه تشریح میشوند:

-پیوستگی ساختاری:(Spatial coupling)

این نوع ارتباط به وابستگی مکانی اجزای فرآیند کارخانه اشاره مینماید یعنی ماشین‌آلات و بخش‌های تولیدی در کارخانه کجا و چگونه نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند و اگر جای تجهیزات درست انتخاب نشود، مسیرهای حمل‌ونقل طولانی و پرهزینه می‌شود(شکل ۳-۱۸). نمونه‌ی آن فاصله‌ی زیاد سیلوی سیمان تا میکسر یا دسترسی سخت جرثقیل به قالب‌ها است. پیامد چنین شرایطی افزایش زمان تولید و مصرف انرژی است. اما اگر این چیدمان به‌درستی طراحی شود، جریان مواد روان و کوتاه خواهد بود.وقتی از **چیدمان ساختاری** صحبت می‌کنیم، در حقیقت به **وابستگی مکانی اجزای فرآیند تولید** اشاره داریم. در یک کارخانه تولید قطعات پیش‌ساخته، هر تجهیز، هر ماشین و هر بخش خط تولید در جایی از سالن یا محوطه قرار گرفته است. این جایگاه‌ها، فقط یک تصمیم معماری یا نقشه‌کشی ساده نیستند، بلکه مستقیماً بر **بهره‌وری**،

سرعت تولید، مصرف انرژی و حتی کیفیت محصول نهایی اثر می‌گذارند.تصور کنید یک کارخانه Hollow Core Slab را که در آن میکسر در ابتدای سالن قرار دارد، اما بسترهای تولید در نقطه‌ای دور و در دسترس جرثقیل دیگری هستند. اگر فاصله بین میکسر و بستر زیاد باشد، بتن تازه باید مسافت طولانی‌تری را طی کند.

۳-۱۸-در کارخانجات تولید قطعات پیش ساخته چرخه کاملی از انواع تجهیزات اتوماتیک و نیمه اتوماتیک در تمامی بخشهای تولید اثر گذار می باشند.

این مسافت طولانی، زمان حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد، نیاز به تجهیزات بیشتری مثل واگن‌ها یا نوار نقاله‌های طولانی دارد، و در نهایت **ریسک افت کیفیت بتن** (به دلیل زمان‌بر بودن انتقال) را بالا می‌برد. در این حالت چیدمان ساختاری به‌درستی رعایت نشده است.در مقابل، اگر میکسر دقیقاً در مجاورت بسترها یا در محلی قرار داشته باشد که با کوتاه‌ترین مسیر بتن به قالب برسد، عملیات ساده‌تر و اقتصادی‌تر خواهد بود. مثال دیگر مربوط به **سیلوهای سیمان و ایستگاه دوزینگ** است. در بسیاری از کارخانه‌ها مشاهده می‌شود که سیلوها در خارج از سالن

تولید نصب شده‌اند، اما لوله‌های انتقال سیمان مسیرهای طولانی را طی می‌کنند تا به میکسر برسند. اگر این مسیرها خیلی پیچیده یا طولانی باشند، احتمال گرفتگی، اتلاف انرژی و حتی خطای دوزینگ بالا می‌رود. طراحی درست چیدمان ساختاری ایجاب می‌کند که سیلوها در محلی نصب شوند که تغذیه مستقیم و ساده‌ای به میکسر داشته باشند.همین منطق در مورد **جرثقیل‌ها** نیز وجود دارد. جرثقیل سقفی یا دروازه‌ای وسیله اصلی جابجایی قالب‌ها، قطعات و تجهیزات در کارخانه‌های پیش‌ساخته است. اگر بسترها یا ایستگاه‌های تولید در موقعیتی قرار گیرند که جرثقیل نتواند دسترسی مستقیم داشته باشد، اپراتور مجبور می‌شود از مسیرهای غیرمستقیم یا تجهیزات جانبی مثل لیفتراک استفاده کند. این نه‌تنها زمان جابجایی را افزایش می‌دهد، بلکه ریسک آسیب‌دیدگی قطعه و حوادث ایمنی را هم بالا می‌برد.در کارخانه‌های مدرن Carousel یا خطی (خط گردش قالب‌ها)، چیدمان فضایی اهمیت مضاعفی دارد. در این سیستم‌ها قالب‌ها روی یک خط یا مسیر مشخص حرکت می‌کنند و از ایستگاه‌های مختلف می‌گذرند: آرماتوربندی، بتن‌ریزی، ویبراسیون، عمل‌آوری و در نهایت خروجی. اگر این ایستگاه‌ها در موقعیت‌های منطقی نسبت به هم قرار نگرفته باشند، کل چرخه مختل می‌شود. برای مثال اگر ایستگاه عمل‌آوری خیلی دور از ایستگاه بتن‌ریزی قرار گرفته باشد، قالب‌ها باید مسافت طولانی‌تری طی کنند و این باعث کاهش سرعت تولید خواهد شد. **چیدمان درست یعنی ایجاد یک جریان مستقیم و کوتاه بین مراحل.تولید و دقیقا** مثل یک خط مونتاژ خودرو، هر بخش باید به بخش بعدی نزدیک باشد و ارتباط فیزیکی ساده‌ای داشته باشد.موضوع دیگر مربوط به **انبارش** است. در کارخانه‌های پیش‌ساخته، قطعات تولیدی باید بعد از عمل‌آوری در محوطه‌ای ذخیره شوند. اگر انبار قطعات خیلی دور از سالن تولید باشد، جابجایی با لیفتراک یا تریلی زمان و هزینه زیادی خواهد برد. طراحی درست ایجاب می‌کند که انبار یا در مجاورت سالن تولید باشد یا در مسیری مستقیم که از سالن به بیرون کارخانه منتهی شود. بر همین اساس خروج قطعات برای حمل به پروژه هم ساده‌تر خواهد بود.از زاویه دیگر، چیدمان صحیح به **ایمنی و شرایط کاری** هم مربوط است. اگر تجهیزات در مکان‌های غیرمنطقی قرار گیرند، تداخل مسیر حرکت ماشین‌ها و کارگران پیش می‌آید. مثلاً اگر مسیر لیفتراک با مسیر دسترسی اپراتورها یکی باشد، خطر تصادف بالا می‌رود. بنابراین یکی از پیامدهای مهم طراحی غلط چیدمان، افزایش ریسک حوادث است.در کارخانه‌های بزرگ، چیدمان ساختاری حتی به طراحی مسیرهای داخلی و خیابان‌ها هم

مد نظر قرار میگیرد . کامیون‌های حمل مواد اولیه، لیفتراک‌ها، جرثقیل‌های متحرک و حتی کارکنان باید مسیرهای جداگانه و منطقی داشته باشند. هرچه این مسیرها کوتاه‌تر و ساده‌تر طراحی شوند، بهره‌وری بیشتر خواهد شد.از منظر اقتصادی، چیدمان صحیح رابطه مستقیم با **هزینه‌های حمل‌ونقل داخلی و مصرف انرژی** دارد. هر متر مسیر اضافه یعنی زمان بیشتر، سوخت بیشتر، برق بیشتر و در نهایت هزینه بیشتر. در یک کارخانه قطعات پیش‌ساخته که روزانه ده‌ها یا صدها حرکت جابجایی انجام می‌شود، در نظر نگرفتن چند متر اضافه در طول مسیر حرکت در سال به ده‌ها میلیون هزینه اضافی منجر می‌شود.بنابراین می‌توان گفت چیدمان یک اصل بنیادین در **طراحی کارخانه‌های پیش‌ساخته** است. اصول اساسی این طراحی طراحان را به موارد زیر الزام مینماید :

- مسیرهای حمل‌ونقل کوتاه و مستقیم باشند.
- دسترسی جرثقیل‌ها به همه نقاط آسان و فراگیر باشد .
- سیلوها و سیستم دوزینگ در نزدیکی میکسر قرار گیرند و ترجیحا دارای ذخیره بالا باشند و دارای مسیرهای کوتاه به سالن های تولید باشند.
- ایستگاه‌های تولید در ترتیب منطقی و بدون فاصله غیرضروری پشت‌سر هم باشند.
- انبارها در مجاورت خط تولید و نزدیک به خروجی کارخانه باشند و بتوانند براحتی تردد ماشین های خروجی را فراهم نمایند .
- مسیر حرکت ماشین‌آلات و کارکنان تداخل نداشته باشد.

به زبان ساده، چیدمان اجزا همان چیزی است که کارخانه را از یک **انبار شلوغ ماشین‌آلات** به یک **سیستم منظم تولید صنعتی** تبدیل می‌کند. بدون آن، هرچقدر هم ماشین‌آلات مدرن و گران‌قیمت باشند، بهره‌وری پایین خواهد بود. وقتی صحبت از چیدمان در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته می‌شود، قرار دادن تجهیزات و ایستگاه‌ها در مکان درست و هماهنگ با یکدیگراهمیت دو چندانی پیدا میکند.به صورت کلی این پارامترها در ۸ بخش دسته بندی میشوند:

۱. مسیر جریان مواد(Material flow path)

- مهم‌ترین اصل این است که مواد اولیه (سیمان، سنگدانه، آب، افزودنی‌ها) و بتن تازه کوتاه‌ترین و مستقیم‌ترین مسیر را طی کنند.
- هر متر اضافه در مسیر، یعنی هزینه حمل، زمان بیشتر و احتمال افت کیفیت بتن.

۲. مجاورت واحدهای اصلی(Proximity of core units)
- سیلوها باید نزدیک به میکسر باشند.
- میکسر باید در نزدیکی ایستگاه‌های قالب‌گیری قرار گیرد.
- محل عمل‌آوری باید بعد از قالب‌گیری در دسترس مستقیم باشد.

۳. دسترسی جرثقیل و تجهیزات جابجایی(Crane & transport accessibility)
- قالب‌ها، بسترها و محوطه انبار باید در محدوده کاری جرثقیل سقفی یا دروازه‌ای باشند.
- مسیر حرکت لیفتراک‌ها، واگن‌ها یا نوار نقاله‌ها نباید با هم تداخل داشته باشد.

٤. حداقل کردن تقاطع مسیرها(Crossing minimization)
- مسیر حمل بتن، مسیر حمل آرماتور و مسیر کارکنان باید جدا و بدون تقاطع خطرناک طراحی شود.
- تقاطع مسیرها = خطر تصادف + تأخیر.

٥. ارتباط سالن تولید با محوطه انبار و بارگیری
- قطعات آماده باید با کمترین جابجایی به محوطه انبار یا محل بارگیری کامیون منتقل شوند.
- اگر سالن تولید دور از محوطه خروجی کارخانه باشد، هزینه حمل داخلی افزایش می‌یابد.

٦. انعطاف‌پذیری برای توسعه(Flexibility for expansion)
- سالن تولید باید طوری چیده شود که امکان افزودن خط تولید جدید یا افزایش ظرفیت در آینده وجود داشته باشد.
- Couplingفضایی خوب یعنی طراحی با دید آینده‌نگر.

۷. ایمنی و ارگونومی محیط کار
   - مسیر حرکت کارگران باید از مسیر ماشین‌آلات جدا باشد.
   - نقاط پرخطر (مانند جرثقیل‌های متحرک) باید محدوده دید و کنترل خوبی داشته باشند.
۸. ارتباط واحدهای جانبی(Auxiliary units coupling)
   - واحد تعمیر و نگهداری، کارگاه آرماتوربندی، ایستگاه شستشوی قالب‌ها باید نزدیک به خط اصلی ولی بدون ایجاد مزاحمت باشند.
   - واحد کنترل کیفیت باید در دسترس ایستگاه بتن‌ریزی و عمل‌آوری باشد.

بر اساس همین هشت پارامتر مهم , اولین نکته‌ای که باید در این کارخانجات در نظر گرفت، مسیر جریان مواد است. مواد اولیه مثل سیمان، شن، ماسه و آب باید کوتاه‌ترین راه ممکن را تا میکسر طی کنند و بتن تازه هم باید بدون پیچ و خم و تأخیر به قالب برسد.

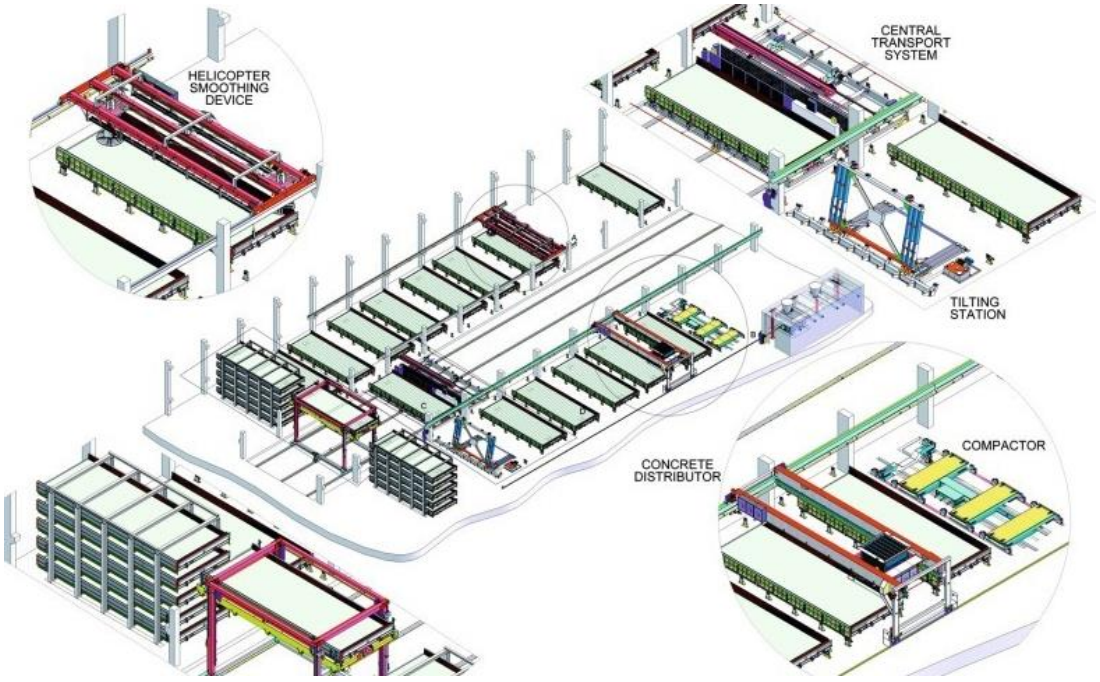

شکل ۳-۱۹- چیدمان ساختاری کارخانه تولید قطعات پیش ساخته (Confac, Denmark)

هرچه مسیرها طولانی‌تر باشند، هزینه حمل و احتمال افت کیفیت بتن بیشتر خواهد شد.عامل دوم، مجاورت واحدهای اصلی است. طراحی خوب یعنی سیلوهای سیمان درست در نزدیکی میکسر قرار بگیرند، میکسر در مجاورت ایستگاه‌های قالب‌گیری باشد و عمل‌آوری نیز بلافاصله بعد از قالب‌گیری انجام شود. اگر این توالی مکانی رعایت نشود، تولید با مشکل روبه‌رو خواهد شد.سومین نکته مهم، دسترسی جرثقیل‌ها و تجهیزات حمل است. جرثقیل‌های سقفی یا دروازه‌ای باید به تمام بسترها، قالب‌ها و نقاط کلیدی دسترسی داشته باشند. همچنین مسیر حرکت لیفتراک‌ها یا واگن‌ها باید بدون مانع و تداخل طراحی شود. اگر جرثقیل به بخشی نرسد یا لیفتراک مجبور به مسیرهای غیرمنطقی شود، کل روند کند خواهد شد.چهارمین نکته، حداقل کردن تقاطع مسیرها است. اگر مسیر حمل بتن با مسیر آرماتور یا مسیر رفت‌وآمد کارگران یکی باشد، هم خطر تصادف و حادثه بالا می‌رود و هم تولید کند می‌شود. بهترین طراحی این است که هر جریان کاری مسیر مستقل خودش را داشته باشد.عامل پنجم، ارتباط سالن تولید با محوطه انبار و بارگیری است. قطعات آماده باید با کمترین جابجایی به انبار منتقل شوند و در صورت نیاز، مستقیم روی کامیون بارگیری شوند. اگر سالن تولید خیلی دور از خروجی کارخانه باشد، هزینه‌های حمل داخلی و زمان انتقال بالا می‌رود.عامل ششم، انعطاف‌پذیری برای توسعه آینده است. یک کارخانه پیش‌ساخته معمولاً در طول زمان نیاز به افزایش ظرفیت یا اضافه کردن خط تولید جدید دارد. بنابراین سالن باید طوری طراحی شود که در آینده بتوان تجهیزات بیشتری اضافه کرد بدون اینکه کل جریان مختل شود.هفتمین نکته، ایمنی و ارگونومی محیط کار است. مسیر حرکت کارگران باید از مسیر لیفتراک‌ها و جرثقیل‌ها جدا باشد. نقاط پرخطر باید به‌خوبی علامت‌گذاری شوند و اپراتور دید کافی به محدوده کار داشته باشد. این موضوع علاوه بر ایمنی، باعث آرامش روانی و کارکرد بهتر کارکنان هم می‌شود.و در نهایت، هشتمین عامل مهم، ارتباط واحدهای جانبی است. بخش‌های کمکی مثل کارگاه آرماتوربندی، ایستگاه شستشوی قالب، واحد تعمیر و نگهداری و آزمایشگاه کنترل کیفیت باید در جایگاهی قرار گیرند که هم نزدیک خط اصلی تولید باشند و هم مزاحمتی برای جریان اصلی نداشته باشند. برای مثال، آزمایشگاه کنترل کیفیت باید به ایستگاه بتن‌ریزی و عمل‌آوری نزدیک باشد تا نمونه‌گیری سریع انجام شود.به طور خلاصه، چیدمان یعنی طراحی هوشمندانه موقعیت تجهیزات، به‌طوری‌که مواد، قطعات، ماشین‌ها و افراد در کوتاه‌ترین، ایمن‌ترین و روان‌ترین مسیر

حرکت کنند. اگر این هشت عامل مهم در زمان طراحی کارخانه رعایت شوند، کارخانه دارای کمترین مشکلات جریان مواد و استقرار خواهد بود و تولید با کمترین هزینه و بیشترین سرعت انجام خواهد شد.

پیوستگی زمانی:(Temporal coupling)

این پیوستگی به هماهنگی در زمان اجرای مراحل مختلف مربوط می‌شود. همه‌ی مراحل باید با یک ریتم مشخص و هماهنگ عمل کنند. برای مثال، چرخه میکسر باید با چرخه قالب‌ریزی یا ویبراسیون هماهنگ باشد. اگر یکی سریع‌تر یا کندتر از دیگری باشد، کل فرآیند دچار توقف یا گلوگاه می‌شود. در نتیجه، هماهنگی زمانی عامل اصلی جلوگیری از انتظار و افزایش بهره‌وری خط تولید است.وقتی از **همگرایی زمانی** سخن می‌گوییم، منظور ما **هماهنگی در ریتم، توالی و زمان‌بندی عملیات‌های مختلف در یک خط تولید** است. در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته، هر مرحله‌ی تولید وابسته به مرحله‌ی قبلی و بعدی است، و اگر این مراحل در زمان درست با هم هماهنگ نباشند، کل فرآیند دچار اختلال می‌شود.تصور کنید در یک کارخانه‌ی دال پیش‌تنیده(Hollow Core Slab) ، بتن‌ریزی باید دقیقاً در زمانی انجام شود که بستر آماده است، آرماتورگذاری و کابل‌کشی کامل شده‌اند، و تیم ویبراسیون هم آماده کار است. اگر بتن دیرتر از موعد برسد، آرماتورها و کابل‌ها معطل می‌مانند و کارگران بدون بازدهی در خط تولید می‌نشینند. اگر برعکس، بتن زودتر آماده شود اما قالب یا بستر هنوز آماده نباشد، بتن تازه باید در میکسر یا واگن باقی بماند و خطر افت کیفیت و حتی هدررفت وجود دارد. این همان مفهوم **عدم هماهنگی زمانی** یا شکست در همگرایی زمانی است.در واقع همگرایی زمانی یعنی هر بخش از کارخانه باید در ریتم و چرخه‌ی درستی با سایر بخش‌ها کار کند. به عبارت دیگر، **چرخه میکسر بتن باید با چرخه قالب‌گیری، ویبراسیون و عمل‌آوری هماهنگ باشد .**اگر یکی کندتر یا سریع‌تر از دیگری باشد، چیزی که در مهندسی تولید به آن «گلوگاه (Bottleneck) « می‌گوییم، ایجاد می‌شود.به عنوان مثال، فرض کنید میکسر هر ۶ دقیقه یک بچ بتن تولید می‌کند، اما پر کردن یک قالب بزرگ و ویبراسیون آن ۱۰ دقیقه طول می‌کشد. در اینجا بتن اضافه‌ای که در طی این ۴ دقیقه تولید می‌شود، جایی برای مصرف ندارد و یا باید در انتظار بماند (که کیفیت آن کاهش می‌یابد) یا باعث توقف موقت میکسر می‌شود. این نشان‌دهنده‌ی ضعف همگرایی

زمانی است. در مقابل، اگر ظرفیت میکسر و سرعت قالب‌گیری هماهنگ باشند، هیچ زمان تلف‌شده‌ای نخواهیم داشت و بهره‌وری سیستم بالا می‌رود.این موضوع در کارخانه‌های Carousel(خط گردشی قالب‌ها) حتی حساس‌تر است. در این سیستم، قالب‌ها روی یک خط متحرک حرکت می‌کنند و هر ایستگاه عملیاتی (آرماتوربندی، بتن‌ریزی، ویبراسیون، پرداخت سطح، عمل‌آوری) باید در یک **زمان استاندارد** کار را تمام کند. اگر یک ایستگاه دیرتر کارش را تمام کند، تمام ایستگاه‌های بعدی معطل می‌شوند. این حالت دقیقاً مثل یک ارکستر موسیقی است: اگر یکی از نوازندگان خارج از ریتم بزند، کل موسیقی خراب می‌شود .همگرایی زمانی در خط Carouselیعنی همه ایستگاه‌ها در یک ریتم هماهنگ کار کنند تا چرخه بدون توقف پیش برود.از منظر مدیریتی، همگرایی زمانی با **برنامه‌ریزی تولید** و **زمان‌بندی دقیق** گره خورده است. در کارخانه‌های مدرن، برای این کار از نرم‌افزارهای MES (Manufacturing Execution System)یا حتی برنامه‌ریزی دستی با گانت‌چارت استفاده می‌شود. هدف این است که هر عملیات دقیقاً در زمان درست انجام شود. برای مثال، در عمل‌آوری بتن با بخار، سیکل بخاردهی باید طوری زمان‌بندی شود که هم‌زمان با پایان قالب‌گیری شروع شود و این مسئله به شدت بر کاهش هزینه ها اثر گذار می باشد .از زاویه‌ی دیگر، همگرایی زمانی تأثیر مستقیمی بر **کیفیت قطعه** دارد. بتن یک ماده‌ی حساس به زمان است. اگر عملیات ویبراسیون با تأخیر انجام شود، بخشی از بتن می‌بندد و هوای محبوس در آن باقی می‌ماند. یا اگر انتقال بتن خیلی طولانی شود، کارایی بتن (Workability) کاهش می‌یابد. بنابراین، هماهنگی زمانی علاوه بر بهره‌وری، بر کیفیت و دوام محصول هم اثر می‌گذارد.نکته‌ی مهم دیگر این است که هماهنگی زمانی فقط بین ماشین‌ها و تجهیزات نیست، بلکه **بین نیروی انسانی و ماشین‌ها هم وجود دارد** .اپراتورها باید در زمان درست در ایستگاه حاضر باشند، ابزار آماده باشد، و دستورها به‌موقع صادر شوند. در کارخانه‌های پیش‌ساخته که چندین تیم به‌طور موازی کار می‌کنند (تیم آرماتوربندی، تیم قالب‌بندی، تیم بتن‌ریزی، تیم کنترل کیفیت)، کوچک‌ترین تاخیر در هماهنگی انسانی باعث اخلال در کل چرخه می‌شود.از دیدگاه اقتصادی، هر دقیقه توقف ناشی از ضعف همگرایی زمانی **هزینه‌ی مستقیم نیروی انسانی و انرژی را افزایش میدهد** . بنابراین، طراحی درست همکرایی زمانی به معنی آن است که :

- محاسبه دقیق چرخه زمانی عملیات های ایستگاهی شامل پخت و ویبره و .....
- هماهنگی ظرفیت ماشین‌ها و تعداد ایستگاه‌ها با هم.
- استفاده از سیستم‌های برنامه‌ریزی و کنترل برای جلوگیری از توقف.
- آموزش اپراتورها برای هماهنگی در ریتم تولید.

در عمل، کارخانه‌هایی با راندمان بالاتری هستند که **چرخه‌های کوتاه‌تر و هماهنگ‌تر** دارند. این یعنی نه زمان اضافی برای انتظار وجود دارد و نه محصول نیمه‌کاره در خط می‌ماند.به زبان ساده، همگرایی زمانی به ما یادآوری می‌کند که در تولید پیش‌ساخته، **زمان پارامتری بسیار مهم است و** بتن نمی‌تواند منتظر بماند، ماشین نمی‌تواند بیکار بماند، و کارگر نباید سرگردان شود. همه چیز باید در یک ریتم هماهنگ پیش برود و ساختار زمانی کارخانه به صورت یک ریتم واحد به تولید مشغول می باشد. به زبان ساده پارامترهای مهم در Coupling زمانی شامل موارد زیر میشوند :

۱. چرخه تولید بتن(Mixing cycle time)
   - مدت‌زمان هر بچ تولید بتن باید با سرعت مصرف آن در قالب‌ها هماهنگ باشد.
   - میکسر خیلی سریع یا خیلی کند هر دو مشکل‌زا هستند.
۲. زمان پر کردن و ویبراسیون قالب‌ها(Casting & vibration time)
   - سرعت پر شدن قالب و عملیات متراکم‌سازی باید با ظرفیت میکسر و ریتم خط هماهنگ شود.
   - اگر این بخش کند باشد، بتن هدر می‌رود یا کیفیت پایین می‌آید.
۳. زمان عمل‌آوری(Curing cycle)
   - سیکل عمل‌آوری (بخار یا حرارت) باید متناسب با ریتم قالب‌گیری تنظیم شود.
   - عمل‌آوری طولانی یا کوتاه باعث توقف یا کاهش کیفیت می‌شود.
٤. هماهنگی بین ایستگاه‌ها در سیستم‌های/Carousel خطی
   - هر ایستگاه (آرماتوربندی، بتن‌ریزی، پرداخت سطح، بخاردهی) باید در زمان استاندارد کار را تمام کند.

- یک ایستگاه کند، کل خط را متوقف می‌کند.

۵. زمان آماده‌سازی قالب‌ها(Form preparation)
   - تمیزکاری، روغن‌زنی و آرماتورگذاری باید به‌موقع انجام شوند.
   - تأخیر در آماده‌سازی = توقف قالب‌گیری.

٦. هماهنگی نیروی انسانی با ماشین‌آلات
   - اپراتورها باید هم‌زمان با آماده شدن تجهیزات سر کار حاضر باشند.
   - غیبت یا تأخیر یک تیم کوچک می‌تواند خط تولید را متوقف کند.

۷. زمان حمل و جابجایی داخلی(Internal transport time)
   - انتقال بتن از میکسر به قالب و انتقال قطعات از قالب به عمل‌آوری باید سریع و منظم باشد.
   - حمل کند یا نامنظم باعث ایجاد وقفه می‌شود.

۸. ظرفیت رزرو/بافر(Buffer capacity)
   - وجود یک حاشیه زمانی یا ذخیره کوچک می‌تواند از توقف کامل خط جلوگیری کند.
   - مثلاً داشتن چند قالب آماده اضافه برای مواقع اضطراری.

در کارخانه‌های تولید قطعات پیش‌ساخته، زمان عامل بسیار مهمی است و بخشی از این عامل به ویژگی زمانی بتن مربوط میشود. در این ساختار هر بخش باید درست در زمان خودش کار کند تا چرخه کلی دچار مشکل نشود. پارامترهای زیادی بر همگرایی زمانی اثر می‌گذارند و یک طراح باید هنگام طراحی خط تولید همه آن‌ها را در نظر داشته باشد.اولین پارامتر مهم، چرخه تولید میکسر بتن است. میکسر در هر بچ مقدار مشخصی بتن تولید می‌کند و مدت‌زمان این چرخه باید با سرعت مصرف بتن در قالب‌ها هماهنگ باشد. اگر میکسر خیلی سریع باشد ولی قالب‌گیری زمان‌بر باشد، بتن اضافی تولید می‌شود و کیفیت آن افت می‌کند. اگر میکسر خیلی کند باشد، قالب‌ها خالی می‌مانند و خط تولید متوقف می‌شود.پارامتر دوم، زمان پر کردن و ویبراسیون قالب‌ها است. وقتی بتن وارد قالب می‌شود، باید بلافاصله ویبراسیون انجام شود تا بتن متراکم شود و حباب‌های هوا خارج شوند. اگر ویبراسیون با تأخیر انجام شود، بخشی از بتن شروع به

گیرش می‌کند و کیفیت قطعه کاهش می‌یابد. پس طراح باید زمان پر شدن هر قالب و مدت‌زمان ویبراسیون را دقیق محاسبه کند.پارامتر سوم مربوط به زمان عمل‌آوری است. عمل‌آوری مرحله‌ای است که در آن بتن مقاومت خود را به دست می‌آورد. اگر زمان عمل‌آوری طولانی‌تر از چرخه تولید باشد، قالب‌ها دیر آزاد می‌شوند و خط کند می‌شود. اگر کوتاه‌تر باشد، قطعه مقاومت کافی نخواهد داشت. بنابراین زمان عمل‌آوری باید دقیقاً متناسب با ظرفیت تولید و نیاز پروژه تنظیم شود.چهارمین پارامتر کلیدی، هماهنگی ایستگاه‌ها در سیستم‌های Carousel یا خطی است. در این سیستم‌ها، قالب‌ها از ایستگاهی به ایستگاه دیگر منتقل می‌شوند. هر ایستگاه زمان مشخصی دارد: آرماتوربندی، بتن‌ریزی، ویبراسیون، پرداخت سطح و غیره. اگر یکی از ایستگاه‌ها کندتر از بقیه باشد، کل خط دچار گلوگاه می‌شود. طراح باید مطمئن شود که زمان هر ایستگاه با بقیه هماهنگ است.پنجمین پارامتر، زمان آماده‌سازی قالب‌ها است. قالب‌ها باید قبل از بتن‌ریزی تمیز شوند، روغن‌کاری شوند و آرماتور در آن‌ها قرار گیرد. اگر آماده‌سازی دیر انجام شود، بتن آماده جایی برای مصرف نخواهد داشت. پس آماده‌سازی قالب‌ها باید هم‌زمان با چرخه میکسر برنامه‌ریزی شود.پارامتر ششم، هماهنگی نیروی انسانی با ماشین‌آلات است. اپراتورها باید در زمان درست در ایستگاه حاضر باشند. اگر اپراتور قالب‌بندی یا ویبراسیون تأخیر کند، ماشین‌ها بی‌کار می‌مانند. بنابراین، حضور و عملکرد به‌موقع نیروی انسانی بخشی جدایی‌ناپذیر از همگرایی زمانی است.پارامتر هفتم، زمان حمل و جابجایی داخلی است. بتن باید سریع و به‌موقع از میکسر به قالب برسد. اگر واگن یا پمپ تأخیر داشته باشد، بتن کیفیت خود را از دست می‌دهد. همین‌طور قطعات پس از قالب‌گیری باید در زمان درست به عمل‌آوری منتقل شوند. هرگونه تأخیر در حمل داخلی، چرخه را مختل می‌کند.پارامتر هشتم، ظرفیت رزرو یا بافر است. گاهی در خط تولید اتفاقات پیش‌بینی‌نشده رخ می‌دهد. وجود چند قالب اضافه یا یک واحد آماده‌ی جایگزین می‌تواند جلوی توقف کامل خط را بگیرد. این بافر به همگرایی زمانی کمک می‌کند که انعطاف‌پذیر باشد.پارامتر نهم، هماهنگی با کنترل کیفیت است. نمونه‌گیری بتن باید دقیقاً در زمان بتن‌ریزی انجام شود. اگر تیم کنترل کیفیت به موقع اقدام ننمایند، نمونه معتبر نخواهد بود. بنابراین برنامه کنترل کیفیت هم باید با زمان تولید هماهنگ باشد.پارامتر دهم، زمان‌بندی تعمیر و نگهداری ماشین‌ها است. اگر یک دستگاه در وسط چرخه خراب شود، زمان زیادی از دست می‌رود. سرویس‌ها باید طوری زمان‌بندی شوند که با چرخه تولید تداخل نداشته

باشند. این هم نوعی همگرایی زمانی غیرمستقیم است.به طور کلی، همگرایی زمانی وابسته به این است که هیچ بخش از خط تولید منتظر بخش دیگر نماند. بتن نباید منتظر قالب بماند، قالب نباید منتظر بتن بماند، عمل‌آوری نباید منتظر قطعه بماند و اپراتور نباید منتظر ماشین باشد.

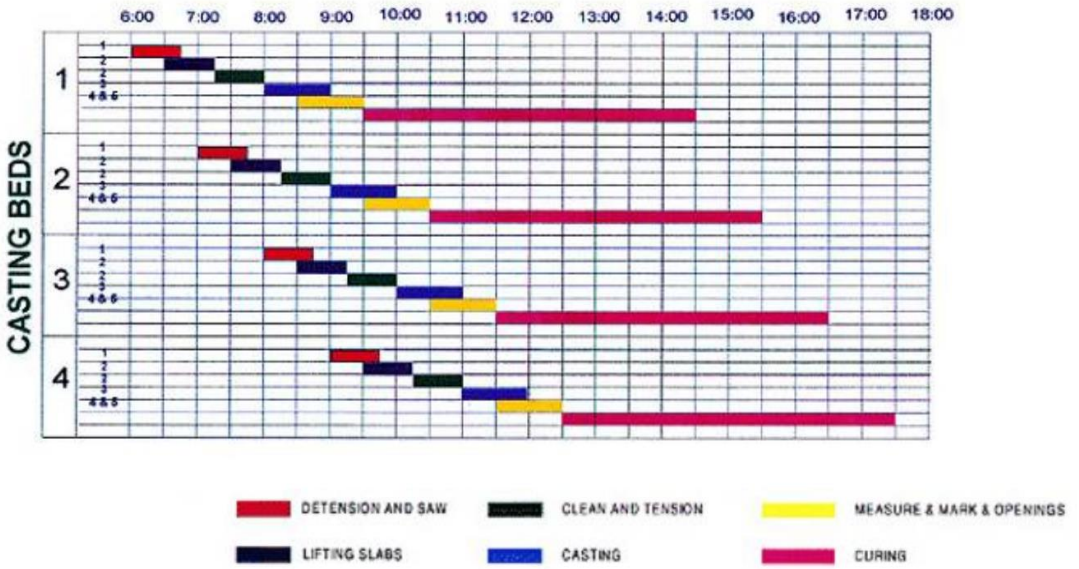

شکل ۳- ۲۰ – رعایت پیوستگی زمانی در خصوص تولید قطعات هالوکور

پیوستگی کمی:(Quantitative coupling)

این نوع ارتباط به تناسب ظرفیت‌ها و حجم‌های تولیدی می‌پردازد. هر بخش باید ظرفیت متناسب با بخش‌های دیگر داشته باشد. مثال روشن آن ظرفیت میکسر در مقایسه با حجم قالب‌ها یا ظرفیت بخش عمل‌آوری است. اگر این تناسب نباشد، محصول نیمه‌کاره روی هم انباشته می‌شود یا بخش‌هایی بدون خوراک کافی می‌مانند و نتیجه کاهش راندمان و افزایش هزینه خواهد بود.وقتی ازهمکرایی کمی صحبت می‌کنیم، منظور ما هماهنگی در ظرفیت‌ها و مقادیر تولیدی بخش‌های مختلف خط تولید است. در یک کارخانه پیش‌ساخته، هر بخش ظرفیت مشخصی دارد: میکسر مقدار معینی بتن در هر بچ تولید می‌کند، قالب‌ها حجم مشخصی دارند، عمل‌آوری ظرفیت محدودی دارد، و انبار فضای خاصی برای ذخیره قطعات آماده. اگر این ظرفیت‌ها با هم هم‌خوان نباشند، سیستم دچار اختلال می‌شود.برای مثال، فرض کنید میکسر هر بار یک مترمکعب بتن تولید می‌کند، اما قالبی که باید پر شود نیاز به دو مترمکعب بتن دارد. در

این حالت یا باید دو بچ پشت سر هم تولید کنید که زمان بیشتری می‌برد و احتمال ایجاد درز سرد (Cold Joint) در قطعه وجود دارد، یا اینکه بتن کافی برای پر کردن کامل قالب ندارید. این نمونه‌ای از عدم هماهنگی کمی است.برعکس، ممکن است میکسر ظرفیت بسیار بالایی داشته باشد، اما تعداد قالب‌ها یا ظرفیت عمل‌آوری شما محدود باشد. در این حالت بتن اضافه تولید می‌شود اما جایی برای مصرف آن نیست و نتیجه یا دورریز بتن و یا توقف اجباری میکسر است و هر دو حالت هزینه های جانبی زیادی را به قیمت نهایی محصول تحمیل میکنند.در کارخانه‌های خطی، همگرایی کمی به معنای تعادل ظرفیت همه ایستگاه‌هاست. اگر ایستگاه بتن‌ریزی بتواند ۲۰ قالب در روز پر کند ولی ایستگاه عمل‌آوری فقط گنجایش ۱۰ قالب داشته باشد، نیمی از تولید معطل می‌ماند. یا اگر انبار قطعات فقط ظرفیت ۵۰ قطعه را داشته باشد ولی روزانه ۶۰ قطعه تولید شود، به سرعت مشکل انباشت و کمبود فضا پیش می‌آید.بنابراین، همگرایی کمی تاکید می‌کند که تمام ظرفیت‌ها باید به هم متناسب باشند: ظرفیت تولید بتن، ظرفیت مصرف بتن در قالب‌ها، ظرفیت عمل‌آوری، ظرفیت انبار و حتی ظرفیت حمل‌ونقل قطعات به بیرون کارخانه.این موضوع نه تنها به توازن فیزیکی کمک می‌کند، بلکه به بهره‌وری اقتصادی نیز گره خورده است. اگر ظرفیت‌ها هماهنگ نباشند، یا سرمایه‌گذاری شما در تجهیزات بلااستفاده می‌ماند یا هزینه‌های پنهان تولید بالا می‌رود.

برای مثال، اگر یک کارخانه دو میکسر بزرگ دارد اما تنها تعداد محدودی قالب و عمل‌آوری کوچک، بخشی از ظرفیت میکسر هرگز استفاده نخواهد شد. این یعنی سرمایه‌ای که هزینه شده اما بازدهی ندارد. از سوی دیگر، اگر قالب‌های زیادی داشته باشید اما میکسر کوچک باشد، قالب‌ها خالی می‌مانند و باز هم راندمان پایین می‌آید.در یک نگاه سیستمی، همگرایی کمی شبیه به یک زنجیر است که استحکام آن به ضعیف‌ترین حلقه وابسته است. اگر یکی از ظرفیت‌ها پایین‌تر از بقیه باشد، همان حلقه محدودکننده‌ی کل سیستم می‌شود. این همان گلوگاه کمی است که در مهندسی تولید به آن اشاره می‌شود.راهکار درست برای بهینه‌سازی هماهنگی کمی، انجام تحلیل ظرفیت (Capacity analysis) در ابتدای طراحی کارخانه است. این تحلیل مشخص می‌کند که:

میکسر چه ظرفیتی باید داشته باشد.

چند قالب لازم است و چه حجمی باید داشته باشند.

عمل‌آوری چند واحد قطعه را در هر سیکل می‌تواند مدیریت کند.
انبار چه فضایی نیاز دارد.
و حمل‌ونقل روزانه چه تعداد قطعه باید انجام دهد.
یک مثال کاربردی: در کارخانه دیوار پیش‌ساخته(Precast Wall Panels) ، اگر میکسر بتواند روزانه ۱۰۰ مترمکعب بتن تولید کند اما اتاق عمل‌آوری فقط ظرفیت ۵۰ مترمکعب را داشته باشد، عملاً نیمی از تولید روزانه بی‌استفاده می‌ماند. در مقابل، اگر همه ظرفیت‌ها روی ۸۰ مترمکعب تنظیم شوند، هیچ بخشی دچار کمبود یا مازاد نخواهد شد و کل سیستم روان کار خواهد کرد.از دیدگاه کنترل کیفیت، همگرایی کمی هم اثرگذار است. اگر بتن در مقادیر غیرمتناسب تولید شود، برخی قالب‌ها ممکن است نیمه‌پر باقی بمانند یا بتن برای پر کردن آن‌ها دیر برسد و کیفیت قطعه کاهش یابد. همچنین در بخش عمل‌آوری، اگر بیش از ظرفیت استاندارد قطعات چیده شوند، بخار یا گرمایش یکنواخت نمی‌رسد و کیفیت پایین می‌آید.از منظر اقتصادی نیز، همگرایی کمی رابطه مستقیم با هزینه‌های تولید دارد. هر ظرفیت اضافی که بلااستفاده بماند، یک هزینه‌ی غیرفعال (Idle cost)است. هر کمبود ظرفیت هم به معنای فرصت از دست‌رفته (Lost opportunity) است.بنابراین طراحی همگرایی کمی یعنی تعادل کامل بین همه اجزای کارخانه. این تعادل باعث می‌شود نه سرمایه‌ای هدر برود، نه ظرفیت بلااستفاده بماند، و نه محصول نیمه‌کاره انباشته شود.به زبان ساده، همگرایی کمی همان چیزی است که تضمین می‌کند همه اجزای خط تولید «هم‌قد و قواره» هم باشند. نه یکی بزرگ‌تر از بقیه و نه یکی کوچک‌تر. این تناسب باعث می‌شود کل سیستم با بیشترین بهره‌وری و کمترین هزینه کار کند.

برای اینکه عملیات مختلف در یک کارخانه – به‌ویژه در تولید صنعتی قطعات بتنی – بدون گسست و توقف پیش بروند، باید پیوستگی فضایی، زمانی و کمی **نه‌تنها وجود داشته باشند، بلکه** به‌صورت هم‌زمان با یکدیگر همگام و ادغام شوندنترل پیوستگی یا همان کوپلینگ (Coupling) در بخش‌های مختلف تولید از مهم‌ترین عوامل حفظ پایداری، کیفیت و کارایی در هر سیستم صنعتی است. در واقع، پیوستگی میان اجزای تولید تضمین می‌کند که جریان مواد، انرژی و اطلاعات بدون وقفه و تداخل میان مراحل مختلف حرکت کند. هر فرآیند تولیدی از مجموعه‌ای از عملیات به‌هم‌پیوسته تشکیل شده است و اگر یکی از این حلقه‌ها دچار ناهماهنگی

شود، کل زنجیره تولید مختل می‌گردد. برای مثال، در کارخانه تولید قطعات پیش‌ساخته بتنی، اگر زمان آماده‌سازی قالب با زمان بتن‌ریزی هماهنگ نباشد، بتن ممکن است پیش از ریختن سفت شود یا قالب خالی بماند و این یعنی از دست رفتن کیفیت، زمان و هزینه. بنابراین، کنترل پیوستگی در هر سه بعد فضایی، زمانی و کمی ضرورت حیاتی دارد. در بُعد فضایی، کنترل کوپلینگ باعث می‌شود که تجهیزات، مسیرها و موقعیت‌های انتقال دقیقاً در امتداد هم قرار گیرند تا انتقال فیزیکی مواد یا قطعات بدون برخورد، هدررفت یا خطای مکانیکی انجام شود. در بُعد زمانی، کنترل پیوستگی مانع از بروز تأخیر، انتظار یا انباشت مواد در یک مرحله می‌شود و کل خط تولید را در ریتمی هماهنگ نگه می‌دارد. از طرف دیگر، در بُعد کمی، کنترل میزان دقیق مواد و انرژی منتقل‌شده میان بخش‌ها باعث می‌شود کیفیت محصول ثابت بماند و اتلاف منابع کاهش یابد. بی‌توجهی به هرکدام از این ابعاد منجر به ایجاد گلوگاه‌های تولید، افزایش زمان سیکل، افت بهره‌وری و حتی توقف کامل خط تولید می‌شود. علاوه بر این، کنترل پیوستگی نقش مهمی در کیفیت نهایی محصول دارد، زیرا کیفیت در تولید صنعتی نتیجه تعامل صحیح بین مراحل است، نه صرفاً عملکرد یک دستگاه. زمانی که کوپلینگ‌ها به‌صورت دقیق کنترل شوند، خطاهای انسانی کمتر، ضایعات کمتر و هزینه تعمیرات نیز کاهش می‌یابد. از منظر مدیریتی، کنترل پیوستگی موجب می‌شود تا داده‌های واقعی هر بخش با سایر بخش‌ها به اشتراک گذاشته شود و تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر اطلاعات دقیق صورت گیرد. این یکپارچگی داده‌ای نه‌تنها باعث افزایش سرعت واکنش به مشکلات می‌شود، بلکه پایه‌گذار تولید هوشمند و سیستم‌های خودتنظیم (Self-regulating Systems) است. در واقع، پیوستگی کنترل‌شده بین اجزا، همان تفاوت بین یک کارخانه سنتی و یک کارخانه مدرن دیجیتالی است. در یک سیستم سنتی، اختلال در یک بخش به‌سرعت به کل زنجیره سرایت می‌کند، اما در یک سیستم دارای کوپلینگ پایدار، فرآیندها قادرند به‌صورت خودکار خود را تنظیم و هماهنگ کنند. بنابراین کنترل این پیوستگی نه‌تنها به‌منزله جلوگیری از خطا، بلکه بخشی از فرهنگ پایداری تولید است که موجب افزایش طول عمر تجهیزات، کاهش مصرف انرژی، ارتقای کیفیت و افزایش سودآوری سازمان می‌شود. به بیان ساده، کنترل کوپلینگ یعنی کنترل هماهنگی در جریان حیات کارخانه، و بدون این هماهنگی، هیچ تولید صنعتی پایداری نمی‌تواند وجود داشته باشد. **.در ادامه گام‌به‌گام توضیح می‌دهم که**

چطور می‌توان این سه نوع کوپلینگ را به‌صورت یکپارچه در طراحی، اجرا و کنترل فرآیندهای تولیدی ادغام کرد:

-تحلیل فرآیند (Process Mapping)

اولین گام برای ادغام کوپلینگ‌ها، ترسیم دقیق کل فرآیند است. باید مشخص شود در هر مرحله:

چه چیزی منتقل می‌شود؟ (ماده، انرژی یا اطلاعات)

از کجا به کجا منتقل می‌شود؟ (نقطه مبدأ و مقصد)

در چه زمانی این انتقال باید انجام شود؟

به چه مقدار و با چه کیفیتی این انتقال لازم است؟

با رسم نقشه جریان فرآیند (Process Flow Diagram)، می‌توان محل‌های دقیق کوپلینگ و نوع ارتباط بین بخش‌ها را مشخص کرد. سپس برای هر انتقال، نیازهای فضایی، زمانی و کمی بررسی می‌شود.

- هم‌ترازی فضایی (Spatial Integration)

در این مرحله باید مطمئن شد که خروجی فیزیکی هر مرحله از نظر موقعیت، شکل و اندازه با ورودی مرحله بعدی کاملاً هم‌تراز است.

این کار شامل:

تنظیم چیدمان تجهیزات (Layout Optimization)

طراحی مسیرهای انتقال مواد (Conveyor, Crane, AGV, Rail)

هماهنگی ابعادی میان تجهیزات (مثلاً محل قرارگیری قالب نسبت به نوار ویبره یا اتاق بخار)

استفاده از فناوری‌های مدل‌سازی سه‌بعدی مانند BIM یا Digital Twin برای شبیه‌سازی موقعیت اجزا

هدف این مرحله، حذف خطاهای فیزیکی در نقاط تماس بین اجزا و اطمینان از انتقال روان ماده یا قطعه بین دستگاه‌ها است.

- همگام‌سازی زمانی (Temporal Synchronization)

کوپلینگ زمانی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که هیچ بخش از فرآیند منتظر دیگری نماند.

برای این کار باید:

زمان سیکل هر دستگاه (Cycle Time) محاسبه شود.

با استفاده از سیستم برنامه‌ریزی تولید (Production Scheduling System) یا PLC Synchronization، زمان‌بندی دقیق بین مراحل برقرار گردد.

نقاط گلوگاه (Bottlenecks) شناسایی و ظرفیت مراحل تطبیق داده شود.

از حسگرهای زمان واقعی (Real-Time Sensors) استفاده شود تا شروع و پایان عملیات هر مرحله به‌صورت خودکار مرحله بعد را فعال کند.

در نتیجه، وقتی قالب پر شد، مرحله بخاردهی به‌صورت خودکار شروع می‌شود، و پس از رسیدن مقاومت بتن، مرحله دمولدینگ فعال می‌گردد. این یعنی همگام‌سازی زمانی به‌صورت دینامیک انجام شده است.

- تعادل کمی (Quantitative Balancing)

کوپلینگ کمی یا حجمی تضمین می‌کند که مقدار ماده یا انرژی منتقل‌شده در هر مرحله دقیق و متناسب با نیاز مرحله بعد باشد و برای ادغام کمی باید:

از سیستم‌های توزین خودکار و حسگرهای جریان (Flow Meters, Load Cells) استفاده شود.

مقادیر تولید در هر بخش به‌صورت خودکار به بخش بعد منتقل شود (Data Coupling).

کنترل حلقه بسته (Closed-Loop Control) برای تنظیم خودکار نسبت‌ها و حجم‌ها اجرا گردد.

مثلاً مقدار بتن تخلیه‌شده از بچینگ دقیقاً با ظرفیت قالب بعدی تنظیم شود، یا دمای بخار اتاق عمل‌آوری متناسب با جرم قطعات تنظیم گردد.

- ادغام اطلاعاتی (Information Coupling Integration)

در عصر تولید هوشمند، ارتباط فیزیکی کافی نیست. لازم است داده‌های هر مرحله در لحظه به سایر بخش‌ها منتقل شوند تا تصمیم‌گیری هوشمند انجام گیرد و برای این کار:

از سیستم‌های IoT (اینترنت اشیاء صنعتی) برای جمع‌آوری داده‌های دما، فشار، رطوبت، وزن، و زمان استفاده می‌شود.

این داده‌ها از طریق شبکه به سیستم مرکزی MES (Manufacturing Execution System) ارسال می‌شوند.

MES داده‌ها را تحلیل کرده و دستور لازم برای تطبیق مراحل بعدی صادر می‌کند (برای مثال، تنظیم سرعت قالب‌گیری یا افزایش زمان بخاردهی).

این کار باعث می‌شود کوپلینگ فضایی، زمانی و کمی به‌صورت دیجیتال به هم متصل شوند و کل خط تولید مانند یک موجود زنده هماهنگ عمل کند.

- ایجاد ماژول‌های رابط (Interface Modules)

اگر دو بخش از سیستم از نظر طراحی یا فناوری متفاوت باشند، برای ادغام مؤثر باید از عناصر رابط استفاده شود. این ماژول‌ها شامل:

Buffer Stations (ایستگاه‌های موقت برای تعادل زمانی)

Mixing Zones (مناطق تطبیق حجمی یا کنترل دما)

Data Gateways (دروازه‌های انتقال داده بین سیستم‌های مختلف)

Transfer Platforms (پلتفرم‌های تطبیق فضایی و مکانیکی بین تجهیزات)

وجود این رابط‌ها تضمین می‌کند که حتی در صورت تفاوت فنی بین اجزا، کوپلینگ کلی سیستم پایدار بماند.

- یکپارچه‌سازی مدیریتی و کنترلی

در سطح مدیریتی، باید تمام انواع کوپلینگ‌ها زیر یک سیستم کنترل مرکزی ادغام شوند.

سیستم‌های SCADA یا Digital Control Platforms به‌عنوان مغز کنترلی کل سیستم عمل می‌کنند.

مدیران با داشبوردهای لحظه‌ای می‌توانند وضعیت فیزیکی (Spatial)، زمانی (Cycle Time) و حجمی (Quantity Flow) را هم‌زمان مشاهده و تنظیم کنند.

هرگونه عدم تطابق در یکی از ابعاد سه‌گانه بلافاصله هشدار داده می‌شود.

۳-۶- نقش فرآیند و یا محصل در چیدمان و آرایش کارخانه

آرایش ساختاری کارخانه را می‌توان با توجه به نوع فرآیند یا نوع محصول به چند روش مختلف پیکربندی کرد. نویسندگان دو نوع اصلی را معرفی می‌کنند:

الف) Process-driven arrangement (آرایش مبتنی بر فرآیند)

ب) Product-driven arrangement (آرایش مبتنی بر محصول)

در نوع Process-driven arrangement که در شکل اول (Fig. 1.8) نشان داده شده، چیدمان ماشین‌ها و ایستگاه‌ها بر اساس نوع عملیات یا فرآیندی که انجام می‌دهند، تنظیم می‌شود. در این ساختار، هر کارگاه (Workshop) ممکن است فقط به یک نوع عملیات خاص اختصاص داشته باشد؛ برای مثال، کارگاه اول برای بتن‌ریزی و کارگاه دوم برای عمل‌آوری یا پرداخت سطحی. در این مدل، قطعه یا ماده بین کارگاه‌ها جابه‌جا می‌شود و در هر مرحله، یک فرآیند کامل روی آن انجام می‌گیرد. این ساختار در کارخانه‌هایی مفید است که تنوع محصولات زیاد است اما فرآیندها مشابه‌اند. یعنی ماشین‌ها حول محور عملیات مشابه گروه‌بندی می‌شوند. مزیت این روش در انعطاف‌پذیری آن است، چون اگر نوع محصول تغییر کند، فقط ترتیب عبور از کارگاه‌ها تغییر می‌کند. اما از نظر لجستیکی، نیاز به حمل‌ونقل بیشتری دارد چون مواد باید بین کارگاه‌های مختلف جابه‌جا شوند.

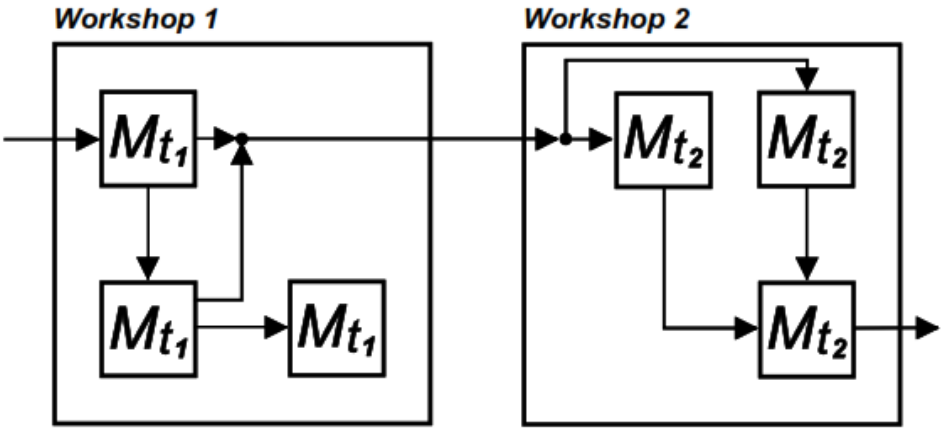

شکل ۳-۲۱ آرایش تولید مبتنی بر فرآیند

در اینجا Mt به معنی Technical Means یا «وسایل فنی» است، یعنی ماشین‌آلات، ابزارها و تجهیزات مورد استفاده برای انجام عملیات روی آن قطعه

در چیدمان فرآیندمحور، ماشین‌آلات و ایستگاه‌ها بر اساس نوع عملیات تولیدی گروه‌بندی می‌شوند، نه بر اساس نوع محصول.یعنی کارگاه‌ها بر مبنای نوع کار (مثلاً بتن‌ریزی، آرماتوربندی، عمل‌آوری و...) سازمان‌دهی می‌شوند و محصولات مختلف از میان آن‌ها عبور می‌کنند.

ساختارProcess-driven در کارخانه قطعات پیش‌ساخته:

در این نوع کارخانه، ممکن است چندین نوع قطعه مختلف (تایل، تک لبه و ....) تولید شود، اما همه آن‌ها از مراحل مشابهی عبور می‌کنند.مثلاً در کارخانه‌ای که چیدمان آن Process-driven است، فضا به صورت زیر سازمان‌دهی می‌شود:

کارگاه ۱: آماده‌سازی قالب‌ها (Mold Preparation Workshop)
کارگاه ۲: آرماتوربندی و نصب قطعات مدفون (Rebar and Embedded Parts Workshop)
کارگاه ۳: بتن‌ریزی و ویبره (Casting Bay)
کارگاه ۴: عمل‌آوری بخار و خشک‌کردن (Curing Chamber)
کارگاه ۵: دمونتاژ و تمیزکاری قالب (Demolding & Cleaning Bay)
کارگاه ۶: انبار موقت و بازرسی (Stocking & QC Area)

ویژگی‌های فنی Process-driven:
تجهیزات هر کارگاه مختص یک نوع عملیات هستند (مثلاً تمام ویبراتورها در کارگاه بتن‌ریزی متمرکزند).
حمل مواد بین کارگاه‌ها توسط جرثقیل سقفی، ریلی یا واگن انجام می‌شود.
جریان مواد پیوسته نیست؛ بلکه در هر ایستگاه متوقف می‌شود تا عملیات خاص انجام گیرد.
برنامه‌ریزی تولید به صورت دسته‌ای (Batch-based) انجام می‌شود.

مزایای Process-driven:

انعطاف‌پذیری بالا: برای تولید انواع قطعات با اشکال و ابعاد متفاوت مناسب است.
امکان تولید سفارشی: می‌توان محصولات خاص پروژه‌ها را با تغییر مسیر یا قالب تولید کرد.
استفاده‌ی بهینه از ماشین‌آلات تخصصی: چون هر کارگاه در تخصص خود تمرکز دارد.

معایب Process-driven:
نیاز به جابجایی زیاد مواد و قالب‌ها: چون محصولات بین کارگاه‌ها در حرکت‌اند.
افزایش زمان کل تولید: انتقال بین کارگاه‌ها زمان‌بر است.
نیاز به هماهنگی دقیق لجستیکی: تا ترافیک جرثقیل‌ها و ازدحام ایجاد نشود.

در نوع دوم یعنی Product-driven arrangement که در شکل (۳-۲۲) آمده است، چیدمان تجهیزات به‌گونه‌ای است که تمرکز بر مسیر تولید یک نوع محصول خاص قرار دارد. یعنی تمام مراحل مورد نیاز برای تولید یک محصول خاص پشت‌سرهم در یک خط مستقیم یا پیوسته چیده می‌شوند. این نوع چیدمان معمولاً در خطوط تولید پیش‌ساخته‌های تکراری مثل تیر، دال، یا دیوارهای بتنی استفاده می‌شود که فرآیند مشخص و ثابتی دارند. در این حالت، ماده از ابتدای خط تا انتها حرکت می‌کند و همه‌ی مراحل از قالب‌گذاری تا بتن‌ریزی و عمل‌آوری در همان مسیر و یا درجا انجام می‌شود. مزیت این مدل، کاهش زمان انتقال، افزایش راندمان و امکان خودکارسازی است. البته برای تولید محصولات متنوع انعطاف‌پذیری کمتری دارد، زیرا چیدمان برای یک نوع قطعه خاص طراحی می‌شود.

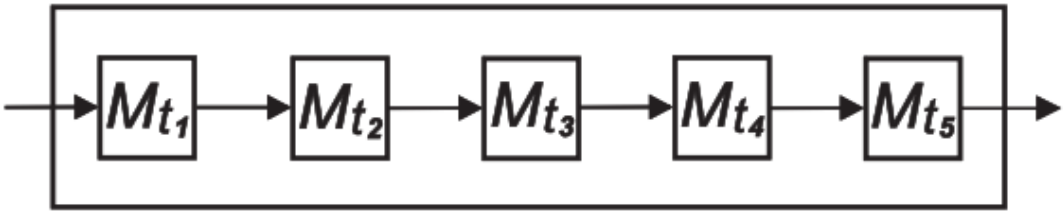

شکل۳-۲۲- آرایش تولید مبتنی بر محصول

در اینجا Mt به معنی Technical Means یا «وسایل فنی» است،

در این نوع چیدمان، خط تولید به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که بر اساس نوع محصول نهایی سازمان‌دهی گردد.یعنی تمام تجهیزات مورد نیاز برای ساخت یک نوع قطعه خاص در امتداد یک خط مشخص چیده می‌شوند و یا به صورت درجا تولید میشود .

ساختار Process-driven در کارخانه پیش‌ساخته:
در یک سیستم Product-driven، هر محصول خط تولید مخصوص خود را دارد.
مثلاً خطوط زیر به‌صورت جداگانه وجود دارند:
خط تولید دیوارهای پیش‌ساخته (Wall Panel Line)
خط تولید تیرها و ستون‌ها (Beam & Column Line)
خط تولید دال‌های توپر یا هالوکور (Slab Line)
خط تولید پله‌های بتنی (Stair Line)

در هر خط، مراحل مختلف از قالب‌گذاری، آرماتوربندی، بتن‌ریزی، عمل‌آوری، تا دمونتاژ در همان مسیر انجام می‌شود و محصول از ابتدا تا انتها بدون خروج از خط حرکت می‌کند و یا به صورت درجا تولید میشود.

-ویژگی‌های فنیProduct-driven :
جریان تولید در یک مسیر مستقیم است (Flow Line).
انتقال مواد خودکار و پیوسته است.
طراحی بر پایه تکرارپذیری و سرعت بالا انجام شده است.
معمولاً برای تولید انبوه قطعات استاندارد استفاده می‌شود.

-مزایایProduct-driven :
راندمان بالا: چون زمان انتقال و توقف‌ها حداقل است.
کیفیت یکنواخت: چون شرایط تولید کنترل‌شده و تکراری است.
مناسب برای خودکارسازی: چون مسیر ثابت و مشخص است.
کاهش زمان سیکل تولید: چون فرآیندها به‌صورت متوالی و پیوسته انجام می‌شوند.

-معایبProduct-driven :
انعطاف‌پذیری پایین: تغییر نوع محصول دشوار و پرهزینه است.
نیاز به سرمایه‌گذاری بالا: چون هر نوع محصول خط اختصاصی خود را می‌طلبد.
وابستگی شدید به برنامه تولید: اگر سفارش کاهش یابد، بخشی از خطوط بلااستفاده می‌مانند.

در همین بخش لازم است به یک مفهوم بسیار مهم دیگر اشاره کرد و آن مفهوم «انواع حرکت در فرآیند تولید» می باشد .
در این بخش دو نوع اصلی از حرکت معرفی شده است:
۱. Stationary Production (تولید ایستا)
۲. Mobile Production (تولید متحرک)

در سیستم Stationary Production (تولید ایستا) که در شکل (۳-۲۳) نمایش داده شده، قطعه (Object of Change) در محل خود باقی می‌ماند و تجهیزات، ابزارها یا نیروهای کاری به

سمت آن حرکت می‌کنند. مثلاً در تولید قطعات حجیم بتنی مانند ستون‌ها یا پانل‌های دیواری سنگین، خود قطعه قابل‌جابجایی نیست، پس تجهیزات (مانند دستگاه ویبره، پمپ بتن، یا اپراتورها) به محل قالب می‌روند و عملیات در همان مکان انجام می‌شود. در این مدل، چیدمان تجهیزات باید طوری طراحی شود که دسترسی آسان به قطعه در تمام جهات ممکن باشد.

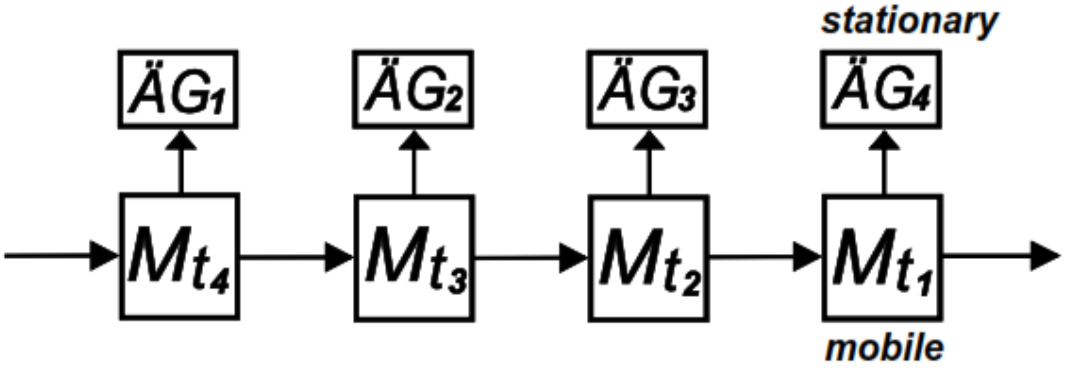

شکل ۳-۲۳ - تولید به روش ایستا

- AG به معنی Object of Change یا «شیء در حال تغییر» است، یعنی همان قطعه‌ای که در حال تولید یا پردازش است.

شکل ۳-۲۴ – تولید وال پنل به روش تولید ایستا در کارخانه BFT

شکل ۳-۲۵- تولید قطعات حجمی به صورت ایستگاه ثابت (ایستا) در کارخانه

در مقابل، در سیستم Mobile Production (تولید متحرک)، خود قطعه یا شیء در حال تغییر (AG Object of Change) از یک ایستگاه به ایستگاه بعدی منتقل می‌شود. در این روش، مسیر حرکت مشخص و پیوسته است و ماشین‌آلات در موقعیت‌های ثابت قرار دارند. قطعه پس از اتمام یک مرحله (مثلاً آرماتوربندی) به مرحله بعد (بتن‌ریزی، عمل‌آوری و غیره) منتقل می‌شود. این روش مشابه سیستم خط مونتاژ در صنایع خودروسازی است و معمولاً در خطوط تولید خودکار و با ظرفیت بالا استفاده می‌شود.

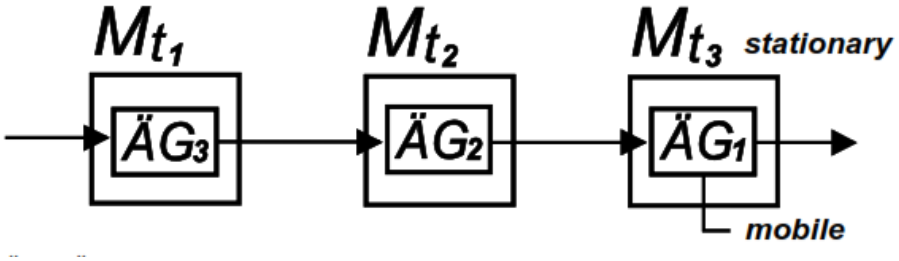

شکل ۳-۲۶- تولید قطعات حجمی به صورت متحرک

در حالت ایستا، Mtها (تجهیزات) به سمت AG حرکت می‌کنند، ولی در حالت متحرک، AG است که بین Mtها جابه‌جا می‌شود. انتخاب بین این دو روش کاملاً به نوع محصول، اندازه و وزن آن، سطح اتوماسیون و نوع فرآیند بستگی دارد. مثلاً در تولید قطعات حجیم مانند دیوارهای پیش‌ساخته، روش ایستا کارآمدتر است، ولی در تولید قطعات سبک‌تر مثل بلوک‌ها یا قطعات سقفی، روش متحرک باعث افزایش سرعت و کاهش هزینه می‌شود.در مجموع انتخاب نوع چیدمان و نوع حرکت باید بر اساس ماهیت فرآیند، نوع محصول، میزان تکرارپذیری، فضای کارخانه و سطح خودکارسازی انجام گیرد. چیدمان فضایی، هسته‌ی اصلی طراحی کارخانه است و تأثیر مستقیمی بر بهره‌وری، مصرف انرژی، زمان چرخه (Cycle Time) و هزینه‌های لجستیکی دارد. اگر آرایش فضایی به‌درستی انتخاب شود، پیوستگی فضایی (Spatial Coupling) و زمانی (Temporal Coupling) بین مراحل برقرار می‌ماند و جریان تولید بدون وقفه انجام می‌گیرد.به‌عبارتی، برای دستیابی به یک سیستم تولید کارآمد، باید نوع آرایش (Process-driven یا Product-driven) و نوع حرکت (Stationary یا Mobile) با

دقت انتخاب شود تا انتقال ماده، انرژی و اطلاعات بین مراحل مختلف با بیشترین هماهنگی انجام گیرد.

در شکل ۳-۲۷ یک چارت تولید قطعات پیش ساخته بتنی ارائه گردیده است . این فلوچارت نمای کاملی از چرخه‌ی تولید قطعات بتنی پیش‌ساخته در یک کارخانه صنعتی است و از منظر «مدیریت فرآیند» می‌توان آن را به مجموعه‌ای از پروسس‌های اصلی، پشتیبان و کنترلی تقسیم کرد. رویکرد فرآیندی در اینجا یعنی هر مرحله نه به‌صورت جدا، بلکه به عنوان یک حلقه در زنجیره‌ای پیوسته از طراحی تا تحویل محصول دیده شود. فرآیند از نقشه‌های شاپ و مدارک اجرایی آغاز می‌شود که ورودی اطلاعاتی کل سیستم تولید هستند. پس از تأیید نقشه‌ها، فرآیند برنامه‌ریزی تولید و بهینه‌سازی بسترها (Bed Optimization) انجام می‌شود که یک فرآیند مدیریتی و کنترلی است و وظیفه دارد منابع، قالب‌ها، نیروی انسانی و زمان‌بندی را هماهنگ کند. در مرحله بعد فرآیندهای تأمین و ساخت قالب (Manufacturing of Formwork) و سفارش میلگرد (Ordering of Reinforcement Cages) شروع می‌شوند که در دسته‌ی فرآیندهای پشتیبان تولید (Support Process) قرار می‌گیرند زیرا بستر لازم برای تولید قطعه را فراهم می‌کنند. پس از آماده شدن قالب‌ها، فرآیندهای مونتاژ، علامت‌گذاری و نصب قطعات مدفون اجرا می‌شوند که از نوع فرآیندهای اصلی (Core Processes) هستند چون به‌صورت مستقیم بر روی محصول تأثیر می‌گذارند. این بخش‌ها شامل عملیات فیزیکی روی قالب و آرماتور و ایجاد شکل اولیه محصول است.در میانه مسیر، دو گره مهم کنترل کیفیت وجود دارد: QA/QC اولیه و QA/QC نهایی پیش از بتن‌ریزی. این‌ها در دسته‌ی فرآیندهای کنترلی (Control Process) قرار دارند و نقش آنها تضمین تطابق فرآیند تولید با الزامات نقشه و استاندارد است. اگر در این مرحله ایرادی مشاهده شود، فرآیند به عقب بازمی‌گردد تا اصلاح انجام شود؛ بنابراین کنترل کیفیت در این مدل حلقه‌ای و بازگشتی است، نه ایستا.در مرحله بعد فرآیند بتن‌ریزی و تراکم (Concrete Pouring and Compaction) آغاز می‌شود که قلب چرخه تولید است و از نوع فرآیند اصلی (Value-Added) محسوب می‌شود، زیرا در این مرحله محصول فیزیکی شکل می‌گیرد و ارزش افزوده واقعی ایجاد می‌شود. پس از بتن‌ریزی، فرآیندهای قالب‌برداری، عمل‌آوری و انتقال به انبار موقت انجام می‌شوند که در واقع فاز پایانی فرآیند اصلی هستند و کیفیت نهایی بتن را تعیین می‌کنند. در این بخش، کنترل دقیق زمان، دما و رطوبت بخشی از مدیریت فرآیند است تا از انحراف مقاومت یا ترک‌خوردگی جلوگیری شود.مرحله‌ی بعد شامل تمیزکاری قالب‌ها و تخت‌ها است که در دسته‌ی پروسس‌های نگهداشت (Maintenance Process) قرار می‌گیرد. این فرآیند مستقیماً به تولید ارزش افزوده

منجر نمی‌شود اما برای تداوم چرخه تولید ضروری است. سپس فرآیندهای بازرسی نهایی، ترمیم، پرداخت سطح و برچسب‌گذاری قطعه اجرا می‌شوند که ترکیبی از فرآیندهای کنترلی و پشتیبان هستند؛ چون ضمن حفظ کیفیت، اطلاعات ردیابی و انبارداری را هم تکمیل می‌کنند. در نهایت، فرآیند حمل به سایت پروژه (Transport to Project Site) به عنوان فرآیند خروجی یا لجستیکی (Output Process) عمل می‌کند و چرخه تولید را به زنجیره تأمین پروژه متصل می‌نماید.در این مدل، دو محور کلیدی فرآیند در تمام مراحل وجود دارد: محور کیفیت (QA/QC Loop) که بازرسی، ثبت داده و بازخورد دارد؛ و محور زمان‌بندی (Production Control Loop) که ظرفیت و ترتیب تولید را مدیریت می‌کند. هر فرآیند بازخورد خود را به مرحله قبل ارسال می‌کند تا سیستم به‌صورت پویا اصلاح شود. این ساختار بازخوردمحور، کارخانه را از حالت تولید خطی سنتی خارج کرده و به یک سیستم فرآیندگرا (Process-Oriented Factory) تبدیل می‌کند.از دیدگاه مدیریت فرآیند، مراحل ۴ تا ۱۵ را می‌توان به‌عنوان فرآیندهای عملیاتی (Operational Processes) طبقه‌بندی کرد، زیرا در آنها مواد به محصول تبدیل می‌شود. مراحل ۱ تا ۳ و ۱۶ تا ۱۸ در زمره‌ی فرآیندهای مدیریتی و پشتیبان هستند که کنترل اطلاعات، منابع و لجستیک را بر عهده دارند. در مجموع، این فلوچارت نشان می‌دهد که کارخانه پیش‌ساخته بر پایه‌ی سه نوع فرآیند هم‌زمان عمل می‌کند:

فرآیندهای اصلی (Core) – تولید واقعی قطعه.

فرآیندهای پشتیبان (Support) – تأمین قالب، آرماتور، حمل و نگهداری.

فرآیندهای کنترلی (Control/QA) – بازرسی، آزمون و بازخورد اصلاحی.

هم‌افزایی این سه نوع فرآیند باعث می‌شود جریان کار به‌صورت سیستماتیک، قابل‌ردیابی و قابل‌پیش‌بینی باشد؛ بنابراین کارخانه نه صرفاً بر محصول نهایی، بلکه بر کیفیت، زمان و تکرارپذیری فرآیند تمرکز دارد — همان مفهوم «Process-Driven Manufacturing» که پایه‌ی کارخانه‌های پیش‌ساخته است.

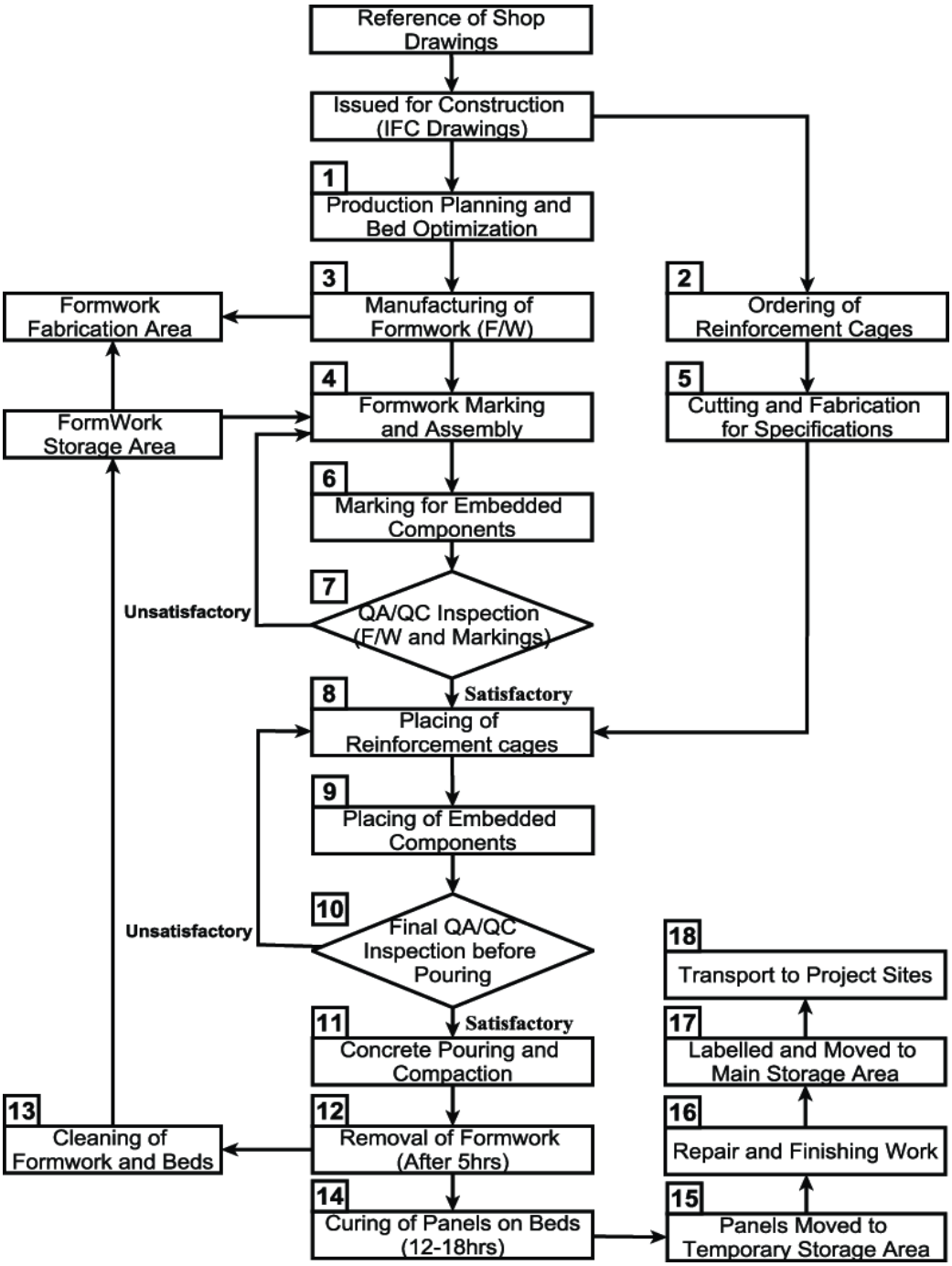

شکل ۳-۲۷- نمودار تولید قطعات پیش ساخته بتنی (یک نمونه فرضی)

مطابق موارد تعیین شده در این فلوچارت مراحل ۱۸ گانه به شرح زیر می باشد:

۱. **Production Planning & Bed Optimization**
تبدیل نقشه‌های تاییدشده به برنامه تولید، ظرفیت‌گذاری شیفت‌ها و بهینه‌کردن استفاده از تخت‌ها/قالب‌ها. خروجی: توالی ساخت، نفرات و منابع.
نوع: Process-Driven

۲. Ordering of Reinforcement Cages
تهیه و سفارش میلگرد/قفس‌های آرماتور بر اساس BOM و نقشه‌ها؛ زمان‌بندی تحویل با برنامه تولید هماهنگ می‌شود.
نوع: Product-Driven

۳. Manufacturing of Formwork (F/W)
ساخت یا آماده‌سازی قالب‌های فلزی/ترکیبی مطابق نقشه قالب؛ کنترل ابعاد، صافی سطح و سیستم‌های ویبره/قفل.
نوع: Product-Driven

٤. Formwork Marking & Assembly
مونتاژ قالب روی میز/بستر و خط‌کشی لبه‌ها، تراز و شابلون‌ها؛ نصب کناره‌ها و قطعات تثبیت‌کننده.
نوع: Product-Driven

٥. Cutting & Fabrication for Specifications
برش، خم و جوش میلگرد طبق لیست برش؛ ساخت قفس‌های آرماتور مطابق تلرانس‌ها و شماره‌گذاری آنها.
نوع: Product-Driven

٦. Marking for Embedded Components
علامت‌گذاری دقیق محل قطعات مدفون (صفحات، قلاب‌ها، باکس برق، بوشن‌ها) روی قالب/بستر برای نصب بدون خطا.
نوع: Product-Driven

۷. QA/QC Inspection (F/W & Markings)
بازرسی انطباق قالب و خط‌کشی با نقشه‌ها؛ چک‌لیست تلرانس‌ها، تراز و تمیزی قبل از آرماتورگذاری. در صورت عدم‌قبول بازگشت به اصلاح.
نوع: Process-Driven

۸. Placing of Reinforcement Cages
جانمایی و مهاربندی قفس‌های آرماتور با اسپیسر و کاور موردنیاز؛ کنترل همپوشانی

و طول مهاری.

نوع Product-Driven :

۹. Placing of Embedded Components

نصب صفحات اتصال، قلاب‌های حمل، بوشن‌ها و جعبه‌های الکتریک طبق علامت‌گذاری؛ تثبیت و تست فاصله از لبه.

نوع Product-Driven :

۱۰. Final QA/QC Inspection before Pouring

بازرسی نهایی پیش از بتن‌ریزی: مسیر بتن، تمیزی قالب، فاصله کاور، سفت‌کاری اجزا و امضای مجوز بتن‌ریزی.

نوع Process-Driven :

۱۱. Concrete Pouring & Compaction

ریزش بتن با طرح اختلاط تاییدشده و تراکم (ویبره/اکستروژن)؛ کنترل یکنواختی، هم‌سطحی و عدم‌جدایش.

نوع Product-Driven :

۱۲. Removal of Formwork (after ~5 hrs)

بازکردن قالب پس از رسیدن به مقاومت اولیه حمل/دِمولدینگ؛ حفاظت از لبه‌ها و انتقال ملایم قطعه.

نوع Product-Driven :

۱۳. Cleaning of Formwork & Beds

شست‌وشو و گریس/رهاساز مجدد قالب‌ها و بسترها؛ آماده‌سازی چرخه بعدی و ثبت وضعیت نگهداری.

نوع Process-Driven :

۱۴. Curing of Panels on Beds (12–18 hrs)

عمل‌آوری طبیعی/بخاری با کنترل دما و رطوبت تا رسیدن به مقاومت هدف

جابجایی/انبارش.

نوع Product-Driven :

۱۵. Panels Moved to Temporary Storage Area

انتقال ایمن قطعات به انبار موقت برای سردشدن/هم‌دما شدن و صف بازرسی پس از تولید.

نوع Process-Driven :

۱۶. Repair & Finishing Work
ترمیم موضعی لبه‌ها و سوراخ سوزنی، ساب‌زنی سبک و کنترل نهایی ظاهر/ابعاد قبل از برچسب‌گذاری.
نوع Product-Driven :

۱۷. Labelled & Moved to Main Storage Area
نصب برچسب رهگیری/Batch) تاریخ/کد نصب (و چیدمان در انبار اصلی طبق نقشه بارگیری و ترتیب نصب.
نوع Process-Driven :

۱۸. Transport to Project Sites
برنامه‌ریزی و اجرای بارگیری/مهاربندی و حمل به کارگاه طبق پلان نصب و نوبت جرثقیل؛ ثبت تأیید ارسال.
نوع Process-Driven :

جهت درک بهتر مفاهیم مرتبط با این بخش در شکل ۳-۲۸ روند تولید شمع پیش ساخته بتنی در شرکت CEPCO مالزی تشریح میگردد. فرایند تولید شمع‌های بتنی پیش‌تنیده (PHC Piles) در کارخانه Concrete Engineering Products Berhad (CEPCO) با بررسی و کنترل دقیق مواد اولیه آغاز می‌شود.

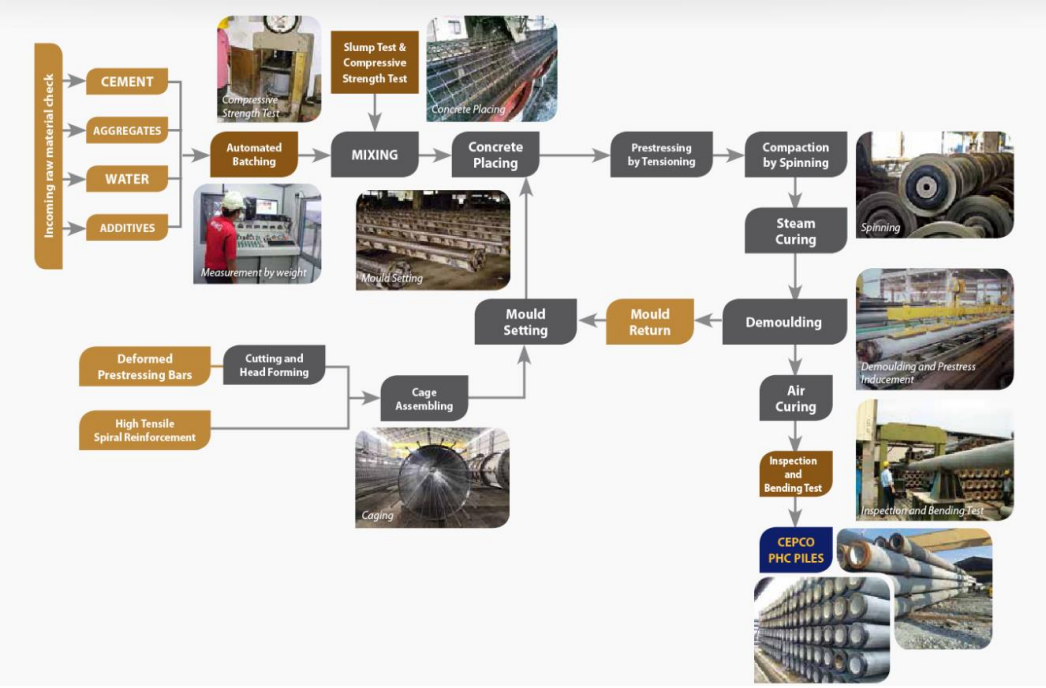

شکل ۳-۲۸ – نمودار تولید شمع‌های بتنی پیش‌تنیده PHC Piles

مواد اولیه شامل سیمان، سنگدانه‌ها، آب و افزودنی‌های شیمیایی هستند که هر یک قبل از ورود به چرخه تولید از نظر کیفیت، مقاومت، رطوبت، اندازه دانه و سایر مشخصات فنی به‌طور کامل مورد آزمایش قرار می‌گیرند. آزمایش‌های کنترل کیفیت اولیه نظیر تست مقاومت فشاری سیمان و تست اسلامپ برای اطمینان از کارایی و روانی بتن در این مرحله انجام می‌شود. پس از تأیید مواد، فرآیند بچینگ خودکار آغاز می‌شود. در سیستم بچینگ خودکار، تمام مصالح به‌صورت دقیق توسط تجهیزات دیجیتالی وزن‌کشی شده و به نسبت طراحی‌شده توسط مهندسین کنترل کیفیت ترکیب می‌شوند. این مرحله دقت بسیار بالایی دارد زیرا کوچک‌ترین انحراف در نسبت آب به سیمان یا مقدار افزودنی می‌تواند بر مقاومت نهایی بتن اثر بگذارد.

در ادامه، مصالح آماده‌شده وارد میکسرهای صنعتی می‌شوند تا مخلوطی یکنواخت از بتن با کارایی بالا تولید شود. پس از اختلاط کامل، بتن تازه به قالب‌های مخصوص انتقال داده می‌شود. پیش از این مرحله، قالب‌ها به‌دقت تمیز، روغن‌کاری و تنظیم می‌شوند تا از چسبندگی و نقص سطحی در بتن جلوگیری شود. هم‌زمان با تنظیم قالب‌ها، عملیات مونتاژ قفس فولادی نیز انجام می‌شود. قفس فولادی از دو بخش اصلی تشکیل شده است: میلگردهای پرتنش با سطح تغییر شکل یافته (Deformed Prestressing Bars) و فولاد مارپیچ مقاوم با کشش بالا

(High Tensile Spiral Reinforcement). ابتدا میلگردهای پرتنش به طول‌های مشخص برش خورده و سرهای آن‌ها فرم داده می‌شود. سپس در ایستگاه مونتاژ، میلگردها و مفتول‌های مارپیچی به‌صورت دقیق درون قالب استوانه‌ای مونتاژ می‌شوند تا قفس مسلح‌کننده اصلی شمع تشکیل گردد.

پس از آماده‌سازی قفس فولادی و قالب، بتن آماده درون قالب ریخته می‌شود. در این مرحله بتن باید دارای روانی کنترل‌شده باشد تا در حین چرخش، توزیع یکنواختی پیدا کند. سپس فرایند پیش‌تنیدگی آغاز می‌شود. در این مرحله، میلگردهای فولادی توسط جک‌های هیدرولیکی کشیده و تحت نیروی تنش اولیه قرار می‌گیرند. این عمل باعث می‌شود تا بتن در حالت فشرده قرار گرفته و ظرفیت باربری نهایی شمع افزایش یابد.بعد از اعمال نیروی پیش‌تنیدگی، قالب‌ها وارد دستگاه‌های سانتریفیوژ می‌شوند. در این دستگاه‌ها قالب با سرعت بالا می‌چرخد و نیروی گریز از مرکز، بتن را به دیواره قالب فشرده می‌کند. این فرایند که به آن Compaction by Spinning گفته می‌شود، موجب تراکم بسیار زیاد بتن، حذف حباب‌های هوا و تشکیل حفره توخالی در مرکز شمع می‌گردد. نتیجه این مرحله، تولید شمع‌هایی است با چگالی بالا، سطح داخلی صاف و مقاومت فشاری بسیار عالی.در ادامه، قالب‌های پر از بتن متراکم‌شده وارد محفظه‌های بخاردهی می‌شوند تا فرآیند Steam Curing انجام شود. بخاردهی بتن در دمای بالا باعث تسریع واکنش‌های هیدراسیون سیمان شده و در مدت کوتاهی بتن را به مقاومت لازم برای جدا شدن از قالب می‌رساند. پس از اتمام دوره بخاردهی، قالب‌ها به ایستگاه دمولدینگ (Demoulding) منتقل می‌شوند. در این ایستگاه قالب‌ها باز شده و شمع‌های بتنی از قالب جدا می‌گردند. هم‌زمان با این عملیات، نیروی پیش‌تنیدگی از جک‌ها آزاد می‌شود و تنش فشاری دائمی در بتن باقی می‌ماند که همان خاصیت پیش‌تنیدگی اصلی محصول است.پس از جداسازی از قالب، شمع‌ها در محوطه باز کارخانه برای طی دوره عمل‌آوری نهایی (Air Curing) قرار داده می‌شوند. در این مرحله، بتن در شرایط کنترل‌شده دمایی و رطوبتی نگهداری می‌شود تا به مقاومت نهایی خود دست یابد. مدت زمان عمل‌آوری بسته به نوع سیمان و شرایط محیطی بین چند روز تا یک هفته متغیر است. پس از اتمام دوره عمل‌آوری، تمامی شمع‌ها وارد مرحله بازرسی و کنترل کیفیت نهایی می‌شوند.در بخش کنترل کیفیت نهایی، آزمایش‌های گوناگونی بر روی شمع‌ها انجام می‌شود؛ از جمله اندازه‌گیری دقیق ابعاد، بررسی ظاهری سطح، کنترل استحکام بتن و انجام تست خمش (Bending Test). در تست خمش، شمع تحت بارگذاری تدریجی قرار می‌گیرد تا مقاومت خمشی و رفتار الاستیک و پلاستیک آن ارزیابی شود. تنها محصولاتی که تمام آزمون‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارند اجازه ورود به مرحله انبارش و بسته‌بندی را خواهند داشت.

در نهایت، شمع‌های تولیدی به عنوان محصول نهایی تحت عنوان CEPCO PHC Piles شناخته می‌شوند. این شمع‌ها دارای دقت ابعادی بالا، سطح داخلی و خارجی صیقلی، مقاومت فشاری بسیار زیاد و دوام طولانی‌مدت در برابر عوامل محیطی هستند. هر شمع با برچسب شناسایی شامل شماره بچ، تاریخ تولید و مشخصات فنی علامت‌گذاری می‌شود تا ردیابی کامل در پروژه‌های عمرانی امکان‌پذیر باشد. این محصولات پس از تأیید نهایی، در محوطه کارخانه انبار شده و سپس برای استفاده در پروژه‌های ساختمانی، صنعتی، اسکله‌ها، پل‌ها و سازه‌های سنگین به محل‌های مختلف حمل می‌شوند.فرایند فوق که در کارخانه CEPCO مستقر در مالزی به‌صورت کاملاً صنعتی و خودکار انجام می‌شود، نمونه‌ای پیشرفته از فناوری تولید قطعات پیش‌تنیده است. این کارخانه با بهره‌گیری از سیستم‌های اتوماتیک در بچینگ، کشش فولاد، بخاردهی و کنترل کیفیت نهایی، توانسته است یکی از دقیق‌ترین و پایدارترین چرخه‌های تولید شمع بتنی در سطح آسیا را ایجاد کند. نتیجه این فرایند، تولید شمع‌هایی با کیفیت یکنواخت، مقاومت بالا، دوام طولانی و قابلیت اطمینان بسیار زیاد در پروژه‌های زیرساختی است بر همین اساس نوع ایستگاههای تولیدی این شرکت به شرح زیر می باشد:

۱. کنترل مواد اولیه و آماده‌سازی اولیه (Stationary Production)

فرایند تولید در کارخانه CEPCO با کنترل دقیق مواد اولیه آغاز می‌شود. تمام مصالح شامل سیمان پرتلند با مقاومت بالا، سنگدانه‌های خردشده با دانه‌بندی کنترل‌شده، آب صنعتی تصفیه‌شده و افزودنی‌های شیمیایی مخصوص بتن پیش‌تنیده، قبل از ورود به چرخه‌ی تولید در آزمایشگاه کارخانه مورد آزمایش قرار می‌گیرند.در این مرحله، آزمایش‌هایی نظیر تست مقاومت فشاری سیمان، تعیین درصد رطوبت سنگدانه، و آزمایش روانی (Slump Test) انجام می‌شود تا اطمینان حاصل گردد که مصالح در محدوده‌ی استاندارد قرار دارند. CEPCO از سیستم ثبت دیجیتال برای ردیابی هر بچ مواد استفاده می‌کند، بنابراین هر محصول قابل‌پیگیری تا منبع اولیه است.این مرحله کاملاً ایستا (Stationary) است، زیرا نیازمند تجهیزات سنگین ذخیره‌سازی مانند سیلوهای سیمان، نوار نقاله، باسکول دیجیتال و سیستم‌های دوزینگ دقیق می‌باشد. در تولید Mobile معمولاً چنین کنترل آزمایشگاهی کامل وجود ندارد.

۲. بچینگ و اختلاط بتن (Stationary – گاهی Mobile قابل‌اجرا)

پس از تأیید کیفیت مواد، فرآیند بچینگ آغاز می‌شود. در کارخانه CEPCO، سیستم بچینگ کاملاً اتوماتیک است و نسبت دقیق مواد به‌صورت دیجیتالی کنترل می‌شود. مواد به‌طور متوالی وارد میکسر افقی یا توربینی صنعتی می‌شوند تا بتن با چگالی بالا و کارایی مناسب حاصل گردد.این بتن باید مقاومت فشاری بالاتر از ۸۰ MPa را در سن ۲۸ روز تأمین کند. در سیستم Mobile نیز می‌توان از میکسرهای پرتابل یا بچینگ سیار استفاده کرد، ولی کنترل کیفیت آن در سطح کارخانه‌ای نیست. به همین دلیل، این بخش در CEPCO به‌صورت ثابت و کاملاً خودکار انجام می‌شود تا یکنواختی در هر بچ تضمین گردد.

۳. آماده‌سازی قالب‌ها و مونتاژ قفس فولادی (Both – Stationary & Mobile)

قالب‌های استوانه‌ای فولادی پیش از هر چرخه‌ی تولید، تمیز و روغن‌کاری می‌شوند. سپس قفس‌های فولادی مسلح (Reinforcement Cages) در ایستگاه مونتاژ ساخته می‌شوند.این قفس از Deformed Prestressing Bars به‌عنوان اعضای اصلی و High Tensile Spiral Reinforcement به‌عنوان تقویت‌کننده‌های مارپیچی تشکیل شده است. در CEPCO، دستگاه‌های مونتاژ خودکار با کنترل CNC، فاصله‌ی دقیق بین مارپیچ‌ها را تنظیم می‌کنند تا یکنواختی در تمام طول شمع حفظ شود.در تولید Mobile نیز قفس‌ها می‌توانند با جوش دستی و قالب‌های سبک ساخته شوند، اما کیفیت و دقت تولید کارخانه‌ای قابل‌مقایسه نیست.

۴. پیش‌تنیدگی (Prestressing by Tensioning)–فقط Stationary Production

میلگردهای پیش‌تنیده در دو انتهای قالب با گیره‌های مخصوص مهار می‌شوند و به کمک جک‌های هیدرولیکی با فشار بالا تا حد طراحی‌شده کشیده می‌شوند. سپس تنش اعمال‌شده به‌صورت ثابت در طول فرآیند حفظ می‌گردد.این عمل باعث می‌شود بتن در زمان گیرش اولیه تحت فشار قرار گیرد، و در نتیجه مقاومت نهایی و تحمل بار شمع در برابر نیروهای فشاری و خمشی به‌طور قابل توجهی افزایش یابد. چون این عملیات نیاز به بسترهای فولادی ثابت، تجهیزات دقیق هیدرولیکی، و ابزارهای کالیبراسیون دارد، فقط در کارخانه‌های ایستا قابل انجام است.

۵. تراکم با چرخش (Centrifugal Compaction) –Stationary Production

یکی از مهم‌ترین مراحل تولید در CEPCO است. در این مرحله، قالب‌های پر از بتن در دستگاه‌های سانتریفیوژ قرار داده می‌شوند و با سرعتی حدود ۸۰۰ تا ۱,۲۰۰ دور در دقیقه می‌چرخند.

نیروی گریز از مرکز، بتن را به دیواره‌ی قالب فشرده کرده و باعث خروج کامل هوای محبوس و آب اضافی می‌شود. نتیجه، یک بتن با چگالی بالا و حفره‌ی مرکزی صاف است که به افزایش مقاومت و کاهش وزن شمع کمک می‌کند.به دلیل نیاز به دستگاه‌های بسیار دقیق و ترازشده، این مرحله فقط در سیستم‌های Stationary قابل انجام است و در حالت Mobile عملاً امکان‌پذیر نیست.

۶. بخاردهی و عمل‌آوری سریع (Steam Curing)–Stationary Production

پس از تراکم، قالب‌ها به محفظه‌های بخاردهی منتقل می‌شوند. در CEPCO از بویلرهای فشار بالا برای تولید بخار استفاده می‌شود و دما و رطوبت داخل محفظه به‌طور خودکار کنترل می‌گردد.این مرحله به بتن اجازه می‌دهد تا در مدت چند ساعت به مقاومت اولیه‌ی لازم برای جداسازی از قالب برسد. بخاردهی با دمای ۸۰ تا ۹۰ درجه سانتی‌گراد انجام می‌شود و هیدراسیون سیمان را تسریع می‌کند. در تولید Mobile معمولاً curing طبیعی در هوای آزاد انجام می‌شود.

۷. بازکردن قالب و آزادسازی تنش (Demoulding & Stress Release)Both Systems (با تفاوت در فناوری)

بعد از بخاردهی، قالب‌ها باز می‌شوند و بتن متراکم‌شده و پیش‌تنیده از قالب جدا می‌شود. در همین زمان، تنش میلگردها آزاد می‌گردد و نیروی فشاری دائمی در بتن باقی می‌ماند.در کارخانه CEPCO، این مرحله با استفاده از دستگاه‌های Demoulding هیدرولیکی و جرثقیل‌های ریلی انجام می‌شود. در سیستم‌های سیار، این عملیات به‌صورت دستی یا با جرثقیل سبک صورت می‌گیرد.

۸. عمل‌آوری نهایی در هوای آزاد (Air Curing)Both – Stationary & Mobile

پس از جداسازی از قالب، شمع‌ها برای چند روز در هوای آزاد نگهداری می‌شوند. در کارخانه CEPCO، محوطه‌ی عمل‌آوری دارای سقف فلزی سبک برای محافظت در برابر باران و تابش مستقیم است.در سیستم Mobile نیز این مرحله معمولاً با پوشش پلاستیکی و اسپری مواد عمل‌آورنده انجام می‌شود تا از تبخیر سریع جلوگیری شود. هدف، تثبیت کامل ساختار بتن و افزایش مقاومت نهایی است.

۹. بازرسی و آزمون خمشی (Bending Test & Final Inspection)– Stationary Production

در پایان عمل‌آوری، هر شمع مورد بازرسی دقیق قرار می‌گیرد. اپراتورها وضعیت سطح، یکنواختی رنگ، قطر داخلی و خارجی، و طول نهایی را بررسی می‌کنند. سپس چند نمونه انتخابی در دستگاه آزمون خمشی CEPCO تحت بارگذاری سه‌نقطه‌ای قرار می‌گیرند تا میزان خمش مجاز و مقاومت نهایی ارزیابی شود.تمام نتایج ثبت شده و در گواهی کنترل کیفیت نهایی محصول درج می‌شود. این آزمایش فقط در کارخانه‌ی ثابت قابل انجام است، چون نیاز به دستگاه‌های دقیق با ظرفیت بالا دارد.

۱۰. انبارش، علامت‌گذاری و حمل (Storage & Dispatch)– Stationary → Mobile Distribution

پس از تأیید نهایی، شمع‌ها در انبار روباز کارخانه روی پایه‌های چوبی یا لاستیکی نگهداری می‌شوند تا از تماس مستقیم با زمین جلوگیری شود. هر شمع با برچسب فلزی شامل اطلاعاتی نظیر شماره‌ی بچ، تاریخ تولید، ابعاد، مقاومت طراحی و استاندارد تولید علامت‌گذاری می‌شود.در مرحله‌ی بعد، شمع‌ها توسط جرثقیل بارگیری و به محل پروژه‌ها در سراسر کشور و منطقه صادر می‌شوند. بخش حمل می‌تواند به‌صورت Mobile Distribution در محل پروژه مدیریت شود، اما تولید همچنان در سیستم Stationary انجام می‌گیرد.

در ادامه و برای فهم بهتر شرایط ایستگاهی خط تولید تمام‌اتوماتیک دیوارهای بتنی سبک کارخانه Automatic Precast Extrusion Wall Panel جهت تولید انبوه پانل‌های بتنی توخالی غیر باربرتوضیح داده میشود (شکل ۳-۲۹) . این تولیدات به عنوان دیوار جداکننده در

ساختمان‌های پیش‌ساخته، صنعتی و ماژولار استفاده می‌شود. این خط از مرحله بچینگ تا بسته‌بندی نهایی کاملاً مکانیزه و تحت کنترل کامپیوتری انجام می‌شود و تنها با ۴ تا ۶ اپراتور در هر شیفت قادر است سالانه بیش از ۵۰۰ هزار مترمربع دیوار بتنی تولید کند. فرآیند تولید با ذخیره و توزین دقیق مواد اولیه شامل سیمان، ماسه، خاکستر بادی، الیاف و افزودنی‌ها آغاز می‌شود. مواد در سیستم Weighing Bin وزن‌کشی و وارد Mixer می‌شوند تا بتن سبک با کارایی بالا و قوام کنترل‌شده تولید گردد. بتن آماده از طریق نوار نقاله به دستگاه Extruder منتقل می‌شود؛ اکسترودر با فشار مکانیکی و ویبراسیون، بتن را در قالب‌های فلزی به شکل صفحات طویل با حفره‌های توخالی شکل می‌دهد. در ادامه، دستگاه Synchronous Cutting Machine بدون توقف خط، پانل‌ها را با طول‌های استاندارد برش می‌دهد. پس از برش، پانل‌ها به‌وسیله سیستم Automatic Stacker به‌صورت منظم روی پالت‌ها چیده و برای عمل‌آوری منتقل می‌شوند. انتقال بین ایستگاه‌ها توسط رولرهای موتوردار با حسگرهای خودکار انجام می‌شود تا هیچ توقفی در فرآیند تولید ایجاد نگردد. مرحله بعد، Maintenance Room یا اتاق عمل‌آوری است که در آن پانل‌ها به‌صورت طبیعی یا با بخار در دمای کنترل‌شده عمل‌آوری می‌شوند تا مقاومت اولیه خود را کسب کنند. پس از عمل‌آوری، پانل‌ها وارد بخش Demoulding می‌شوند؛ در این بخش از قالب جدا شده و توسط دستگاه شست‌وشو تمیز می‌گردند تا برای چرخه بعدی آماده باشند. در پایان، قطعات آماده به بخش Separating and Packaging منتقل می‌شوند، جایی که دیوارها بر اساس ابعاد و کیفیت دسته‌بندی، برچسب‌گذاری و برای حمل آماده می‌گردند. تمامی مراحل تحت نظارت سیستم Central Control انجام می‌شود که شامل کنترلرهای مستقل برای اکسترودر، برش، استاکر و عمل‌آوری است و به‌صورت یکپارچه عملکرد خط را پایش می‌کند. توان نصب‌شده این سیستم حدود ۳۰۰ کیلووات و توان عملیاتی مؤثر ۹۰ کیلووات است و سرعت تولید آن بین ۲ تا ۳.۳ متر در دقیقه متغیر می‌باشد. این فناوری با حداقل نیروی انسانی، بالاترین بهره‌وری و یکنواختی محصول را تضمین می‌کند و به دلیل سبک بودن و سطح صاف پانل‌ها، نصب در پروژه‌های پیش‌ساخته با سرعت بالا و نیاز کم به ملات انجام می‌گیرد. نتیجه، تولید صنعتی و مقرون‌به‌صرفه دیوارهای پیش‌ساخته با کیفیت بالا، دوام زیاد و قابلیت ردیابی کامل از بچ تا محصول نهایی است.

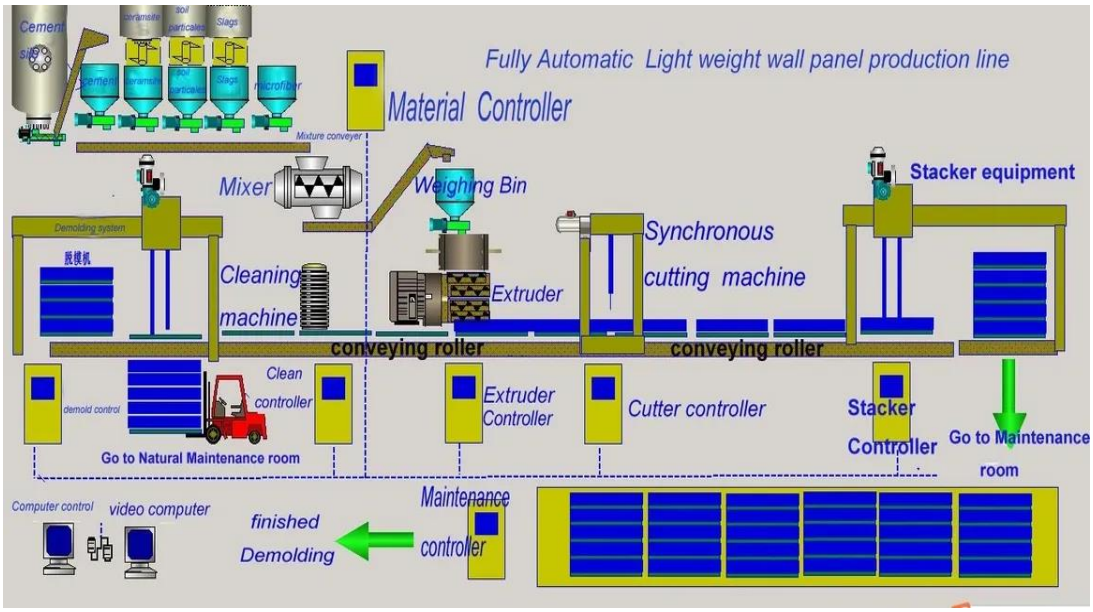

شکل ۳-۲۹ – دیاگرام خط تولید تمام‌اتوماتیک دیوارهای بتنی سبک

مطابق موارد ارائه شده در دیاگرام بالا هر ایستگاه به شرح زیر می باشد :

۱) Concrete Batching & Supplying — سیستم بچینگ و تأمین بتن (Stationary)

مواد: سیمان پرتلند (یا بلند با پوزولان/فلای‌اَش)، ماسه شسته، سنگدانه ریز، ریزالیاف (Microfiber/PP) برای کنترل ترک‌های خمیری، آب با TDS کنترل‌شده، افزودنی‌ها (فوق‌روان‌کننده PCE، زودگیر/دیرگیر به‌تناسب فصل).

توزین و اختلاط: سیلوها با لودسل، خطای توزین ≤±۱٪. نسبت آب به سیمان معمولاً ۰.۳۰–۰.۳۸ برای اکستروژن پایدار. توالی شارژ: سنگدانه → بخشی از آب → سیمان/افزودنی → مابقی آب.

QC لحظه‌ای: اسلامپ‌فلو/منعطفی‌پذیری متناسب با اکستروژن (غیرروانی؛ قوام سفت ولی همگن)، دمای بتن ۱۸–۲۸°C، یکنواختی ۹۰ ثانیه پس از پایان اختلاط.

ایمنی/PM: فیلتر غبار سیلو، قفل بین‌راه‌انداز میکسر، روانکاری گیربکس‌ها، کالیبراسیون هفتگی لودسل‌ها.

۲) Wall Panel Extrusion System — اکستروژن پانل (Stationary Inline)

فرآیند: بتن با نوار تغذیه وارد Extruder می‌شود؛ مارپیچ/تمهیدات ویبراسیون و قالب‌های توخالی (Core Moulds) شکل پانل را می‌سازند.

پارامترها: سرعت ۲.۰–۳.۳ m/min، فشار اکستروژن متناسب با قوام بتن و هندسه هسته‌ها، ضخامت رایج پانل ۶۰–۱۲۰ میلی‌متر، عرض ۶۰۰–۹۰۰ میلی‌متر.
QC: پایش مداوم ارتفاع و یکنواختی لبه‌ها، چگالی تر، عدم جدایش دانه‌ای در پشت اکسترودر، آزمون بیرون‌کشی هسته‌های نمونه.
نکات اجرایی: تنظیم ظریف ویبره/فشار برای جلوگیری از لهیدگی لبه‌ها و بسته‌شدن حفره‌ها. پوشش ضدچسب قالب‌ها قبل از شروع شیفت.

۳) Synchronous Cutting Machine — برش هماهنگ (Stationary)
عملکرد: اره/گیوتین روی کالسکه هم‌سرعت با خط، بدون توقف تولید؛ برش طول‌های استاندارد (۲.۴، ۲.۸، ۳.۰ متر…).
QC: تلرانس طول ±۳–۵ mm، عمود بودن مقطع ≥۱ mm/100 mm، عدم لب‌پریدگی. ردیاب لیزری/کدگذار اینکرمنتال برای هم‌زمانی.
ایمنی/PM: حفاظ کامل تیغ، توقف اضطراری در ورودی/خروجی، تعویض دوره‌ای تیغه و تنظیم کشش ریل‌ها.

۴) Automatic Lifting & Stacking — لیفت و انباشته‌سازی (Stationary, رباتیک)
فرآیند: پنل‌های تازه‌بُرش‌خورده با Stacker روی پالت/واگن عمل‌آوری چیده می‌شوند؛ جداسازهای لاستیکی/پلی‌پروپیلن برای حفاظت لبه‌ها.
QC: هم‌راستایی لایه‌ها، عدم تماس مرطوب مستقیم، ثبت کُد بچ روی هر پالت برای رهگیری.
ایمنی/PM: محدودکننده گشتاور لیفت، سنسور حضور نفر، بازبینی تسمه‌ها و زنجیرها.

۵) Conveying & Transfer — انتقال و نوار غلتکی (Stationary Conveyor)
عملکرد: رولرهای با محرک فرکانسی (VFD) جهت همگام‌سازی با اکسترودر/برش؛ بافر میان‌خطی برای جلوگیری از توقف خط.
QC: آسیب‌ندیدن لبه و سطح تازه؛ تمیزی رولرها (دوغاب خشک‌شده منبع خط و خش است).
PM: گریس‌کاری رولرهای انتهایی، هم‌راستایی مسیر، تعویض حلقه‌های لاستیکی محافظ.

۶) Automatic Maintenance/Curing — عمل‌آوری خودکار
دو الگو:

Natural Curing Room (هوای کنترل‌شده ۲۰–۳۰°C، RH>80%)؛ مناسب فصول معتدل.
Steam/Heated Curing (۸۰–۹۰°C، نمودار افزایش/ثبات/کاهش دما) برای رسیدن سریع به مقاومت جابجایی.
اهداف: رسیدن به مقاومت اولیه برای دمولدینگ/جابجایی (مثلاً ۱۵–۲۵ MPa بسته به طرح اختلاط و ابعاد)، کنترل انقباض.
QC: ثبت پیوسته دما/رطوبت، نمونه‌گیری مکعبی/استوانه‌ای، کنترل وزن برای برآورد میزان آب‌گیری.
ایمنی/PM: شیر اطمینان بخار، عایق‌کاری لوله‌ها، قفل‌های اینترلاک درب اتاق بخار.

۷) Demoulding & Cleaning — دمولدینگ و شست‌وشو (Stationary)
فرآیند: جداسازی پنل‌ها از قالب/پالت پس از کسب مقاومت حمل؛ انتقال به ناحیه سردکن/هوادهی؛ بازگشت قالب‌ها به ایستگاه تمیزکاری.

Cleaning Machine: برس چرخان/واترجت فشار متوسط؛ اعمال مجدد رهاینده (Release Agent) یکنواخت و نازک.
QC: بررسی نقص‌های سطحی (حفره سوزنی، لبه‌پریدگی)، اندازه‌گیری ضخامت، کنترل پیوستگی حفره‌ها.
PM: بازبینی قفل‌های قالب، صاف‌بودن سطح تماس قالب (Warp کنترل شود)، تعویض نوارهای آب‌بندی.

۸) Separating & Packaging — جداسازی و بسته‌بندی (Stationary → ارسال)
عملیات: تفکیک بر اساس طول/ضخامت/بچ؛ بندیل‌بندی با تسمه PP/فلزی و محافظ گوشه؛ برچسب‌گذاری (QR/بارکد) شامل پروژه، ابعاد، تاریخ، کُد بچ، اپراتور.
QC: وزن بندیل، ثبات پشته‌بندی (زاویه بدون واژگونی)، آزمون نقطه‌ای صدای ضربه برای تشخیص ترک‌های پنهان.
لجستیک: طرح بارگیری برای جلوگیری از پیچش/لرزش؛ جداکننده لاستیکی بین هر لایه؛ دستور حمل و چیدمان در سایت برای نصب سریع.

۹) Central Automatic Control — سیستم اتوماسیون مرکزی

معماری: PLCهای محلی (Material/Extruder/Cutter/Stacker/Curing Controllers) با HMI، شبکه صنعتی (PROFINET/Modbus-TCP)، ثبت داده در پایگاه (Batch, Speed, Temp, Alarms).

تحلیل/کیفیت: SPC روی اسلامپ‌فلو/چگالی/طول برش؛ اعلان‌های پیشگیرانه برای PM (Runtime-Based). داشبورد OEE (Availability/Performance/Quality).

ایمنی سایبری/عملیاتی: سطح دسترسی اپراتور/سوپروایزر، ثبت وقایع، UPS برای PLCهای کلیدی، قفل سخت‌افزاری Emergency Stops.

در همین زمینه یک نمونه سیستم تولید کارخانه الماتیک نیز ارائه میشود . سیستم کارخانه پیش‌ساخته بتنی Elematic فنلاند یک مدل هوشمند و دیجیتال از تولید صنعتی قطعات بتنی است که تمام مراحل از طراحی تا حمل محصول را در یک زنجیره داده‌محور و خودکار به هم متصل می‌کند. این کارخانه در دو قالب اصلی فعالیت می‌کند: تولید ایستگاهی (Stationary) برای تولید انبوه با دقت بالا و تولید متحرک (Mobile) برای پروژه‌های موقتی یا دور از مرکز. فرایند از مرحله طراحی در نرم‌افزار BIM آغاز می‌شود، جایی که مدل سه‌بعدی ساختمان و اطلاعات مصالح، ضخامت دیوارها، بازشوها و حجم بتن تعریف می‌شود. داده‌های طراحی مستقیماً وارد نرم‌افزار Plant Control می‌گردند که مغز دیجیتال کل کارخانه است. Plant Control اطلاعات پروژه، ظرفیت روزانه، وضعیت تجهیزات و برنامه تولید را مدیریت می‌کند و به سیستم‌های زیرمجموعه دستور کار ارسال می‌نماید. اولین بخش عملیاتی، B&M Plant Control است که توزین و اختلاط دقیق سیمان، سنگدانه، آب و افزودنی‌ها را بر اساس فرمول دیجیتال انجام داده و بتن آماده را از طریق شاتل به خطوط تولید منتقل می‌کند. سپس نرم‌افزار FLOORMES فرایند تولید دال‌های پیش‌تنیده را با ماشین‌های اکسترودر، اره و پلاتر کنترل می‌کند و داده‌های سرعت، فشار و مصرف بتن را بلادرنگ پایش می‌نماید. برای تولید دیوارهای پیش‌ساخته، سیستم WALLMES وارد عمل می‌شود؛ در این بخش ربات‌ها قالب‌بندی و علامت‌گذاری بازشوها را به‌صورت خودکار انجام می‌دهند و بتن‌ریزی با کنترل دیجیتال صورت می‌گیرد. پس از بتن‌ریزی، بخش Curing Control شرایط بخاردهی و عمل‌آوری را از طریق سنسورهای دما و رطوبت تنظیم کرده و مقاومت بتن را پیش‌بینی می‌کند. داده‌های عمل‌آوری مستقیماً در Plant Control ذخیره می‌شود. پس از آن، Quality Control تمامی قطعات را از نظر مقاومت، ابعاد، و تاریخ تولید با تبلت یا اسکنر بارکد کنترل کرده و هر قطعه را با شناسنامه دیجیتال ثبت می‌نماید. سپس محصولات وارد مرحله Product

Logistics می‌شوند؛ در این بخش سیستم بارکد و RFID مسیر انتقال از سالن تولید تا انبار و حمل به پروژه را مدیریت می‌کند. در پایان، چرخه داده‌ها با Feedback Loop دوباره به Plant Control و مدل BIM بازمی‌گردد تا برای پروژه‌های بعدی، مصرف مواد و برنامه تولید دقیق‌تر تنظیم شود. در سیستم ایستگاهی، تمام مراحل به‌صورت بلادرنگ و خودکار انجام می‌شود، در حالی که در سیستم متحرک، کنترل‌ها ساده‌تر و بیشتر محلی هستند. نتیجه این ساختار، کاهش خطای انسانی، صرفه‌جویی در انرژی، ردیابی کامل کیفیت، و افزایش بهره‌وری تولید است. به همین دلیل، مدل Elematic به‌عنوان الگوی جهانی Smart Precast Factory شناخته می‌شود که ترکیبی از اتوماسیون، کنترل دیجیتال، و داده‌کاوی برای تولید قطعات بتنی با کیفیت بالا و پایدار است.

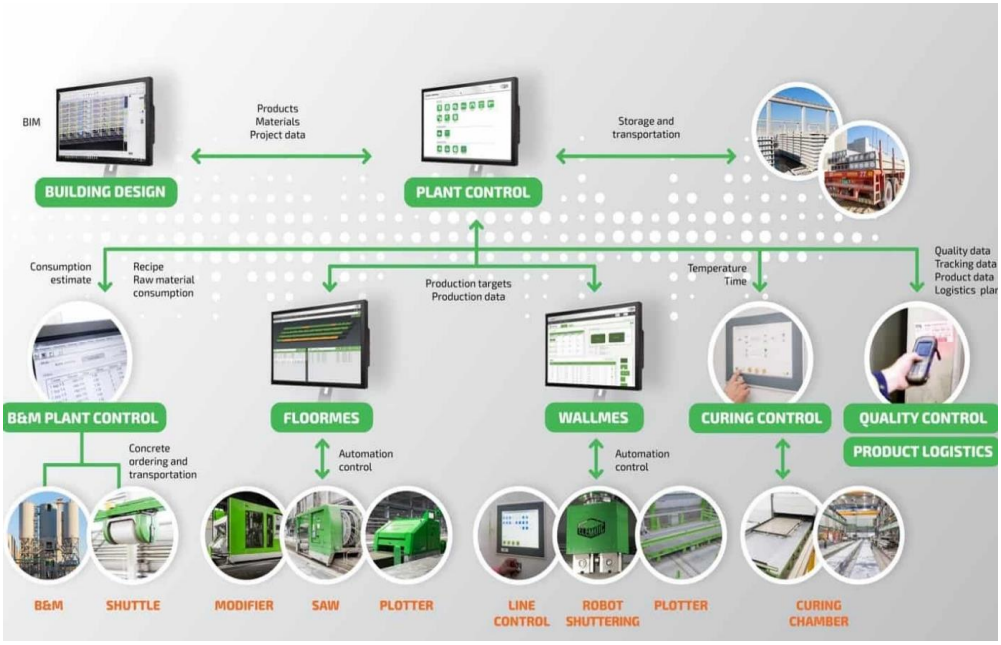

شکل ۳-۲۹ – دیاگرام خط تولید تمام‌اتوماتیک شرکت الماتیک

۱. BUILDING DESIGN – طراحی ساختمان (BIM Integration)

فرآیند از مرحله طراحی آغاز می‌شود. در سیستم الماتیک، مدل ساختمان در محیط BIM (Building Information Modeling) طراحی می‌شود — معمولاً با نرم‌افزارهایی مانند

Tekla Structures، Revit یا Elematic BIM Sync. در این مدل، تمام جزئیات هندسی، ضخامت دیوارها، محل بازشوها، نوع اتصال، و مصالح تعریف می‌شود.
پس از نهایی‌شدن مدل، اطلاعات به‌صورت دیجیتال به نرم‌افزار Elematic Plant Control منتقل می‌شود؛ بدون نیاز به ورود دستی داده‌ها.
در این مرحله، سیستم میزان مصرف مصالح، حجم بتن، مقدار میلگرد، تعداد قالب موردنیاز و ظرفیت روزانه تولید را پیش‌بینی می‌کند.
در سیستم Stationary این ارتباط آنلاین و دوسویه است (BIM ↔ Plant Control)، اما در سیستم Mobile داده‌ها معمولاً به‌صورت فایل پروژه منتقل می‌شوند.
نتیجه این مرحله، ایجاد «دستور تولید دیجیتال» برای هر قطعه بتنی است.

۲. PLANT CONTROL – کنترل مرکزی کارخانه

نرم‌افزار Plant Control قلب دیجیتال کل کارخانه است. این سیستم داده‌ها را از طراحی، بچینگ، خطوط تولید، عمل‌آوری، کنترل کیفیت و انبار دریافت می‌کند و همه‌ی عملیات را در یک داشبورد واحد مدیریت می‌کند.
کارکردهای کلیدی آن شامل برنامه‌ریزی تولید (Scheduling)، کنترل عملکرد ماشین‌ها، تحلیل راندمان، نگهداری پیشگیرانه (PM) و گزارش‌دهی بلادرنگ است.
در حالت Stationary, هر خط (دال، دیوار، پله و...) به این سرور متصل است. در حالت Mobile, نسخه‌ی ساده‌تر با تمرکز بر بچینگ، بتن‌ریزی و QC استفاده می‌شود.
Plant Control همچنین با سیستم‌های ERP (مثل SAP یا Oracle) ارتباط دارد و آمار مصرف مواد و تولید روزانه را خودکار به مدیریت ارسال می‌کند.

۳. B&M PLANT CONTROL – بچینگ و میکس بتن

این بخش مسئول کنترل Batching & Mixing (B&M) است. در این مرحله، سیستم به‌صورت خودکار مقدار سیمان، سنگدانه، آب و افزودنی را طبق «Recipe» تنظیم‌شده از Plant Control وزن‌کشی و مخلوط می‌کند.
تمام تجهیزات (سیلوها، نوار نقاله، میکسرها و شاتل انتقال بتن) از طریق PLC و HMI با نرم‌افزار ارتباط دارند.

در حالت Stationary Production, میکسر مرکزی ثابت است و بتن از طریق Shuttle یا Bucket به خطوط ارسال می‌شود. در حالت Mobile, از بچینگ پرتابل و پمپ‌های کوچک استفاده می‌شود.
QC در این بخش شامل کنترل اسلامپ، دما و همگنی بتن است. تمام داده‌ها به Plant Control ارسال می‌شود تا مصرف واقعی در مقابل پیش‌بینی بررسی شود.
این دقت باعث می‌شود اختلاف مصرف مواد به کمتر از ۱٪ برسد.

۴. FLOORMES – تولید دال‌ها (Hollow Core Slab Line)

FLOORMES نرم‌افزار اختصاصی الماتیک برای کنترل خطوط تولید دال پیش‌تنیده (Hollow Core) است.
داده‌های طول، ضخامت و نوع کابل از Plant Control وارد سیستم می‌شود. سپس ماشین‌های اکسترودر، اره (Saw)، پلاتر و Modifier به‌صورت خودکار کنترل می‌شوند.
Modifier سطح قالب را تمیز و روغن‌کاری می‌کند.
Extruder بتن را به صورت نواری پیوسته با حفره‌های طولی شکل می‌دهد.
Saw دال‌ها را با دقت بالا برش می‌دهد و Plotter خطوط برش، برق‌کشی و بازشوها را روی سطح مشخص می‌کند.
در حالت Stationary, این خط روی بسترهای فولادی ثابت (Casting Beds) اجرا می‌شود و می‌تواند تا ۱۵۰ متر طول داشته باشد. در حالت Mobile, این خط معمولاً کوتاه‌تر است و اکسترودر قابل‌حمل به محل پروژه منتقل می‌شود.سیستم FLOORMES داده‌های سرعت، فشار، و مصرف بتن را بلادرنگ مانیتور می‌کند و هر نقص احتمالی را هشدار می‌دهد.

۵. WALLMES – تولید دیوارها (Wall Panels, Double Wall, Sandwich)

WALLMES مشابه FLOORMES است، اما برای تولید دیوارهای تخت، دوجداره یا ساندویچی.
در این خط، همه‌چیز دیجیتال و اتومات است: ابتدا Plotter نقشه بازشوها را روی میز قالب ترسیم می‌کند، سپس Robot Shuttering قالب‌ها را بر اساس فایل CAD باز و بسته می‌کند.
اپراتور فقط بتن‌ریزی را نظارت می‌کند.پس از بتن‌ریزی، ویبره و تسطیح خودکار انجام می‌شود و سیستم Line Control وضعیت هر میز را ثبت می‌کند.در حالت Stationary,

قالب‌ها به‌صورت چرخشی (Carousel System) حرکت می‌کنند. در حالت Mobile, از قالب‌های ساده با بتن‌ریزی دستی استفاده می‌شود.
WALLMES باعث کاهش نیروی انسانی تا ۷۰٪ نسبت به روش سنتی می‌شود.

۶. CURING CONTROL – کنترل عمل‌آوری

در الماتیک، عمل‌آوری بتن دیگر دستی نیست. سیستم Curing Control شرایط محیطی هر اتاق بخار یا تونل عمل‌آوری را با حسگرهای دما، رطوبت و فشار کنترل می‌کند.
منحنی افزایش و کاهش دما طبق طرح اختلاط تنظیم می‌شود تا بتن به مقاومت هدف برسد.
داده‌های دمای واقعی و زمان در Plant Control ثبت می‌شود و حتی امکان پیش‌بینی مقاومت بر اساس مدل حرارتی وجود دارد.در حالت Stationary, از تونل‌های بخاردهی کاملاً بسته با کنترل PID استفاده می‌شود. در حالت Mobile, از عمل‌آوری طبیعی یا دستگاه‌های بخار موضعی کوچک استفاده می‌شود.
این فناوری ضمن صرفه‌جویی در انرژی، کیفیت یکنواختی در کل قطعات را تضمین می‌کند.

۷. QUALITY CONTROL – کنترل کیفیت دیجیتال

QC در سیستم الماتیک داده‌محور است. هر قطعه بتنی از لحظه بچینگ تا خروج از انبار ردیابی می‌شود.
اپراتور QC از تبلت یا اسکنر بارکد استفاده می‌کند تا داده‌های مربوط به مقاومت، ابعاد، تاریخ تولید و شماره قالب را در سیستم ثبت کند.نتایج آزمایش‌ها (خمشی، فشاری، چسبندگی) مستقیماً در Plant Control ذخیره می‌شوند و در صورت وجود هرگونه مغایرت، سیستم هشدار می‌دهد.در کارخانه‌های Stationary, QC خودکار (با سنسور و دوربین) انجام می‌شود. در پروژه‌های Mobile, QC به‌صورت دستی اما دیجیتال (از طریق تبلت) صورت می‌گیرد.این روش باعث ایجاد شناسنامه‌ی کامل برای هر قطعه (Digital Product Passport) می‌شود.

۸. PRODUCT LOGISTICS – انبار و حمل‌ونقل

بعد از تأیید QC، قطعات وارد سیستم لجستیک می‌شوند. هر قطعه دارای برچسب Barcode یا RFID است که موقعیت آن در انبار، زمان حمل، و مقصد پروژه را مشخص می‌کند.
سیستم Elematic Logistics Control به‌صورت خودکار نقشه چیدمان کامیون‌ها، ترتیب تخلیه و مسیر حمل را تنظیم می‌کند تا از جابه‌جایی اضافی جلوگیری شود.در کارخانه‌های Stationary, این بخش با جرثقیل هوشمند، انبار خودکار و مدیریت بارگیری ترکیب شده است.در حالت Mobile, انتقال ساده‌تر و دستی است، ولی همچنان با بارکد ثبت می‌شود تا ردیابی حفظ گردد.

۹. FEEDBACK LOOP – چرخه بازخورد داده‌ها

ویژگی متمایز کارخانه الماتیک، حلقه بسته داده است.
تمام داده‌های جمع‌آوری‌شده از QC، Curing، و Logistics مجدداً به Plant Control و سپس به مدل BIM ارسال می‌شوند.به این ترتیب، در پروژه بعدی مصرف مواد دقیق‌تر برآورد می‌شود، انحراف‌ها اصلاح می‌گردند، و کیفیت کلی تولید بهبود می‌یابد.این همان مفهوم Smart Precast Factory است: یادگیری پیوسته از داده‌ها برای بهینه‌سازی مداوم تولید.در حالت Stationary, این حلقه به‌صورت خودکار و بلادرنگ عمل می‌کند؛ درحالت Mobile,و به‌صورت دوره‌ای